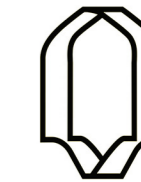


معماری اقلیم گرم و خشک

دوفصلنامه تخصصی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد
سال چهارم - شماره چهارم - پاییز و زمستان ۱۳۹۵
ISSN: 2251-8185



دوفصلنامه تخصصی معماری اقلیم گرم و خشک



Yazd University

ARCHITECTURE IN HOT AND DRY CLIMATE

Fall & Winter, Vol. 4, No. 4, 2016
Yazd University- Faculty of Art & Architecture
ISSN: 2251-8185



- بررسی و مقایسه سیستم‌های متداول امتیازدهی ساختمان‌ها بر اساس شاخص‌های پایداری و مقایسه با مقررات ملی کشور؛ زهرا رئیسی، مرتضی نیکروان
- ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء یزد بر اساس رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه؛ محمود پورسراجیان
- واکاوی اصول قوام‌بخش حاکم بر مراتب مفهوم مرکز؛ کاظم مندگاری، ضحی ندیمی
- سنجش امنیت شهری در محله فرحزاد تهران با استفاده از روش تحلیل عاملی؛ مصطفی عباس‌زادگان، مینا فیروزبان، مریم روحانی شهرکی
- تجدید حیات در بافت‌های تاریخی از طریق راهبرد اصالت بخشی (نمونه موردی بافت تاریخی شیراز)؛ مرجان شهاب زاده
- الگوهای پوشش الحاقی موقت برای فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد؛ آزاده خاکی قصر

سال چهارم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

- A Comparative Investigation of Dominant Building Rating Systems and Iranian National Building Codes according to Sustainability Criteria
- Assessment of Proposals for Revitalization a Dilapidated Plot of Land Located in Yazd according to Integrated Conservation and Regeneration Approach
- Analyzing Constitutive Principles of the Hierarchy of the Concept of Center
- Assessment of Urban Safety in Farahzad Neighborhood of Tehran, by Using the Factor Analysis Method
- Revitalization of Historical Neighborhoods by Employing Gentrification Strategy
- Cover patterns Strategies for Exposed Space in the Historic Districts of Yazd

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای تهیه و شرایط ارسال نوشتارهای علمی در نشریه معماری اقلیم گرم و

- هدف نشریه "معماری اقلیم گرم و خشک" انتشار نتایج پژوهش‌های علمی در زمینه معماری اقلیم گرم و خشک و موضوعات مرتبط با آن در حوزه‌های معماری سنتی، مرمت، هنرهای وابسته به معماری، شهرسازی، طراحی شهری و انرژی است.
- علاوه بر قرار گرفتن موضوع مقاله در زمینه تخصصی نشریه، مقالات یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله‌ای در داخل یا خارج از کشور به طور هم زمان در جریال داوری و یا چاپ باشد. مقالات ارائه شده به صورت خلاصه مقاله درکنگره‌ها، سمپوزیوم‌ها، سمینارهای داخلی و خارجی که چاپ و منتشر شده باشد، می‌تواند در قالب مقاله کامل ارائه شوند.
- نشریه در رد یا قبول، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است.
- اصلاح و خلاصه کردن مطالب با نظر نویسندگان انجام می‌شود و مسئولیت صحت محتوای مقالات به عهده نویسندگان است.
- در صورت استفاده از مطالب دیگران، منبع مورد نظر با شماره و اطلاعات کامل منبع مذکور ارجاع داده شود.
- مقالات مندرج لزوماً نقطه نظرات مسئولین نشریه نبوده و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان است.
- نوشتارهای علمی - پژوهشی پس از داوری و تصویب در هیات تحریریه به چاپ می‌رسند. نشریه از پذیرش سایر نوشتارها نظیر ترجمه، گردآوری، مروری و... معذور است.
- نوشتارهای ارسالی نباید قبلاً در نشریه دیگری به چاپ رسیده و یا بطور همزمان به سایر نشریات و یا سمینارها برای بررسی و چاپ ارائه شده باشد.
- نوشتارها ترجیحاً به زبان فارسی باشد. با وجود این نشریه قادر است نوشتارهای انگلیسی زبان را نیز در صورت تایید به چاپ برساند.
- در تنظیم فایل اصل مقاله، رعایت بخش‌های زیر به ترتیب ضروری است:
 - ✓ صفحه اول: بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی (باید به تنهایی بیان کننده تمام مقاله و شامل بیان مسأله یا اهداف پژوهش، روش پژوهش، مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری و حداکثر ۳۰۰ کلمه باشد) و واژه‌های کلیدی باشد. واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده و بین ۳ تا ۶ کلمه نوشته شود.
 - ✓ پرسش‌های پژوهش (حداکثر ۳ مورد)
 - ✓ مقدمه: شامل بیان مسئله، بیان اهداف یا فرضیه، روش تحقیق (در معرفی روش تحقیق صرفاً به نام روش بسنده نشود و علاوه بر عنوان، مواردی همچون مراحل انجام، روش گردآوری اطلاعات، مراحل انجام و فرآیند پژوهش ذکر گردد)، و ساختار مقاله می‌باشد.
 - ✓ پیشینه تحقیق
 - ✓ بدنه اصلی پژوهش (چارچوب نظری، بحث و بیان یافته‌ها)
 - ✓ نتیجه‌گیری
 - ✓ تشکر و قدردانی: سپاسگزاری از همکاری و راهنمایی کسانی که در تدوین مقاله نقش داشته‌اند (در صورت نیاز)
 - ✓ پی‌نوشت‌ها: شامل معادل‌های لاتین و توضیحات ضروری درباره اصطلاحات و مطالب مقاله، که به ترتیب با شماره در متن و به صورت پی‌نوشت در انتهای مقاله و قبل از فهرست مقاله درج گردد.
 - ✓ منابع فارسی و لاتین شامل صرفاً منابعی که در متن مورد استناد قرار گرفته‌اند، به ترتیب الفبا بر حسب نام خانوادگی نویسنده
 - ✓ چکیده انگلیسی (حداقل ۳۵۰ و حداکثر ۵۰۰ کلمه)



نشریه معماری اقلیم گرم و خشک

زمینه انتشار: معماری

سال چهارم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

ISSN: 2251-8185

صاحب امتیاز: دانشگاه یزد

سردبیر: دکتر علی غفاری

مدیرمسئول: دکتر کاظم مندگاری

مدیر داخلی: دکتر علی شهابی نژاد

ناشر: دانشگاه یزد

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|-------------------------------|
| دانشیار گروه معماری - دانشگاه یزد | ۱. دکتر سیدمحمدحسین آیت اللهی |
| استادیار گروه شهرسازی - دانشگاه یزد | ۲. دکتر نجما اسماعیل پور |
| دانشیار گروه شهرسازی - دانشگاه تهران | ۳. دکتر بهناز امین زاده |
| استاد گروه معماری - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۴. دکتر محمود رازجویان |
| دانشیار گروه جغرافیا - دانشگاه یزد | ۵. دکتر محمدحسین سرائی |
| استاد گروه شهرسازی - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۶. دکتر علی غفاری |
| دانشیار گروه معماری - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۷. دکتر حمید ندیمی |
| استاد گروه معماری - دانشگاه شهید بهشتی تهران | ۸. دکتر هادی ندیمی |

طرح روی جلد و لوگو: شهاب الدین خورشیدی

عکس جلد: بافت تاریخی شهر یزد

ویرایش فارسی: زهرا آقابیگی

امور رایانه و صفحه آرایی: الهام اردکانی

چاپ: انتشارات دانشگاه یزد

نشانی نشریه: یزد، خیابان امام خمینی، کوچه سهل بن علی، دانشکده هنر و معماری، دفتر مجله معماری اقلیم گرم و خشک.

تلفن: ۰۳۵۳۶۲۲۲۹۸۵

پست الکترونیک: ahdc@journal.yazd.ac.ir

تارنمای نشریه: <http://smb.yazd.ac.ir>

سیستم نشریه معماری اقلیم گرم و خشک دسترسی آزاد بوده و استفاده از مطالب و کلیه تصاویر آن با ذکر منبع بلامانع است.

نشریه معماری اقلیم گرم و خشک پس از چاپ در پایگاه اطلاع رسانی مجلات علمی و تخصصی ایران (magiran.com) پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir) و ISC نمایه می شود.





اسامی داوران این شماره:

- دکتر رضا ابویی، دانشگاه هنر اصفهان
دکتر نجما اسماعیل پور، دانشگاه یزد
دکتر سید علیرضا افشانی، دانشگاه یزد
دکتر محمد ایرانمنش، دانشگاه شهید باهنر کرمان
دکتر سید محمد حسین آیت اللهی، دانشگاه یزد
دکتر مهدی رازانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر شاهین حیدری، دانشگاه تهران
دکتر حسین خسروی، دانشگاه هنر تهران
دکتر آزاده خاکی قصر، دانشگاه شهید بهشتی
دکتر علیرضا رضوانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
دکتر نریمان فرح‌زا، دانشگاه یزد
دکتر سید علی اکبر کوششگران، دانشگاه یزد
دکتر حمید محمدی، دانشگاه یزد
دکتر مهدی محمودی کامل آبادی، دانشگاه هنر اصفهان
دکتر سعید ملکی، دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر مسعود نبی میبیدی، دانشگاه یزد

سخن سردبیر

اقلیم گرم و خشک سهم عمده‌ای از جغرافیای ایران و سرزمین‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد و معماری‌هایی که در طول تاریخ در این اقلیم شکل گرفته‌اند جایگاه خاصی در تاریخ معماری ایران و اسلام دارند. از طرفی بخش‌های عمده‌ای از بافت شهرهای تاریخی در این اقلیم به‌دلیل فرهنگی و جغرافیایی حفظ گردیده و زمینه‌ی مناسبی را برای پژوهش فراهم می‌کند. تجارب تاریخی معماری اقلیم گرم و خشک نشان می‌دهد این معماری علیرغم مواجهه با سختی‌ها و مشکلات مربوط به آن، در تعامل دوسویه انسان و محیط و از طریق کشف استعدادهای پنهان آن و تبدیل محدودیت به امکان به ظهور رسیده است و بیش و پیش از آن که آورده‌ای انسانی باشد، فرآورده‌ای سرزمینی است و در کنار پاسخ شایسته به نیازهای آسایشی انسان، در فراگردی اخلاق‌مدار، کمترین تعدی و تهدیدی را برای محیط به‌وجود آورده است.

این موضوع در حالی است که در دوره‌ی مدرن که «بی‌مکانی» خواسته یا ناخواسته رواج یافته و نتایج حاصل از آن تهدیدات ناگزیری را برای انسان و جهان زیستنده در آن به بار آورده، توجه زیاد مراکز علمی و تحقیقاتی سراسر دنیا در رجوع و مطالعه عالمانه نحوه‌ی مواجهه با شرایط اقلیمی، دستاوردهایی اگر چه اندک اما ارزشمند را موجب شده است.

در این ارتباط دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد از سال ۱۳۶۸ با حضور در بافت شهر تاریخی که تبلور مواجهه هزار ساله مردم این سرزمین با شرایط محیطی منطقه است، سعی در مطالعه و فهم این دانش محیطی و کاربردی آن در شرایط و منطبق با نیازهای جدید دارد. از جمله دستاوردهای حضور در این بافت برای اساتید و دانشجویان، فهم این موضوع است که دامنه ارزش‌های ناشی از سازگاری با این اقلیم تنها به پاسخ‌های نغز و همه‌جانبه به نیازهای شناخته شده در حوزه آسایش انسان محدود نمی‌شود. بی‌تردید دامنه این دستاوردها تمامی ابعاد پیدا و پنهان وجود انسان را پوشش داده و سیراب نموده است، به گونه‌ای که برای تمام شاخه‌های متکثر و قابل تصور از علوم (علوم انسانی، علوم مهندسی و ...) آموزه‌های گران‌سنگی را در حوزه خود نهفته دارد. به‌طوری که می‌توان گفت زیستن و به‌صورت خاص معماری در این اقلیم خوان گسترده‌ای را برای ارتزاق علمی و کاربردی عملی طالبان علم در جهان معاصر فراهم آورده است.

نشریه معماری اقلیم گرم و خشک وابسته به دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد رسالت خود را در ایجاد فرصتی مناسب و تخصصی برای تجمیع افکار و آراء عالمانه تمامی افراد از حوزه‌های مختلف دانش و هنر متمرکز نموده است. امید است بدین وسیله، در حد بضاعت دست‌اندرکاران نشریه و البته همت بلند علاقمندان به معماری این اقلیم گام‌هایی هر چه بلندتر در بسط مرزهای دانش معماری برداشته شود و به تبع آن کمبود منابع مکتوب و کاستی‌های ادبیات زمینه‌ای مرتبط با حوزه دانشی و بیش‌تر معماری اقلیم گرم و خشک تا حدی مرتفع گردد. بی‌تردید دستاوردهای معماری در اقلیم گرم و خشک مأخذ معتبری برای پیمایش‌های محدود سرزمینی، اما قابل عرضه و تعمیم در اندازه‌های جهانی است. اما به گفته خواجه شیراز:

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید



شماره صفحه	فهرست
۱	بررسی و مقایسه سیستم‌های متداول امتیازدهی ساختمان‌ها بر اساس شاخص‌های پایداری و مقایسه با مقررات ملی کشور زهرا رئیسی، مرتضی نیکروان
۱۵	ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء یزد بر اساس رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه محمود پورسراجیان
۳۳	واکاوی اصول قوام‌بخش حاکم بر مراتب مفهوم مرکز کاظم مندگاری، ضحی ندیمی
۴۹	سنجش امنیت شهری در محله فرحزاد تهران با استفاده از روش تحلیل عاملی مصطفی عباس‌زادگان، مینا فیروزیان، مریم روحانی شهرکی
۶۵	تجدید حیات در بافت‌های تاریخی از طریق راهبرد اصالت بخشی (نمونه موردی بافت تاریخی شیراز) مرجان شهاب‌زاده
۸۱	الگوهای پوشش الحاقی موقت برای فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت یزد آزاده خاکی قصر

بررسی و مقایسه سیستم‌های متداول امتیازدهی ساختمان‌ها بر اساس شاخص‌های پایداری و مقایسه با مقررات ملی کشور

زهرا رئیسی^{۱*}، مرتضی نیکروان^۲

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تهران و پژوهشگر دفتر توسعه پایدار دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۲- دانشجوی دکتری عمران- محیط زیست و معاون دفتر توسعه پایدار، دانشگاه صنعتی امیرکبیر

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰)

چکیده

به دلیل روند رو به رشد صنعت ساختمان‌سازی در کشورهای در حال توسعه و مفهوم توسعه پایدار، همچنین اهمیت توجه به نسل‌های آینده، تدوین سیستم امتیازدهی ساختمان‌ها بر اساس معیارهای زیست محیطی همواره مورد بحث بوده است. به دلایل متعددی، از جمله تنوع در متغیرهای منطقه‌ای، نمی‌توان سیستم‌های موجود را برای تمام مناطق مورد استفاده قرارداد. در این مقاله به بررسی و مقایسه تطبیقی مهم‌ترین سیستم‌های متداول امتیازدهی زیست محیطی در سطح جهان شامل LEED، BREEAM و CASBEE به ترتیب مورد استفاده در کشورهای انگلستان، آمریکا و ژاپن و با توجه خاص به حوزه تخصیص اعتبار (سیستم‌های توزین و امتیازات) و معیارهای توسعه پایدار در هر سیستم پرداخته شده است. در ادامه زمینه‌های همگرا و متمایز سیستم‌های مذکور با مقررات ملی ساختمان ایران بررسی می‌شود. سپس اعتبارات مشترک در سیستم‌های مذکور که در مقررات ملی ساختمان ایران به آن‌ها اشاره‌ای نشده است، شناسایی شده‌اند. این اعتبارات که عموماً از اصول اساسی شناخته شده در توسعه پایدار هستند، می‌توانند به عنوان موارد پیشنهادی در سیستم امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها در ایران مورد توجه واقع شوند. برای ارائه روشی مؤثر در امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها پیشنهاد می‌گردد یکی از سیستم‌های رایج در دنیا، با توجه به اولویت‌های کشور انتخاب گردیده و سپس در راستای اعمال اصلاحات، بخشی از اعتبارات حذف و یا اضافه شود، یا امتیاز اعتباری خاص تغییر کند و در نهایت سیستم امتیازدهی جدیدی تحت عنوانی نو برای کشور تدوین گردد.

کلیدواژه‌ها: سیستم امتیازدهی زیست محیطی، ارزیابی پایداری، ساختمان‌سازی سبز، مقررات ملی ساختمان ایران

پرسش‌های پژوهش

۱. با توجه به تجارب جهانی و اولویت‌های منطقه‌ای ایران، اعتبارات پایداری که در روند ساختمان‌سازی باید مورد توجه قرار بگیرند چه مواردی هستند؟

۲. در راستای بهبود مقررات ملی ساختمان ایران با توجه به سیستم‌های متداول جهانی امتیازدهی ساختمان‌ها و اولویت‌های منطقه‌ای کشور بر اساس شاخص‌های پایداری چه تغییراتی لازم است؟

۳. چه راهکارهایی به جهت تدوین و ترویج سیستم امتیازدهی زیست محیطی ساختمان در ایران پیشنهاد می‌گردد؟

۱- مقدمه

بی‌شک صنعت ساختمان‌سازی تأثیرات زیادی بر روی محیط‌زیست، اقتصاد، بهره‌وری و سلامتی ساکنان آن دارد. با توجه به روند رو به رشد شهرها و ساخت‌وساز، دستیابی به سیستم‌های امتیازدهی ساختمان بر اساس معیارهای زیست محیطی همواره مورد بحث بوده است. با توجه به توسعه سیستم‌های امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها، به دلایل متعددی، از جمله تنوع در متغیرهای منطقه‌ای، نمی‌توان سیستم‌های موجود را برای تمام مناطق مورد استفاده قرارداد.

در حال حاضر صنعت ساختمان‌سازی در ایران، بیش از یک سوم انرژی مصرفی کل کشور را به خود اختصاص می‌دهد (مقررات ملی ساختمان ایران، ۱۳۸۸: مقدمه مبحث نوزدهم-ز) که این رقم با توجه به ساخت روزافزون بناهایی که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها فاقد ضوابط فنی هستند، منجر به افزایش سهم این صنعت در مصرف انرژی می‌شود و به مراتب افزایش اثرات منفی زیست محیطی را در

پی دارد. با توجه به تعهدات ایران در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست محیطی، ارائه سیستم امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها، می‌تواند اقدامی مناسب در این راستا باشد. هدف کلی در تدوین سیستم امتیازدهی، مقرر کردن مجموعه‌ای مشترک از شاخص‌هایی است که متخصصین امر را در طراحی، ساخت و مدیریت پایدار طراحی ساختمان مساعدت نماید (Reed et al, 2009, 7).

۲- پیشینه تحقیق

طی سال‌های گذشته در کشورهای توسعه یافته، سیستم‌های امتیازدهی بر اساس شاخص‌های پایداری ساختمان‌ها تدوین شده‌اند. از آن جمله می‌توان به اولین سیستم امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها در سال ۱۹۹۰ با نام سیستم BREEAM در انگلستان اشاره کرد که در ادامه سیستم HQE در فرانسه و پس از آن LEED توسط ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ و CASBEE در ژاپن در سال ۲۰۰۱ و STAR GREEN در استرالیا در سال ۲۰۰۲ تنظیم گردیده است. روند تکامل سیستم‌های رتبه‌بندی در کشورهای دیگر عمدتاً بر اساس سیستم‌های مذکور، تاکنون ادامه دارد که از آن جمله می‌توان به تأثیر LEED در سیستم امتیازدهی ساختمان‌ها در کشور امارات، هندوستان و STAR GREEN در افریقای جنوبی (Reed et al, 2009, 8) و همچنین تواماً LEED و CASBEE در کشور چین (Teng et al, 2016, 70) اشاره نمود.

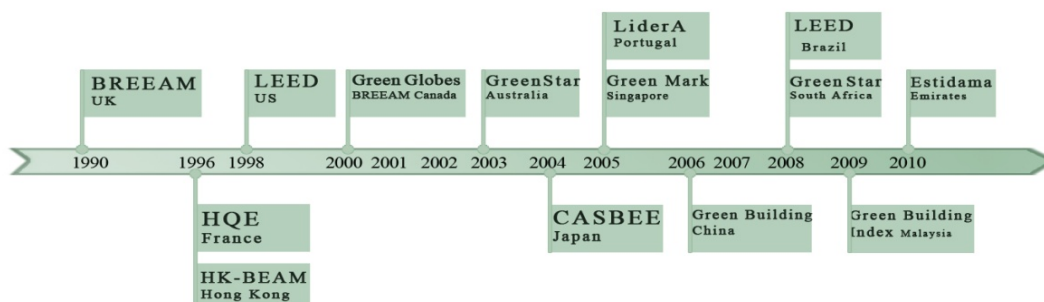
در این مقاله با مطالعه جزئیات سه نسخه از مهم‌ترین سیستم‌های متداول امتیازدهی زیست محیطی در سطح جهانی، BREEAM (مورد استفاده در کشور انگلستان)، LEED (مورد استفاده در کشور آمریکا و کشورهای دیگر)

همگرا و متمایز سیستم‌های مذکور با مقررات ملی موجود برای ساختمان‌های ایران پرداخته شده است. سعی بر آن است که این مقاله بتواند گامی مؤثر در راستای توسعه یک روش مناسب امتیازدهی زیست محیطی ساختمان‌ها در ایران، قلمداد گردد.

و CASBEE (مورد استفاده در کشور ژاپن) با توجه خاص به حوزه تخصیص اعتبار (سیستم‌های توزین و امتیازات) و معیارهای توسعه پایدار در هر سیستم، به بررسی و مقایسه تطبیقی آن‌ها پرداخته شده است و در ادامه به شناسایی زمینه‌های



تصویر ۱- نشان‌های شوراهای ساختمان‌سازی سبز در کشورها



تصویر ۲- روند تدوین سیستم‌های امتیازدهی زیست محیطی ساختمان (Reed et al, 2009, 9; Papargyropoulou, 2012, 46)

در روند امتیازدهی درج می‌گردد و در ارزیابی نهایی ساختمان، جمع امتیازات کل سطح گواهینامه را به صورت زیر مشخص می‌کند. نتایج امتیازدهی این سیستم با ارائه گواهینامه‌ای در یکی از سطح‌های زیر است:

- تأیید شده یا PASS (۳۰-۴۵ درصد امتیاز)
- خوب یا GOOD (۴۵-۵۵ درصد)
- بسیار خوب یا VERY GOOD (۵۵-۷۰ درصد)

۳- معرفی سیستم‌ها

۳-۱- سیستم BREEAM

سیستمی پیشرو در امتیازدهی زیست محیطی ساختمان بوده که در انگلستان در سال ۱۹۹۰ تدوین و توسعه یافته است. اعتبار در این سیستم به ده بخش تقسیم می‌شود که هر بخش دارای تعدادی از اعتبارات مختلف، با امتیازات مشخص است. در صورت وجود شرایط مشخص شده هر اعتبار در ساختمان مورد نظر، امتیاز آن اعتبار

سطوح زیر است:
 C: ضعیف ($BEE \leq 0.5$)
 B-: نسبتاً ضعیف یا FAIRLY POOR ($0.5 < BEE < 1$)
 B+: خوب یا ($1 < BEE < 1.5$) GOOD
 A: خیلی خوب یا VERY GOOD ($1.5 < BEE < 3$)
 S: عالی یا ($BEE \geq 3$) EXCELLENT

۴- مقایسه سطوح گواهینامه‌ها

با نگاهی به سیستم‌های تدوین شده می‌توان متوجه شد که شرایط آب و هوایی، ساختمان‌سازی و اقتصادی متفاوت در کشورها، الزام تدوین سیستمی خاص را برای هر کشور در پی دارد. بنابراین پارامترهای منطقه‌ای در امتیازدهی زیست‌محیطی بی‌تأثیر نیستند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا امتیازهای کسب شده در سیستم‌های مختلف هم‌تراز هستند؟ آیا کسب امتیاز پلاتین در سیستم LEED با بسیار عالی در سیستم BREEAM برابری می‌کند؟ آیا می‌توان با اطمینان، برتری سطوح گواهینامه‌ها را نسبت به یکدیگر بیان کرد؟ در تخمین حدودی اشاره شده در مقاله Reed و همکاران (2009) ساختمان‌هایی که سطوح مختلف گواهینامه‌های دو سیستم CASBEE و LEED را دریافت کرده‌اند، با سیستم BREEAM امتیازدهی شده است. نتایج نشان داده است که ساختمانی با کسب گواهینامه عالی (S) در سیستم CASBEE (بالاترین امتیاز در این سیستم)، در سیستم BREEAM گواهینامه بسیار خوب (VERY GOOD) را دریافت نمی‌کند.

با توجه به روش مقایسه مذکور، لازم است اشاره شود که لزوماً ساختمانی با گواهینامه بسیار

عالی یا EXCELLENT (۷۰-۸۵ درصد) - بسیار عالی یا OUTSTANDING (بیش از ۸۵ درصد امتیاز).

۳-۲- سیستم LEED

سیستم امتیازدهی ساختمان‌های سبز، توسط شورای ساختمان‌سازی سبز ایالات متحده (USGBC) و در سال ۱۹۹۸ تدوین شده است که مجموعه‌ای از اعتبارات لازم برای ارزیابی ساختمان‌سازی پایدار را فراهم می‌کند. آیین‌نامه LEED از زمان آغاز به کار خود در سال ۱۹۹۸، تاکنون در ایالات متحده و ۳۰ کشور دیگر توسعه یافته است (Nguyen and Altan, 2011, 379). شامل پنج فصل اصلی و دو فصل تشویقی است. مجموع امتیازات این سیستم ۱۰۰ امتیاز است (پنج فصل اصلی) و دو فصل آخر نیز دارای ۱۰ امتیاز تشویقی (علاوه بر صد امتیاز) هستند. نتایج امتیازدهی این سیستم با ارائه گواهینامه در یکی از سطوح‌های زیر است:

- تأیید شده یا CERTIFIED (۴۹-۴۰ امتیاز)
- نقره یا SILVER (۵۹-۵۰ امتیاز)
- طلا یا GOLD (۷۹-۶۰ امتیاز)
- پلاتین یا PLATINUM (بیش از ۸۰ امتیاز)

۳-۳- سیستم CASBEE

این سیستم در سال ۲۰۰۱ در ژاپن توسط کمیته‌های دانشگاهی، صنعتی و بخش‌های دولتی تنظیم و توسعه یافته است. CASBEE شامل چهار نسخه متناظر با مراحل متوالی از چرخه عمر ساختمان اعم از مراحل قبل از طراحی، ساخت و ساز، ساختمان موجود و باز‌نوسازی، است (Nguyen and Altan, 2011, 377). نتایج امتیازدهی این سیستم با ارائه گواهینامه در یکی از

که در دو سیستم مذکور به صورت پیش نیاز هستند، اختصاص می‌دهد. از آنجا که برای کسب این گواهینامه‌ها معمولاً اعتبار با امتیاز بیشتر و یا کم هزینه مورد استقبال طراحان و سازندگان قرار می‌گیرد، از این رو تلاش در جهت اجرای اعتبار با امتیاز بیشتر در اکثر طرح‌ها رایج می‌گردد (Sharifi and Murayama, 2013, 79).

جدول ۲- درصد اجباری و اختیاری بودن اعتبار پایداری شهری

CASBEE-UD	BREEAM Communities	LEED-ND	
۰٪	۲۴٪	۲۱٪	اجباری
۱۰۰٪	۷۶٪	۷۹٪	اختیاری

۵-۱- سیستم‌های توزین

توافق نظر بر روی یک سیستم امتیازدهی زیست‌محیطی، برای سراسر جهان امری دشوار است؛ چراکه هر منطقه دارای مشخصات منحصر به فردی از لحاظ تنوع جغرافیایی، فرهنگی و منابع بالقوه است.

بنابراین در روش‌های امتیازدهی زیست‌محیطی برای مناطق مختلف، سیستم‌های توزین یک عنصر کلیدی در تخصیص امتیاز به اعتبار تلقی می‌شوند.



تصویر ۳- فرایند امتیازدهی در سیستم BREEAM (Alnaser, 2008, 2039)

خوب (VERY GOOD) در BREEAM، از سطح پایداری بالاتری نسبت به گواهینامه عالی (S) در سیستم CASBEE برخوردار نیست؛ زیرا به بخشی از اعتبار سیستم CASBEE، در BREEAM اشاره‌ای نشده و به طبع امتیازی به آن تعلق داده نمی‌شود.

همچنین اگر بخواهیم ساختمانی را که گواهینامه پلاتین (بالاترین امتیاز) در سیستم LEED دریافت کرده است، را با اعتبار سیستم BREEAM امتیازدهی کنیم، ساختمان مورد نظر گواهینامه بسیار خوب (VERYGOOD) را در BREEAM کسب خواهد کرد.

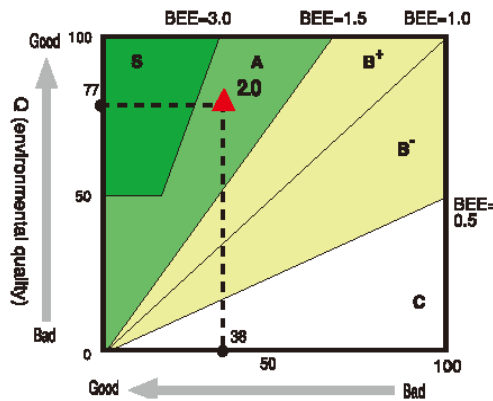
جدول ۱- مقایسه حدودی سطوح گواهینامه‌های LEED و CASBEE با BREEAM (Reed et al, 2009, 14)

عالی (EXCELLENT)	پلاتین (PLATINUM)	عالی (S)
بسیار خوب (VERY GOOD)	طلا (GOLD)	خیلی خوب (A)
خوب (GOOD)	نقره (SILVER)	خوب (B ⁺)
تایید شده (PASS)	تایید شده (CERTIFIED)	نسبتاً ضعیف (B ⁻)
		ضعیف (C)
BREEAM	LEED	CASBEE

۵- مقایسه روش‌های امتیازدهی

هر دو سیستم امتیازدهی LEED و BREEAM در اعتبار امتیازدهی شامل برخی اعتبار پیش‌نیاز و اختیاری هستند. به این معنی که دارا بودن شرایط اعتبار پیش‌نیاز برای کسب گواهینامه الزامی بوده و امتیاز اعتبار اختیاری، تعیین‌کننده سطح گواهینامه خواهد بود. در صورتی که CASBEE هیچ اعتبار پیش‌نیازی ندارد، اما امتیاز بیشتری را برای اعتباری

در نهایت سطوح پایداری ساختمان‌ها بر اساس مقدار نهایی کمیت BEE مشخص می‌شود (CASBEE, 2016, 16).



تصویر ۴- مفهوم BEE در رتبه‌بندی سیستم (CASBEE, 2016, 8)

$$BEE = \frac{\text{کیفیت زیست محیطی ساختمان}}{\text{تأثیرات زیست محیطی ساختمان}}$$

در سیستم CASBEE نمی‌توان به وضوح به هر اعتباری امتیاز مشخصی از امتیاز نهایی را داد؛ چراکه ابتدا به هر اعتبار، امتیازی از ۱ تا ۵ اختصاص داده می‌شود و در هر مرحله از جمع زدن امتیازات، ضریب مشخصی در آن‌ها ضرب می‌شود و پس از اعمال ضرایب پی‌درپی بر امتیازها، مقدار نهایی BEE به دست می‌آید.

۶- بررسی اعتبار سه سیستم امتیازدهی زیست محیطی و مقایسه با مقررات ملی ساختمان ایران

۶-۱- سلامت محیط داخل ساختمان

این اعتبار تحت عنوان سلامتی و تندرستی در BREEAM و کیفیت محیط داخلی در LEED و CASBEE ذکر شده است. از جمله اهداف این بخش بالا بردن کیفیت هوای داخل ساختمان (IAQ) به کمک ایجاد تهویه و پرهیز از به کار

جدول ۳- سیستم توزین در اعتبار سیستم BREEAM

بخش	وزن دهی %	اعتبار موجود
مدیریت	۱۲	۱۰
بهداشت و سلامت	۱۵	۱۴
انرژی	۱۹	۲۱
حمل و نقل	۸	۱۰
آب	۶	۶
مصالح	۱۲/۵	۱۲
پسماند	۷/۵	۷
استفاده از زمین و بوم‌شناسی	۱۰	۱۰
آلودگی	۱۰	۱۲
ابتکار	۱۰	۱۰

در سیستم امتیازدهی BREEAM اعتبار به ده بخش تقسیم می‌شوند. هر بخش دارای تعدادی از اعتبار مختلف، با امتیازات مشخص است. در روند امتیازدهی پس از اعمال ضرایب (وزن دهی) در هر بخش، ارقام به دست آمده با یکدیگر جمع شده و در نهایت یک نمره کلی معادل یکی از سطح‌های "تأیید شده، خوب، بسیار خوب، عالی و بسیار عالی" ارائه می‌شود.

جدول ۴- توزیع اعتبار در سیستم LEED

بخش	امتیاز
انتخاب محل پایدار	۲۶
بازدهی آب	۱۰
انرژی و جو	۳۵
مصالح و منابع	۱۴
کیفیت محیط داخلی	۱۵
ابتکار در طراحی	۶
اولویت منطقه‌ای	۴

محاسبه امتیاز کل در سیستم LEED با روش ساده جمع زدن امتیاز اعتبار (معادل ۱) بدون وزن دهی صورت می‌گیرد.

سیستم CASBEE با تکیه بر مفهوم کارایی زیست محیطی ساختمان (BEE)، اعتبارهایی را برای ارزیابی ساختمان‌ها معرفی می‌کند که

جدول ۵- اعتبار سلامت محیط داخل ساختمان

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	سلامت محیط داخل ساختمان
✓	✓	✓	✓	میزان صدای مزاحم
✓	✓	-	✓	عایق صدا
✓	✓	-	✓	جذب صدا
				نور و روشنایی
✓	✓	✓	✓	امکان کنترل روشنایی
-	✓	✓	✓	دید به بیرون
-	✓	✓	✓	اندازه گیری و کنترل چشم زدگی
-	✓	✓	✓	سطح روشنایی
-	✓	✓	✓	فاکتور نور روز (DF)
				تهویه
✓	✓	✓	✓	قابلیت ایجاد تهویه طبیعی
✓	✓	✓	✓	سیستم تهویه
✓	✓	✓	✓	تصفیه هوا تامین هوای تازه
-	✓	✓	✓	کیفیت سنسورهای هوا نظارت بر CO ₂
				سطح آلودگی
-	✓	✓	✓	ترکیبات آلی فرار (VOC)
-	✓	✓	✓	سطح آلودگی میکروبیولوژیکی
				آسایش حرارتی
-	✓	✓	✓	ناحیه های تحت کنترل
✓	✓	✓	✓	خنک کننده / گرم کننده / کنترل رطوبت و آسایش

۶-۲- مدیریت ساختمان

بخش اصلی مدیریت در اکثر سیستم های امتیازدهی زیست محیطی، مدیریت فعالیت های سایت و روند ساخت و ساز، با توجه به جنبه های اجتماعی و زیست محیطی است. در جدول شماره ۶ مشاهده می شود که BREEAM به طور ویژه ای دارای اعتبار مدیریت پایدار است، در حالی که در سیستم LEED و CASBEE نسبتاً توجه کمتری به اصول مدیریت پایدار شده است.

بردن مصالح با VOC (ترکیبات آلی فرار) بالا، است. اعتبار این بخش راحتی ساکنین را به عواملی مانند دمای هوا، رطوبت، روشنایی، آکوستیک، کیفیت هوا و سیستم های کنترل، مرتبط می داند (Shaaban, 2012, 764).

سیستم CASBEE تمامی اعتبارات ذکر شده در جدول را تا حدودی پوشش می دهد، در حالی که در فرآیند امتیازدهی LEED از عملکرد صوتی و آکوستیکی چشم پوشی شده است. در مبحث ۱۳ و ۱۹ مقررات ملی ایران به مباحث روشنایی به ویژه نور مصنوعی توجه شده است، اما به ضریب روشنایی روز و تناسبات سطح روشنایی با کاربری مورد نظر اشاره ای نشده است.

در مباحث مقررات ملی ساختمان همچون سه سیستم امتیازدهی بررسی شده، به کیفیت هوای داخلی و مقدار تأمین هوای تازه مورد نیاز و تهویه طبیعی اشاره شده است، اما با توجه به تفاوت چشم گیر مقدار سرعت و جهت باد در مناطق گوناگون ایران، توصیه می شود در بخش تهویه طبیعی تأثیر جهت باد غالب منطقه را در طراحی لحاظ کنند.

همچنین در مبحث ۱۴ حداکثر میزان تراکم آلاینده ها در هوای دریافتی از بیرون، تعیین شده است، اما از اعتبارهای سطح آلودگی مصالح و ترکیبات آلی فرار (VOC) و غیره که سلامت محیط را تهدید می کنند، چشم پوشی شده است. مقررات ملی ساختمان ایران نیز همانند دیگر سیستم ها به اتلاف حرارت از طریق جداره ها توجه کرده، اما به طور کلی از آسایش رطوبتی و حرارتی و بصری صرفه نظر کرده است.

اشاره‌ای به جهت‌گیری مناسب ساختمان‌ها نشده است. در مقررات ساختمانی ایران به مسائلی همچون کاهش اثرات زیست‌محیطی منطقه و حمل و نقل در فرآیند ساخت کمتر توجه شده است و قوانین شهرداری مسائلی نظیر تراکم قابل ساخت را کنترل می‌کند.

جدول ۷- اعتبار محل و اکولوژی پایدار

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	محل و اکولوژی پایدار
				محل ساخت
-	✓	✓	✓	انتخاب محل
-	✓	✓	✓	حفاظت از محل
-				ارزش بومی
-	✓	✓	✓	زمین آلوده
-	✓	✓	✓	کاهش اثرات زیست‌محیطی
-	✓	✓	✓	حفاظت از تنوع زیستی
				حمل و نقل
-	✓	✓	✓	دسترسی
-	✓	✓	✓	تراکم توسعه
-	✓	✓	✓	ارتباطات
✓	✓	✓	✓	ایمنی عابر پیاده و دوچرخه سوار
-	✓	✓	✓	ظرفیت پارکینگ اتومبیل

جدول ۸- اعتبار بازدهی انرژی

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	بازدهی انرژی
				کارایی انرژی
✓	✓	✓	✓	سیستم HVAC
✓	✓	✓	✓	میزان تهویه
✓	✓	✓	✓	روشنایی داخلی
-	✓	-	✓	روشنایی خارجی
✓	✓	✓	✓	سیستم آبگرم
✓	✓	✓	✓	انتقال گرما
				منابع طبیعی
-	✓	✓	✓	فناوری انرژی تجدیدپذیر
				عملکرد کارآمد
-	✓	✓	✓	نظارت بر انرژی
✓	✓	✓	✓	عملکرد مطلوب و صرفه جویی در انرژی
-	✓	✓	✓	استراتژی کاهش CO ₂

جدول ۶- اعتبار مدیریت

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	مدیریت
✓	✓	✓	✓	راه اندازی
-	-	-	✓	مشاوره
-	-	-	✓	ملاحظه سازندگان
-	-	-	✓	راهنمای کاربرین
-	-	-	✓	اثرات محل ساخت
✓	-	-	✓	امنیت

۶-۳- محل و اکولوژی پایدار

هدف اصلی این بخش کاهش آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های ساخت و ساز در محل، با حفاظت محیط‌زیست از طریق کنترل فرسایش خاک، رسوب آبراه، انتشار CO₂ و حفاظت از تنوع زیستی است. این بخش باهدف تسهیل در ارتباطات، از طریق دسترسی آسان به خدمات عمومی و تسهیلات مربوطه و تدارکات مناسب برای دوچرخه‌سواران، رانندگان و عابران تدوین شده است. در سیستم BREEAM این بخش به استفاده از زمین، محیط‌زیست و حمل و نقل تقسیم شده است که معادل بخش اعتبار محل‌های پایدار در سیستم LEED است. در CASBEE این اعتبارات در بخش‌های محیط خارجی سایت و توسعه سایت در نظر گرفته شده است.

در بخش استفاده از زمین BREEAM و CASBEE نسبت به LEED محدودیت بیشتری را برای سازندگان ایجاد می‌کنند. همان‌طور که ذکر شد این تفاوت‌ها ناشی از اولویت‌های متفاوت منطقه‌ای است که می‌توان آن را به تراکم بالاتر کشورهای انگلستان و ژاپن نسبت به آمریکا نسبت داد. علی‌رغم آنکه عوامل متعددی نظیر عرض جغرافیایی، باد، نور و غیره در جهت‌گیری بناها نقش اساسی دارند، اما در مقررات ساختمان ایران

۶-۴- بازدهی انرژی

اهداف این بخش در راستای کاهش مصرف انرژی و تولید کمتر گازهای گلخانه‌ای CO₂ و استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر است.

در مبحث ۱۹ مشابه سیستم‌های امتیازدهی اشاره شده در این مقاله، به‌طور ویژه‌ای مسائل عایق بندی جداره‌ها و اتلاف حرارت مورد توجه قرار گرفته، اما برخلاف دیگر سیستم‌ها به راهکارهای غیرفعال انرژی در معماری و فناوری استفاده از منابع تجدید پذیر اهمیتی داده نشده است. مبحث ۱۹ تنها مزیت استفاده انرژی خورشیدی (به نسبت مشخص نشده از مقدار انرژی مصرفی) را در کاهش ضریب حداقل مقاومت جداره دانسته است، در حالی که در سیستم‌های مورد بررسی جزئیات بیشتری در رابطه با انواع انرژی‌های تجدید پذیر، شرح داده شده است. به‌عنوان مثال در سیستم امتیازدهی LEED به ازای نسبت ۱ تا ۱۳٪ مصرف انرژی تجدید پذیر به مصرف انرژی کل، ۱ الی ۷ امتیاز تعلق می‌گردد. اهمیت تولید انرژی در عصر نوین، ساختمان‌ها را از مصرف کننده بودن در انرژی به سمت تولید کننده انرژی سوق داده است.

در مبحث ۱۹ مقررات تأکید بر نگهداری مناسب انرژی در ساختمان است در حالی که می‌توان اهمیت بازدهی انرژی ساختمان را در راهکارهایی باهدف مصرف کمتر و نگهداری مناسب و اتلاف کمتر انرژی و تولید انرژی دانست. توصیه می‌شود در سیستم ارزیابی پایداری کشور برای ساختمان‌ها به تولید انرژی در محل اهمیت داده و استراتژی‌هایی را برای هدایت طراحی بناها به سمت خود کفا بودن ساختمان از لحاظ انرژی اعمال کنند.

۶-۵- بازدهی آب و مدیریت پسماند

هدف این بخش کاهش مصرف آب از منابع اولیه از طریق استراتژی‌هایی مانند برداشت آب باران، سیستم بازیافت آب خاکستری و عایق کردن سیستم آبیاری است. در آخرین پیوست مبحث ۱۶ اشاره‌ای به بحث بازگردانی فاضلاب خاکستری شده است، اما متأسفانه با توجه به بیابان زایی رو به رشد موجود در کشور، به‌طور کلی تاکنون مقررات ملی ایران مبحثی مشخص را در این زمینه ارائه نداده و اعتباری به منظور حمایت از استراتژی‌هایی نظیر استحصال آب باران، آبیاری محوطه، روش‌های نوین صرفه‌جویی در مصرف آب و غیره ایجاد نکرده است. همچنین به مسائلی نظیر کنترل پسماند و مدیریت پسماندهای ساخت و ساز اشاره‌ای نشده است.

توصیه می‌شود در سیستم آب‌رسانی شهری موجود در کشور نیز با توجه به تجربه‌های کشورهای توسعه یافته و ارزش منابع آبی، تجدیدنظر شود تا بتوانیم با جداسازی آب شرب از آب غیر شرب و مصرفی تا حد مطلوبی به اهداف توسعه پایدار نزدیک‌تر شویم.

جدول ۹- اعتبار بازدهی آب و مدیریت پسماند

مؤثرات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEM	بازدهی آب و مدیریت پسماند
				آب
✓	✓	✓	✓	مصرف آب
-	✓	✓	✓	استحصال آب باران
✓	✓	✓	✓	بازگردانی آب خاکستری
-	-	✓	✓	فن آوری مبتکرانه فاضلاب
✓	✓	✓	✓	تجهیزات آبی و راهبرد
✓	✓	✓	✓	نگهداری
-	✓	✓	✓	سیستم‌های آبیاری
				پسماند
-	✓	✓	✓	مدیریت پسماند ساخت
-	✓	✓	✓	تصفیه زیاله
-	✓	✓	✓	امکانات بازیافت

۶-۶- مواد و مصالح

مصالح ساختمانی، با توجه به فرآیند پیچیده‌ی چرخه عمر که از استخراج مواد خام تا مرحله دفع است، در اکثر سیستم‌ها، بخش مهمی از اعتبار را به خود اختصاص می‌دهند. روش‌های امتیازدهی زیست محیطی شیوه‌های زیر را در کاهش مصالح مصرفی مؤثر می‌دانند: (Rezgui, 2012, 57)
(Alyami and

- تا حد امکان از استفاده منابع اولیه خام اجتناب شود.

- توجه به مصرف انرژی کمتر در فرایند استخراج، تولید و حمل و نقل به محل ساخت.

- کاهش استفاده از مواد آلوده و غیربومی.

- استفاده از مواد قابل بازیافت و سازگار با محیط زیست.

سیستم امتیازدهی BREEAM نسبتاً دارای اعتبار بیشتری در این بخش است. سیستم LEED، بیشتر بر روی قابلیت استفاده مجدد و حفظ مصالح موجود در ساختمان تأکید می‌کند. CASBEE تأکید بیشتری بر کاهش استفاده از منابع غیرقابل تجدید و عدم استفاده از مصالح آلوده کننده دارد.

در ساختمان سازی نشده است و سازندگان بدون آگاهی از اثرات زیست محیطی، مصالح را انتخاب می‌کنند، درحالی که در سیستم‌های امتیازدهی مورد مطالعه با توجه به فاکتورهای نظیر چرخه عمر مواد، دسترسی به مصالح بومی و غیره، سازندگان را به استفاده از برخی مواد ترغیب و یا منع می‌کنند.

۶-۷- آلودگی و خطر

علی‌رغم توجه سیستم‌های LEED و CASBEE به "اثر جزیره حرارتی"، سیستم BREEAM این اعتبار را مورد ارزیابی قرار نمی‌دهد.

از آنجا که CASBEE با توجه به شرایط خاص محلی ژاپن تدوین شده است، زیرشاخه‌ای از بخش محیط سایت را به خطرهای بالقوه اختصاص داده است که شامل مسائلی مانند آسیب باد، انسداد نور خورشید و مقاومت در برابر زلزله است. در مقررات ساختمان ایران، مقاومت در برابر زلزله به خوبی مورد توجه قرار گرفته است، اما به بلاهای طبیعی دیگر از قبیل سیل و طوفان (علی‌رغم شایع بودن در برخی مناطق کشور) اشاره‌ای نشده است.

جدول ۱۰- اعتبار مصالح

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	مصالح
-	✓	✓	✓	مصالح با اثرات کم زیست محیطی
-	✓	✓	✓	استفاده از منابع غیر قابل تجدید دست نخورده
-	✓	✓	✓	استفاده مجدد از مصالح
-	✓	✓	✓	مواد الیافی ساختمان (عایق)
-	✓	✓	✓	بازدهی مواد در طول چرخه عمر (LCA)

جدول ۱۱- اعتبار آلودگی و خطرات

مقررات ملی ایران	CASBEE	LEED	BREEAM	آلودگی و خطرات
-	✓	✓	✓	مبرد GWP
-	✓	✓	✓	نور شب و آلودگی صوتی
✓	-	-	✓	جلوگیری نشت مبرد
-	✓	✓	✓	آلودگی آبراه
-	✓	✓		اثر جزیره حرارتی
-	-	-	✓	انتشار NOx از منبع حرارتی
-	✓	✓	✓	انتشار گازهای گلخانه‌ای CO ₂
✓	✓	✓	✓	خطر آتش سوزی
✓	✓	✓	✓	بلاهای طبیعی (زلزله، سیل، طوفان و...)

در مقررات ملی ساختمان ایران تقریباً توصیه‌ای به استفاده و یا عدم استفاده برخی از مواد و مصالح

۶-۸- کیفیت خدمات

یکی از دلایل انتخاب CASBEE در این مطالعه، تنظیم ویژه این آیین نامه در بخش کیفیت خدمات است که تا حدودی در BREEAM و LEED نادیده گرفته شده است. این گروه شامل برخی از شیوه‌های پایداری مانند انعطاف پذیری و سازگاری سیستم با نیازهای ساکنین است. نمونه‌هایی از آن، انعطاف پذیری سیستم‌های تهویه مطبوع و سازگاری سیستم‌ها با منابع جدید سوختی در آینده و یا با فناوری‌های نوین انرژی تجدید پذیر است. دوام و کیفیت بالای خدمات ساختمان، عمر طولانی‌تر آن را در پی دارد و به تبع آن، نیاز به ساختمان‌سازی و مصرف انرژی کاهش می‌یابد که این امر از اهداف پایداری است. در حال حاضر عمر کوتاه ساختمان‌ها در ایران عاملی بازدارنده در رسیدن به ارزش‌های پایداری است.

جدول ۱۲- اعتبار کیفیت خدمات

کیفیت خدمات	BREEAM	LEED	CASBEE	مقررات ملی ایران
عملکرد و قابلیت استفاده	-	-	✓	-
انعطاف‌پذیری و سازگاری	-	-	✓	-
دوام و قابل اعتماد بودن	-	-	✓	✓
قابل کنترل بودن سیستم	✓	✓	✓	-
تعمیر و نگهداری از عملکرد	✓	-	✓	-
تاثیر بر روی کیفیت خدمات و دارایی‌های مجاور	-	-	✓	-

از مهم‌ترین تفاوت‌های بین مقررات ایران و سیستم‌های مذکور توجه ویژه هر سه سیستم به چرخه عمر ساختمان از مرحله طراحی تا تخریب است. به ویژه سیستم CASBEE که تمامی مراحل قبل از طراحی، ساخت و ساز، ساختمان موجود و بازسازی را به طور جداگانه پوشش می‌دهد. مقررات ایران با توجه به مرحله ساخت تنظیم شده

است. از این رو در آن اشاره‌ای به ساختمان‌های موجود و نوسازی بنا نشده است، از این رو توجه کمتر سازندگان به مرحله استفاده از بنا و کیفیت خدمات بنا را به دنبال دارد و در پی آن با کاهش عمر ساختمان‌ها و بهره‌وری نامناسب انرژی مواجه خواهیم بود.

۷- اقتباس از سیستم‌های رایج و ایجاد سیستمی نوین در راستای اولویت‌های منطقه

تقریباً تمام روش‌های امتیازدهی زیست محیطی با توجه به قلمروهای خاص طراحی شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که روش‌های امتیازدهی زیست محیطی موجود برای مقاصد مختلف ملی، تنظیم شده و به طور کامل برای کشورهای مختلف قابل اجرا نیستند. در کشور ایران، برخی از عوامل محیطی منطقه مانع استفاده از سیستم‌های امتیازدهی زیست محیطی سایر کشورها می‌شوند. نمونه‌هایی از آن، تفاوت در عوامل منطقه‌ای ذیل است: (Rezgui, 2012, 58 Alyami and)

- توانایی استفاده از انرژی تجدید پذیر
- نوع منابع مصرفی (مانند آب و انرژی)
- مصالح ساختمانی و فن‌های مورد استفاده
- منابع انرژی و مصالح موجود در منطقه
- سیاست‌های دولت و مقررات
- رشد جمعیت
- آگاهی عمومی

تاکنون BREEAM به عنوان الگویی برای ایجاد ابزارهای متعدد دیگر در سراسر جهان، از جمله GREEN STAR در استرالیا و HK-BEAM در هنگ‌کنگ مورد استفاده قرار گرفته است.

طراحی ساختمان‌های جدید امارات نسبت داد (Ammar, 2012, 296).

در کشور قطر نیز با بررسی اعتبار چهل سیستم امتیازدهی، سیستمی مختص قطر با نام QSAS تدوین شده است. از ویژگی‌های متمایز این سیستم، تنظیم بخش‌هایی برای فرهنگ، اقتصاد، مدیریت و عملیات اجرایی است (Ammar, 2012, 299).

سیستم GPRS در کشور مصر نیز با اختصاص ۳۰ درصد امتیاز کل به بخش آب، همانند دیگر مناطق گرم و کم آب به بازدهی آب اهمیت قابل توجهی داده است. با این تفاوت که در اکثر سیستم‌های مذکور، بیشترین امتیاز به بخش انرژی اختصاص داده شده است، اما در سیستم GPRS بیشترین امتیاز به بخش بازدهی آب داده شده است (Ammar, 2012, 300).

۸- بحث و نتیجه‌گیری

تا به امروز بسیاری از کشورها با مطالعه بر روی سیستم‌های امتیازدهی موجود، از نمونه‌هایی مانند سیستم‌های BREEAM، LEED، CASBEE، GREEN STAR و غیره اقتباس کرده‌اند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت اعتبار امتیازدهی زیست‌محیطی در ساختمان چندبعدی و متأثر از عوامل متعددی هستند. بنابراین، برای ارائه یک روش مؤثر امتیازدهی پایداری، برای یک منطقه یا کشور، پیشنهاد می‌گردد یکی از سیستم‌های رایج در دنیا، با توجه به اولویت‌های آن کشور انتخاب گردد، سپس در راستای اعمال اصلاحات، بخشی از اعتبارات حذف و یا اضافه شود و یا امتیاز اعتباری خاص تغییر کند، در نهایت سیستم امتیازدهی جدیدی تحت عنوانی نو برای کشور تدوین گردد. در این مقاله کوشش شده است در راستای بهبود مقررات ملی ساختمان ایران با توجه

کشور امارات نیز با اعمال اصلاحاتی در سیستم امتیازدهی LEED، آن را تحت عنوان UAE-LEED مورد استفاده قرار می‌دهد.

جدول ۱۳- نسبت امتیاز هر بخش به امتیاز کل در LEED و

UAE-LEED		بخش
UAE-LEED	LEED	
۱۸	۲۶	انتخاب محل پایدار
۱۷	۱۰	بازدهی آب
۲۲	۳۵	انرژی و جو
۱۵	۱۴	مصالح و منابع
۲۱	۱۵	کیفیت محیط داخلی
۷	۶	ابتکار در طراحی
-	۴	اولویت منطقه‌ای

در سیستم امتیازدهی امارات (UAE-LEED) امتیاز کل ۷۲ است. در این سیستم بخش‌بندی اعتبار با توجه به بخش‌های موجود در سیستم اصلی تنظیم شده است، با این تفاوت که امتیاز بخش ابتکار در طراحی در امتیاز کل محسوب می‌گردد و امتیاز تشویقی نخواهد بود. همچنین بخش اولویت طراحی در سیستم امارات حذف گردیده است.

متخصصین امر در تنظیم سیستم امتیازدهی UAE-LEED با توجه به شرایط اقلیمی و محدودیت‌های منطقه اهمیت بخش بازدهی آب را در امتیازدهی کل بالاتر برده و نسبت آن را از ۱۰ درصد به ۱۷ درصد افزایش داده‌اند. علاوه بر آن، پیش‌نیازهایی را نیز به این بخش افزوده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان افزایش نسبی امتیاز برخی از اعتبارات بازدهی آب را مرتبط با اهمیت بالای کمبود منابع آبی در امارات دانست. همچنین نسبت امتیاز بخش کیفیت محیط داخلی به امتیاز کل نیز به طور محسوسی از ۱۵ به ۲۱ درصد تغییر داده شده است. می‌توان بالا بودن امتیاز کیفیت محیط داخلی را به اهمیت آسایش ساکنین در

ایران بر تنظیم اعتبارات پایداری که در روند ساختمان سازی باید مورد توجه قرار بگیرند و قابل اجرا باشند، به منظور تنظیم سیستم امتیازدهی مناسب با توجه به شرایط محلی و در نظر گرفتن آنچه تا به امروز نادیده گرفته شده است، مانند اصول پایداری، معماری بومی، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و عوامل اقتصادی، می‌تواند کمک شایانی در کاهش اثرات زیست محیطی ساختمان‌ها داشته باشد.

بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، راهکارهای متعددی از قبیل کاهش هزینه عوارض و نوسازی ساختمان، جذب سرمایه گذاری در این صنعت، توجیه اقتصادی ساختمان‌ها با بهره گیری از شاخص‌های پایداری و بالا بردن سطح آگاهی شهروندان از جمله مواردی است که می‌تواند در ترویج سیستم امتیازدهی زیست محیطی ساختمان در ایران مؤثر باشد.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از یاری جناب آقای دکتر شاهین حیدری، عضو هیأت علمی و استاد معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در پیشبرد این پژوهش تقدیر و تشکر نمایند.

به سیستم‌های متداول جهانی امتیازدهی ساختمان‌ها و همچنین اولویت‌های منطقه‌ای کشور، کاستی‌های مقررات ملی در متن مقاله، بیان شده و شاخص‌های پیشنهادی ارائه گردد.

کشورهای کوچکی همچون امارات و قطر در تنظیم سیستم امتیازدهی جدید، چند اعتبار را حذف و یا اضافه کرده‌اند و یا امتیاز اعتباری را کاهش و یا افزایش داده‌اند، اما مسئله مهم در بومی کردن سیستم‌های موجود برای ایران علاوه بر موارد ذکر شده، توجه به چند اقلیمی بودن کشور خواهد بود. پیشنهاد می‌شود تنظیم اعتبار و تخصیص امتیاز با توجه به اولویت‌های مختلف در اقلیم‌های متفاوت باشد. به این منظور می‌توان با کدگذاری شهرها و تعریف شماره‌ی کدها در روند امتیازدهی، سیستمی کاربردی و مناسب برای تمامی اقلیم‌ها در نظر گرفت. توصیه می‌شود در این کدگذاری‌ها آسان‌سازی استفاده از سیستم، درک و تخمین سریع امتیاز در نظر گرفته شود.

در بسیاری از سیستم‌های امتیازدهی، اعتبارهایی فراتر از مقررات و کدهای ساختمانی در منطقه، مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین سیاست‌های نوین دولت در راستای حمایت از سیستم‌های امتیازدهی و صدور گواهینامه و برجسب‌ها و طرح‌های تشویقی، پیشنهاد می‌گردد. توافق کارشناسان در

پی‌نوشت‌ها

- 1- Building Research Establishment's Environmental Assessment Method (BREEAM)
- 2- High Quality Environment
- 3- The Leadership in Energy and Environmental Design (LEED)
- 4- Comprehensive Assessment System for Building Environmental Efficiency (CASBEE)
- 5- Pre-design, New Construction, Existing buildings and Renovation
- 6- Building Environment Efficiency
- 7- health and wellbeing
- 8- Indoor environment quality
- 9- Qatar Sustainability Assessment system
- 10- The Green Pyramid Rating System

منابع و مأخذ

- نیکروان، مرتضی؛ عزیزی، آرمینه. (۱۳۹۱). آیین نامه لید مرجعی برای امتیازدهی زیست محیطی ساختمان ها. انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- هیأت تهیه کننده مقررات ملی ساختمان ایران، مباحث مقررات ملی ساختمان ایران. ۱۳۸۹. نشر توسعه ایران.
- Gasparatos, A., & Scolobig, A. (2012). Choosing the most appropriate sustainability assessment tool. *Ecological Economics*, 80, 1-7.
- Neama, W. A. S. A. (2012). Protect the Planet through Sustainability Rating Systems with Local Environmental Criteria - LEED in the Middle East. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 68, 752-766.
- Alyami, S. H., & Rezgui, Y. (2012). Sustainable building assessment tool development approach. *Sustainable Cities and Society*, 5, 52-62.
- Ammar, M. G. (2012). Evaluation of the Green Egyptian Pyramid. *Alexandria Engineering Journal*, 51(4), 293-304.
- BREEAM. (2011). BREEAM homepage .Available from: <http://www.breeam.org>; November 2016.
- CASBEE for new construction. (2014). CASBEE homepage. Available from: <http://www.ibec.or.jp/CASBEE/english/index.htm>; October 2016.
- Teng, J., Zhang, W., Wu, X. et al. (2016). Overcoming the barriers for the development of green building certification in China. *Journal of Housing and the Built Environment*, 31(1); 69-92.
- Nguyen, B. K., & Altan, H. (2011). Comparative Review of Five Sustainable Rating Systems. *Procedia Engineering*, 21, 376-386.
- Papargyropoulou, E., Padfield, R., Harrison, O., & Preece, C. (2012). The rise of sustainability services for the built environment in Malaysia. *Sustainable Cities and Society*, 5, 44-51.
- Reed Richard, Bilos Anita, Wilkinson Sara, Schulte Karl-Werne. (2012). International Comparison of Sustainable Rating Tools. *JOSR E*, 1, 1-22.
- Sharifi, A., & Murayama, A. (2013). A critical review of seven selected neighborhood sustainability assessment tools. *Environmental Impact Assessment Review*, 38, 73-87.
- World green building council member list. Available from: <http://www.worldgbc.org/worldgbc/members>; November 2016.

ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء یزد بر اساس رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه

محمود پورسراجیان*

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۰۴، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۵/۰۷/۲۲)

چکیده

محله‌های تاریخی برای زنده ماندن، رفع نیازهای روز و ایفای نقش مناسب نسبت به کل شهر، در مواردی علاوه بر حفاظت نیاز به تغییر در خود دارند. طراحی فضای جدید از تغییرات فیزیکی است که جهت ایجاد تغییر در مواردی پیشنهاد می‌شود. این تغییر بر کلیت بافت شهری تاریخی و ارزش‌های آن تأثیراتی دارد که باید قبل از اجرای طرح، آن تأثیرات مورد ارزیابی قرار گیرند. هدف اصلی مقاله، ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء است که در راستای آن تدقیق معیارهای ارزیابی تغییر فیزیکی و تعیین شاخص‌های آنها نیز به‌عنوان اهداف فرعی پیگیری می‌شوند. در این راستا، ابتدا در بخش مبانی، با اتخاذ رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه به‌عنوان جامع‌ترین رویکرد موجود، با روش استدلال منطقی و شیوه مطالعه اسناد، معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی از ارزش‌های بافت شهری تاریخی به‌دست می‌آید و با شیوه پرسشنامه‌ای شاخص‌های زیرمعیارها تعیین می‌گردد. سپس در بخش دوم، با روش شبیه‌سازی فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی ولی ساده‌تر و با زمان‌بری کمتر و با تکیه بر شیوه پرسشنامه‌ای ارزیابی چهار طرح پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء که دارای پیشینه تاریخی ۷۰۰ ساله است و در محدوده ثبت ملی بافت تاریخی یزد قرار دارد، صورت می‌گیرد. در این مقاله، متخصصین و دانشگاهیان به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان «تغییر» مورد پرسش قرار گرفته‌اند. نتایج مقاله، تعیین سه معیار «احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی»، «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» و «استفاده از معیارهای ارزشمندی آثار محله در تغییر (طراحی جدید)» به‌عنوان معیارهای ارزیابی و تشخیص طرح مجموعه چندمنظوره اقامتی-خدماتی برای محدوده به‌عنوان طرح بهتر، می‌باشد. از ویژگی‌های این طرح که باعث ممتاز شدن آن نسبت به دیگر طرح‌ها شده است، احترام به ارزش‌های فرهنگی و روز است که در رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه همسطح با ارزش‌های تاریخی دیده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: محله تاریخی، رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه، معیار ارزیابی، متخصصین و دانشگاهیان، ارزیابی قبل از اجرا، محله دارالشفاء یزد.

پرسش‌های پژوهش

۱. معیارهای ارزیابی تغییر فیزیکی و شاخص‌های آنها در محله تاریخی، با توجه به ارزش آن کدامند؟

۲. با توجه به معیارهای ارزیابی تغییر فیزیکی در محله‌های تاریخی، کدام یک از طرح‌های پیشنهادی برای محدوده تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء، از نظر متخصصین و دانشگاهیان برای اجرا بهتر است؟

۱- مقدمه

محله‌های تاریخی به دلیل ارزش‌هایی که به خود گرفته‌اند، دارای ویژگی تاریخی شده‌اند، و مجموعه‌های همگنی بوده و توسعه کالبدی و فضایی آنها متأثر از روابط تولیدی و مناسبات اقتصادی محدوده‌شان بوده و به علت سرعت کم تغییر این مناسبات، تعادل بافت خود را تا حدود زیادی حفظ می‌کرده‌اند. اما امروزه آنها بر اثر سرعت تغییرات ناشی از افزایش روزافزون جمعیت شهری، استقرار مناسبات نوین اقتصادی و ایجاد ارتباطات گسترده شهری دچار به هم خوردن تعادل خود شده‌اند. این محله‌ها به دلیل داشتن ارزش‌های فضایی و داشتن همبستگی و همگنی خاص خود، باید از این عدم تعادل و تأثیرات ناشی از آن، مورد حفاظت و صیانت قرار گرفته و در مقابل تغییرات تند و ناگهانی مورد مراقبت قرار گیرند. از طرف دیگر، به دلیل ادامه حیات و قبول واقعیت‌های زندگی، تغییر و استفاده مؤثر جهت تأمین اهداف حال و آینده، از احترامی خشک و تصنعی نسبت به یک گذشته مقدس ارجحیت دارد (Lynch, 1972: 39). بنابراین نمی‌توان به حفظ صرف پرداخت، بلکه باید با ایجاد تغییرات مورد نیاز از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و ...، البته با احترام و

حساسیت لازم نسبت به ارزش‌های محله تاریخی، به حفظ پویایی و زندگی در محله پرداخت. این مفهوم تحت عنوان رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه از دهه ۱۹۹۰ به بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین در مقاله پیش‌رو که هدف اصلی، ارزیابی پیش از اجرای طرح‌های پیشنهادی برای بارگذاری در زمین تملک‌شده محله دارالشفاء یزد است، رویکرد و چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. این مقاله، در ابتدا، با فرض اینکه معیارهای ارزیابی بایستی از ارزش‌های بافت محله تاریخی (ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و روز (Feilden&Jokilehto, 1993؛ رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹) استدلال شوند، معیارهای منتج از ارزش‌های محله تاریخی را با روش استدلال منطقی به دست آورده و با معیارهای منتج از اسناد و نظریات جهانی (پیشینه موضوع) مقایسه می‌کند که نتیجه آن جامع‌تر و کامل‌تر بودن معیارهای ناشی از ارزش‌ها می‌باشد. در ادامه، با مشخص کردن شاخص‌های معیارها با توجه به تجربه نویسنده و تأیید متخصصان حوزه مرمت شهری، با استفاده از روش شبیه‌فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی و شیوه پرسشنامه‌ای، طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله دارالشفاء یزد توسط استادان و دانشجویان رشته‌های مرمت شهری و شهرسازی - به عنوان یکی از گروه‌های ذی‌نفوذ تغییر (طراحی جدید) در بافت محله تاریخی - مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. نتایج ارزیابی، طرحی را بهتر می‌داند که در آن، بر اساس روح علمی غالب در دوره پیشنهاد آن طرح، احترام به ارزش‌های فرهنگی و روز همسطح با ارزش‌های تاریخی و حتی بیش از آن است.

۲- پیشینه موضوع

با توجه به اسناد موجود، تاکنون سابقه‌ای از ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده دارالشفاء وجود ندارد. اما در ارتباط با تعیین معیارها و زیرمعیارهای تغییر در بافت‌های شهری تاریخی در ادبیات جهانی منابع بسیاری است، که در ادامه به عنوان پیشینه موضوع به معیارها و زیرمعیارهای رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه به عنوان جامع‌ترین رویکرد حال حاضر پرداخته می‌شود.

۲-۱- حفاظت و بازآفرینی یکپارچه

تحولات دهه ۱۹۷۰ میلادی را می‌توان شروع نخستین گام‌های علمی به سوی ایجاد فصل مشترک فی‌مابین حفاظت و توسعه تلقی نمود (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹). از موارد قابل توجه در این دوره می‌توان به آغاز رویکرد استفاده از ابنیه و آثار تاریخی و گرایش به بازآفرینی کارکردی و باززنده‌سازی آنان اشاره کرد. در این دوره، توجه ویژه‌ای به حفظ ارزش‌های فرهنگی، تاریخی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی صورت می‌گیرد، همچنین این دوره آغازگر توجه به ارزش‌های اجتماعی میراث و زمینه‌ساز تعمیم نگرش حفاظت از ارزش‌ها از مقیاس بنا به بافت می‌باشد. شروع آن را می‌توان از تصویب قطعنامه آمستردام در سال ۱۹۷۵ دانست. بروز چنین اقدامات و برنامه‌هایی بیانگر نوعی همگرایی میان سیاست‌های حفاظت و بازآفرینی یا به عبارتی توسعه برای نخستین بار است (Ashworth, 1991; pendelbery, 2009). در دهه ۸۰ تحولات به سوی استفاده اقتصادی از ابنیه تاریخی متمایل می‌گردد. در ادامه آن، در دهه ۹۰ میلادی، در واکنش به انتقادات ایجادشده پیرامون طرح‌های

توسعه مجدد دهه ۸۰، تلاش‌هایی به منظور صیانت از مکان‌های تاریخی صورت می‌گیرد و مشارکت اجتماع محلی در فرآیند حفاظت و بازآفرینی، به رسمیت شناخته می‌شود و جنبه‌های دیگری همچون افزایش اشتغال، کاهش فقر، محرومیت اجتماعی، پیش‌بینی تسهیلات اجتماعی و تمهیدات آموزشی، مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ به بعد، رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار می‌گیرد (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۰).

در این رویکرد ضمن توجه به طیف متنوعی از ارزش‌ها اعم از تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعمیم قلمرو حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بسترهای سیاسی، برنامه‌ریزی و آموزشی پرداخته می‌شود (Larkham, 1999).

۲-۲- معیارهای حفاظت و بازآفرینی یکپارچه بر اساس نظریات و اسناد جهانی

بر اساس نظریات و اسناد جهانی موجود در راستای حفاظت و بازآفرینی یکپارچه، معیارهای این رویکرد را می‌توان در دو دسته کلی «معنای فرهنگی»^۱ و «سرزندگی اقتصادی»^۲ تبیین نمود (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰).

معنای فرهنگی میراث بخش مهمی از ویژگی‌های ذاتی میراث فرهنگی است که نقش مهمی در تداوم حافظه شهرها و جوامع ایفا می‌کند (Doratli, 2005: 750) و به منظور خلاصه کردن ارزش‌های چندگانه میراث از آن استفاده می‌کنند (Getty Conservation Institute, 2000: 8). سرزندگی اقتصادی، معیاری است که بر اساس نظریات و اسناد جهانی بخش بازآفرینی (در راستای توسعه) را تضمین و تأیید می‌کند. مراکز تاریخی شهری باید به‌عنوان بخشی از پویایی

مورد توجه قرار گیرند (Doratliet al., 2004: 751). در جدول ۱ معیارهای ذکر شده و زیرمعیارهای آنان با اشاره به اسناد و نظریات مورد استناد ارائه شده است.

اقتصاد شهر مورد توجه قرار گیرند، آنها مناطقی مستقل به لحاظ کارکردی نیستند و معمولاً نوعی رابطه همزیستی با سایر مناطق شهر دارند. همچنین مراکز تاریخی تنها به منظور اقدامات حفاظتی مورد توجه نیستند، بلکه باید برای بازآفرینی نیز

جدول ۱- معیارهای حفاظت و بازآفرینی یکپارچه بر اساس نظریات و اسناد جهانی (مأخذ: حناچی و فدایی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲)

معیارهای اصلی	زیرمعیارها
معنای فرهنگی	اصالت
	یکپارچگی
	ارزش نسبی ^۳
سرزندگی اقتصادی	توسعه فیزیکی
	توسعه کارکردی
	توسعه فرهنگی-اجتماعی

۳- روش‌شناسی

فرآیند ارزیابی در چهار مرحله به نتیجه رسیده است. مرحله اول و دوم جهت یافتن چارچوب ارزیابی و معیارها و شاخص‌های آنها صورت گرفته است. در مرحله اول، با روش «استدلال منطقی»^۴ و با شیوه مطالعه اسناد، معیارها و زیرمعیارهای تغییر از ارزش‌های بافت محله تاریخی به دست آمده و در قیاس با پیشینه موضوع، معیارهای نهایی جهت ارزیابی انتخاب شده‌اند. در مرحله دوم، برای تعیین شاخص‌های زیرمعیارها، با توجه به زمان بردن روش‌هایی چون «دلفی» برای یافتن نظرات نخبگان، بر اساس استدلال منطقی متکی بر تجربه نویسنده، شاخص‌هایی تعیین شد و برای تأیید آنها، ۵ نفر از بین هیأت علمی دانشگاه‌های معتبر که دارای کتاب با موضوع‌های شامل کلیدواژگان پژوهش حاضر بودند (به‌عنوان نخبگان حوزه مورد مطالعه)، به صورت تصادفی انتخاب شدند و از آنها به شیوه پرسشنامه‌ای خواسته شد که شاخص‌های مورد تأیید و اشاره‌نشده مورد نظر خود را بیان کنند. در دو

مرحله بعد، از روشی شبیه «فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی»^۵ و البته ساده‌تر و با زمان‌بری کمتر استفاده شد. در این روش با توجه به تعداد زیاد زیرمعیارها و فقدان امکان ارزیابی گروهی مورد نیاز در روش «فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی»، به جای مقایسه دو به دو در این روش، در مرحله سوم به وسیله پرسشنامه از همان ۵ نفر از نخبگان حوزه خواسته شد معیارها، زیرمعیارها و شاخص‌های آنها را بر اساس اهمیت اولویت‌بندی کنند. در این مرحله به دلیل آنکه پرسش‌شوندگان این شاخص‌ها را با توجه به ادبیات موضوع و اطلاعات علمی رایج اولویت‌بندی کردند، اولویت‌ها در موارد کمی با یکدیگر تفاوت داشت و به امتیازبندی نیاز نداشت. در مرحله چهارم نیز که به صورت موازی با مرحله سوم صورت گرفت، برای ارزیابی طرح‌های پیشنهادی، نظرات ۱۴ نفر دانشجوی دکتری و ۶ نفر استاد با رتبه علمی دانشیار به بالا در رشته‌های مربوطه در نظر گرفته شد. این ۲۰ نفر از بین ۳۲ نفر استاد و دانشجو که به صورت تصادفی از طریق آدرس الکترونیکی معتبر دانشگاهی و با

برای ارزیابی، تمامی مدارک فنی و موردنیاز موجود در اختیار آنها قرار گرفت. در پرسشنامه تأکید شده بود هیچ کدام از طرح‌ها را اولویت مساوی ندهند. البته بعضی از شاخص‌ها به دلیل واضح بودن تأمین آنها در تمام طرح‌ها و یا قابل ارزیابی نبودن قبل از اجرا یا عدم وجود مدارکی جهت سنجش، مورد پرسش قرار نگرفتند و برای آنها به طور مساوی امتیاز ۰/۲۵ در نظر گرفته شد. جهت یافتن امتیاز هر کدام از طرح‌ها در هر زیرمعیار و هر معیار و در نهایت در کل طرح برگزیده متخصصین، به زیرمعیارها و شاخص‌ها بر اساس اولویت‌شان در مجموعه خود، از اولویت بالا به پایین به ترتیب امتیاز (تعداد زیرمعیارها یا شاخص‌های در مجموعه) تا ۱ داده شد و در فرمول زیر ضریب آنها از ۱ به دست آمد:

توجه به شاخص‌هایی چون تألیف و ترجمه کتاب و مقاله‌های مرتبط، جهت شرکت در ارزیابی دعوت شده بودند، اعلام آمادگی کرده و به پرسشنامه پاسخ دادند.

اعتبار نتایج ارزیابی آنها نیز به دلیل درجه علمی آنها تأمین می‌شود. در این مرحله از آنها خواسته شد تا چهار طرح طراحی شده برای محدوده مورد مطالعه را نسبت به تأمین هر شاخص به ترتیب اولویت‌بندی کنند و به آنان از اولویت بالا به پایین به ترتیب امتیاز ۴ تا ۱ را در نظر بگیرند. سپس در فرمول زیر امتیاز هر طرح در شاخص مربوطه به صورت نسبتی از ۱ حساب شده است:

$$\frac{\text{مجموع امتیاز مصاحبه‌شوندگان}}{20 \times 100} \text{ (تعداد مصاحبه‌شوندگان)}$$

۱

امتیاز اولویت زیرمعیار یا شاخص × (تعداد زیرمعیارهای هر معیار یا شاخص‌های هر زیرمعیار) + ... + ۲ + ۱

محله و شخصیت آن می‌باشد (تیزدل، اک و هت، ۱۳۸۸). البته هماهنگی به معنی تقلید کردن نیست، بلکه به معنای خدشه وارد نکردن به ارزش‌های محله و استفاده از اصول کلی بافت محله در طراحی جدید به عنوان تغییر برای ایجاد هماهنگی است.

تفسیر اصل «هماهنگی»، دو اصل «احترام و حفظ ارزش‌های محله» و «تقلید نکردن شامل احترام به اصول ارزش‌های حال و آینده و احترام به تغییر» را برای تداوم و پایداری یک بافت شهری تاریخی در چارچوب‌های زمانی گذشته، حال و آینده گوشزد می‌کند. همان‌طور که ریچارد راجرز هشدار می‌دهد: «در زمینه معماری، عبرت از گذشته تنها راه است، اما تقلید از فرم تاریخی بدون شناخت محتوا باعث کاهش ارزش و اعتبار آن

سپس امتیاز هر طرح در هر زیرمعیار نسبت به ۱ از مجموع اعدادی که از فرمول (ضریب شاخص × امتیاز طرح در آن شاخص) برای شاخص‌های این زیرمعیار حاصل شد، به دست آمد که طرح‌ها را در هر زیرمعیار قابل تحلیل نمود. به همین ترتیب امتیاز هر طرح در هر معیار، مجموع اعدادی است که از فرمول (ضریب زیرمعیار × امتیاز هر طرح در زیرمعیار) برای زیرمعیارهای این معیار به دست آمد.

۴- معیارهای ارزیابی

۴-۱- معیارهای رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه با توجه به ارزش‌های محله تاریخی
اصل اساسی، در هر گونه طراحی فضای جدید در محله تاریخی، «هماهنگی» فضای جدید با بافت

روز محله؛ و ۳) استفاده از معیارهای ارزشمندی آثار محله در تغییر (طراحی جدید).

معیار اول - احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی

این معیار در راستای اصل «احترام و حفظ ارزش‌های محله» برای حفظ دو ارزش تاریخی و فرهنگی تعریف شده است.

می‌شود.» (Rogers, 1988: 880). این دو اصل به ترتیب مبین گرایش‌های حفاظت و توسعه موجود در رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه بر پایه ارزش‌ها هستند. بنابراین با توجه به دو اصل پیش‌گفته ارزش‌های یک محله تاریخی (جدول ۲)، می‌توان معیارها جهت تغییر در محله تاریخی را این‌چنین تبیین کرد: ۱) احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی؛ ۲) حفظ و ارتقای ارزش‌های

جدول ۲- ارزش‌های محله تاریخی^د در رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه

ارزش	تعریف	مؤلفه‌های ارزش
ارزش‌های تاریخی	حاصل از فرآیند به وجود آمدن بافت محله در زمان گذشته است.	منحصر به فرد بودن، کیفیت ایده، کیفیت طراحی (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹، ۲۵۳-۲۵۵)، کیفیت ارتباط با طبیعت و کیفیت وحدت و هماهنگی بین آثار در بافت (مسعود و بیگ‌زاده شهرکی، ۱۳۸۹)
ارزش‌های فرهنگی	طی زمان در بافت محله و آثار آن بر اثر ارتباط انسان با آن، به ودیعه گذاشته شده و تا زمان حال ادامه دارد.	ارزش هویتی ^و (Feilden & Jokilehto, 1993: 18-20) و ارزش خاطرات جمعی و حافظه تاریخی ^ا
ارزش‌های روز	در اثر قرارگیری بافت محله در زمان و مکان حال و بالفعل شدن فرصت‌هایی ناشی از آن در برخورد با نیازهای روز جامعه ظهور پیدا می‌کنند.	ارزش کالبدی، ارزش عملکردی، ارزش اقتصادی، ارزش اجتماعی

اطلاق می‌شود (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۳۲۴-۳۲۵). این مفهوم در بافت محله با رعایت ارتباط‌ها و پیوستگی‌ها از نظر بصری (اصول و تناسب کلی و مصالح نما) و ساختاری (نوع ارتباط فضای جدید با معابر در محله و دیگر بناها) (نوع قرارگیری در بافت)، طرح معماری کلی فضا و فنون ساخت به کار رفته در فضای جدید) حفظ می‌گردد (مسعود و بیگ‌زاده شهرکی، ۱۳۸۹).

• رعایت هویت و شخصیت محله
زمانی که انسان در یک فضا قرار دارد، تحت شخصیت محیطی قرار می‌گیرد. مداخله انسان‌ها در مکان، زمانی بیش از همیشه موفق خواهد بود که بتوانند در وهله اول، شخصیت اصلی مکان را بشناسند و پیرو آن، محیط‌هایی انسانی ایجاد نمایند که با این شخصیت بیشتر هماهنگ باشد (پرتوی،

برای رعایت حداکثری این معیار، باید زیرمعیارهای زیر که پایینند به آن ارزش‌هاست، رعایت شوند.

• رعایت اصالت^۹ محله

اصالت یک اثر، میزان راستین بودن وحدت ذاتی فرآیند خلاق و نمود فیزیکی آن کار و نیز تأثیرات پیام آن در طول زمان تاریخی آن است. اصالت یک بافت با اصالت در طراحی، مصالح، ساخت و نحوه استقرار اثر در محیط تعریف می‌شود (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۳۲۲-۳۲۴). بنابراین طرح جدید باید به نوعی اصالت در ۴ حوزه مطرح را حفظ نماید و بدان خدشه وارد نکند.

• رعایت یکپارچگی^{۱۰} محله

در تعریف کلی، «یکپارچگی» به وضعیت نشکسته، تمامیت مادی، کامل و منسجم بودن

۱۳۸۲: ۴۲-۴۴) و ردپای ساختمان‌های قبلی محل (روح و ویژگی فضایی) را حفظ کنند (تیزدل، اک و هیث، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۵).

• رعایت تداوم خاطرات جمعی^{۱۱} و حافظه تاریخی همان‌طور که گفته شد یکی از ارزش‌های محله‌های تاریخی، خاطرات جمعی و حافظه تاریخی است که خود از عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان هستند و تداوم آنها، باعث ایجاد پیوند میان اعضای جامعه، ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت روحیه جمعی و مشارکت‌پذیری می‌شود.

معیار دوم- حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله

این معیار از دو بخش «حفظ» و «ارتقاء» به ترتیب در راستای اصل «احترام و حفظ ارزش‌های محله» و بخشی از اصل دوم «تقلید نکردن» که احترام به اصول و ارزش‌های حال و آینده را در نظر دارد، می‌باشد. با توجه به مؤلفه‌های ارزش‌های روز محله و اهداف هر مداخله در بافت تاریخی که شامل بهسازی و نوسازی کالبدی، بهسازی اقتصادی و رونق‌بخشی حضور مردم و تعاملات اجتماعی می‌شود (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳: ۵۱)، زیرمعیارهای زیر جهت برآورده شدن این معیار باید رعایت گردند.

• بهبود کالبدی

در طراحی فضای جدید انتظار می‌رود تا ضمن رعایت معیار احترام به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، حداقل‌های کالبدی نیز رعایت شده باشد. علاوه بر این باید طراحی از فرسودگی کالبدی و ذهنی کاسته و بر کیفیت کالبدی و بصری محله بیفزاید.

• بهبود اقتصادی

طراحی فضای جدید باید برای ارتقای سطح اقتصادی محله به‌طور مستقیم فعالیت اقتصادی را رونق داده یا ایجاد کند و یا به‌طور غیرمستقیم گردش سرمایه در بافت محله را رونق بخشد و در نهایت حتی در درآمد اقتصادی اهالی محله مؤثر باشد.

• ارتقای «سرمایه اجتماعی»^{۱۲}

سرمایه اجتماعی، ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت اهالی محله و عموم مردم و مسئولیت‌پذیری آنها در قبال محله تاریخی خود دارد. هر چه مشارکت آنها در فرایند تغییر بیشتر باشد، رفع نیازهای واقعی بیشتری از مردم و اهالی محله در طراحی دیده می‌شود و بالتبع پذیرش طرح بالاتر می‌رود. در نتیجه دیده‌شدن نیازهای واقعی، معضلات اجتماعی کاهش و امنیت افزایش می‌یابد که خود از شاخص‌های میزان سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی موجود محله هستند. این معیار تأثیر زیادی بر موفقیت و مقبولیت دیگر معیارها نیز دارد؛ زیرا این مردم هستند که برای نگهداری و جلوگیری از فرسودگی فضای جدید در حال و آینده مؤثرند.

• ارتقای عملکردی

از نظر کاربری، بافت محله‌های تاریخی در ایران بر اساس نیازها و امکانات زمانی خود بیشتر کاربری مسکونی را در خود جای داده‌اند، اما امروزه برای آنکه بتوانند در قبال اهالی خود و کل شهر نقشی مناسب ایفا کنند، باید حداقل به رفع کمبودهای کاربری‌های یک جامعه محلی امروزی با توجه به بروز نیازهای جدید و وجود شرایط رقابتی بین محله‌های قدیم و جدید، پردازند.

معیار سوم - استفاده از معیارهای ارزشمندی آثار محله در طراحی جدید

معیار اول ارزیابی، معیاری است کنترلی که متأثر از ارزش‌های خاص محله تاریخی در طراحی جدید باید دیده شود. معیار دوم مرتبط با نقشی است که طرح در قبال محیط خود دارد، اما این معیار به‌طور خاص، بر اساس بخشی از اصل «تقلید نکردن» که احترام به تغییر را در نظر دارد، به خود فضای جدید و هویت آن می‌پردازد. باید توجه داشت که هر فضایی نیز با وجود جدید بودن مورد احترام است و باید شرایط ارزشی برای ادامه حیات خود را نیز در خود ایجاد کند. بر اساس این معیار طرح فضای جدید باید ارزش‌های «فرآیند ایجاد» یعنی «کیفیت ایده»، «کیفیت طراحی» و «کیفیت ارتباط آن با محیط و طبیعت خود» را با توجه به مقتضیات و تکنولوژی‌های روز، در خود رعایت کند.

۴-۲- انتخاب معیارها جهت ارزیابی

مقایسه دو مجموعه معیارها بر اساس «اسناد و نظرهای جهانی» و «ارزش‌های بافت محله تاریخی» نشان از آن دارد که معیارهای ناشی از ارزش‌ها دربرگیرنده معیارهای ناشی از اسناد جهانی است و معیار سوم را برای احترام به «تغییر» به معیارهای اصلی اضافه می‌کند. در بیان دیگر با توجه به تعریف معیار «منظر فرهنگی»، معیار «حفظ و احترام به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی» آن را دربر می‌گیرد با این تفاوت که زیرمعیارهای ناشی از ارزش‌ها دقیق‌تر و کامل‌تر است. باید توجه داشت که زیرمعیار «ارزش نسبی» بر اساس تعریف ارزش‌های فرهنگی محله تاریخی را تعریف می‌کند. بر این اساس زیرمعیارهای بخش حفظ ارزش‌های فرهنگی معیار اول، که شامل «رعایت

هویت و شخصیت محله» و «رعایت تداوم خاطرات جمعی و حافظه تاریخی» می‌شود، تدقیق شده معیار «ارزش نسبی» هستند. معیار «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» نیز علاوه بر دربرگرفتن «سرزندگی اقتصادی»، ابعاد اجتماعی را دربر می‌گیرد.

بنابراین با توجه به قیاس معیارها، می‌توان معیارهای ناشی از ارزش‌ها را جامع‌تر تلقی کرد و به‌عنوان معیارهای ارزیابی طراحی فضای جدید در نظر گرفت.

۵- تعیین شاخص برای معیارها جهت ارزیابی طرح‌ها

برای ارزیابی طرح‌های پیشنهادی، با فرض اینکه تمام طرح‌ها، معیار «استفاده از معیارهای ارزشمندی آثار محله در طراحی جدید» را رعایت کرده‌اند، شاخص‌هایی برای زیرمعیارهای دو معیار اصلی «احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی» و «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» (جدول‌های ۳ و ۴) بر اساس ارزش‌ها و مؤلفه‌های آنها و تجربه نویسنده تعیین گردید. اعتبار این شاخص‌ها با استفاده از تکمیل پرسشنامه توسط ۵ نفر از نخبگان حوزه مرمت شهری تأیید گردیده است.

البته قابل ذکر است شاخص‌های تعیین شده، خود می‌تواند در مواردی زیرمعیار ثانویه بوده و شاخص‌هایی برای آنها تعیین شود. در پرسشنامه‌های نخبگان نیز به این مطلب اشاره شده بود. همچنین در مواردی شاخص‌ها به نوعی برای زیرمعیارهای مختلف تکرار شده‌اند که می‌توان با مقایسه آنها به صحت و انحراف پاسخ‌ها پی برد.

۶- ارزیابی طرح‌های پیشنهادی

۶-۱- معرفی محدوده و طرح‌ها

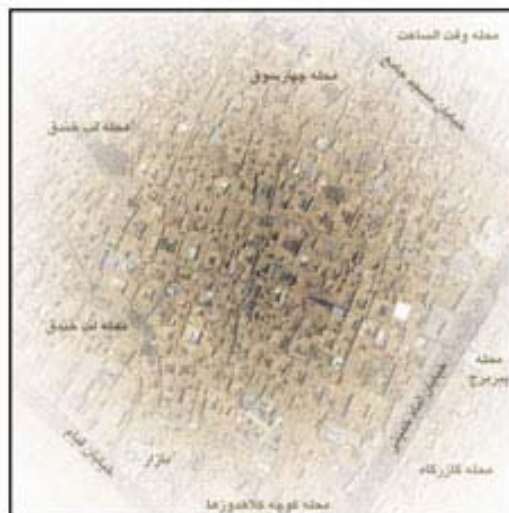
محله دارالشفاء از شمال به محله چهارسوق، از جنوب به بازار و محله کوچه کلاهدوزها، از شرق به خیابان امام خمینی و محله پیر برج و از غرب به محله لب خندق محدود است.

دارالشفاء یکی از آثار خیریه و بناهای عام‌المنفعه‌ای بوده است که به دستور خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان توسط خواجه

شمس‌الدین محمد تازیکو ایجاد شد و نام آن بر محله‌ای که عمارت مذکور در آن موضع قرار داشت، باقی ماند (افشار، ۱۳۷۴). گزیده‌ای از عناصر شاخص محله عبارتند از: کنیسه کمال، کنیسه ملاآقا بابا، حمام کلیمیان، مجموعه تاریخی ابودردا، مسجد باغ بهشت، خانه زرگر یزدی، مسجد فرط و مسجد حضرت رقیه (س).



تصویر ۱- عکس هوایی ۱۳۳۵ محله دارالشفاء



تصویر ۲- عکس هوایی ۱۳۸۳ محله دارالشفاء

جدول ۳- شاخص‌های زیرمعیارهای حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله

شاخص‌ها	معیار
رعایت نوع اصول معماری، اصول ارتباطی، اصول فیزیکی و مصالح به کار رفته در بافت محله؛ به کارگیری تیپولوژی پلاتنی و نمای موجود، به کارگیری تیپولوژی موجود گذرها از نظر تناسبات و المان‌های موجود در آنها؛ رعایت ارتفاع، نسبت و شکل فضایی پر و خالی در محله، هندسه موجود بناهای اطراف؛ تیپولوژی سازه‌ای موجود	رعایت اصالت محله
رعایت هندسه موجود بناهای اطراف؛ رعایت نظم موجود بین فضاها پر و خالی در محله؛ رعایت خط آسمان و ارتفاع نسبت به بناهای اطراف	رعایت یکپارچگی محله
استفاده از المان‌های قدیمی موجود؛ استفاده از سلسله‌مراتب موجود در فضاها تاریخی؛ استفاده از تیپولوژی فضاها پر و خالی بناهای موجود در محله؛ احترام ارتفاعی و تشکیل خط آسمان متعادل با فضای محله؛ پرهیز از طراحی فضایی حجیم و نامتناسب	رعایت شخصیت محله
تأکید بر به کارگیری فضاها یا عناصر نمادین، سلسله‌مراتب‌های گوناگون ارتباطی از جمله ارتباط فضاها عمومی و خصوصی و تیپولوژی ارتباط کالبدی فضاها و چیدمان فضاها به گونه‌ای که فرهنگ رفتاری در فضاها تاریخی محله را حداقل مخدوش نکند.	رعایت تداوم خاطرات جمعی و حافظه تاریخی

جدول ۴- شاخص‌های زیرمعیارهای حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله

شاخص‌ها	معیار
ارتقای کیفیت کالبدی و بصری محله، کاهش فرسودگی کالبدی محله، رعایت حداقل استانداردهای کالبدی، کاهش فرسودگی ذهنی محله	بهبود کالبدی
ارتقای سطح اقتصادی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم	بهبود اقتصادی
کاهش کمبودهای موجود در کاربری‌های محله، ارتقای عملکرد محله نسبت به شهر	ارتقای عملکردی
تأمین مشارکت اهالی محله در فرایند طراحی، در نظر گرفتن نیازها و نظرات مردم و اهالی در طراحی، میزان تأثیر بر کاهش معضلات اجتماعی، ایجاد امنیت بالاتر	ارتقای سرمایه اجتماعی

۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳) تعریف گردیده است.

یکی از طرح‌های تعریف شده برای محدوده محله دارالشفاء، طرح زمین مخروبه (تصویر ۳) است که زیرمجموعه سیاست تجمیع^{۱۳} سال‌های



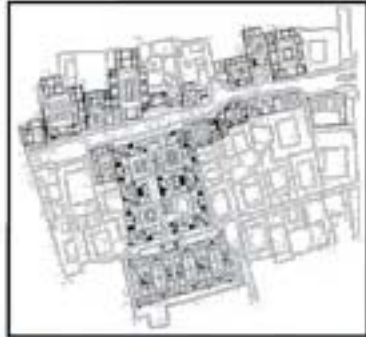
تصویر ۳- وضع موجود زمین تملک شده

با توجه به گزارش‌ها و مدارک موجود از چهار طرح، مطالب زیر قابل بیان است:
 طرح (الف) طرحی موضعی است که سیاست بالادست خود را سیاست تجمیع در نظر گرفته است و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی طرح را با توجه به توجهات سیاست تجمیع تعریف کرده است. بر این اساس، ایده کلی ایجاد مجتمع

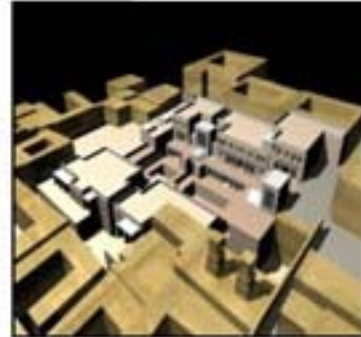
در این طرح، قسمتی از محله به‌طور کامل در طرح تملک قرار گرفته و سپس قسمتی از آن که در تصاویر مشخص شده، برای اجرای طرح تخریب شده و برای آن چهار طرح در سال‌های ۷۳، ۸۰، ۸۷ و ۸۸ داده شده است (تصویر ۴)، ولی تاکنون تنها از اجرای این طرح، جز خرابه‌ای باقی نمانده است.

محدوده و بهره‌گیری از عناصر نمادین در بافت - در تناسبات متفاوت- و رعایت هویت کالبدی بافت تاریخی را در طرح خود پیاده کرده است.

مسکونی با حداکثر تراکم -در راستای سیاست تجمیع و تأمین مسکن موردنیاز دولت- با استفاده از پتانسیل اختلاف ارتفاع زیاد شرق و غرب



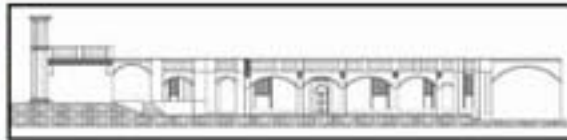
طرح (ب)



طرح (الف)



طرح (ج)



طرح (د)

تصویر ۴- چهار طرح پیشنهادی برای زمین تملک‌شده

(طرح‌های الف) و (ب): ایزدی، ۱۳۸۸؛ طرح (ج): نقصان‌محمدی، مندگاری و اولیاء، ۱۳۸۷؛ طرح (د): پورسراجیان، ۱۳۸۸

طرح (ج) طرحی موضعی است که به مانند دو طرح پیش، سیاست بالادست خود را سیاست تجمیع در نظر گرفته است و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی طرح را با توجه به توجیحات سیاست تجمیع تعریف کرده است. این طرح کاربری را مسکونی در نظر گرفته و از ایده طراحی آپارتمان‌های مستقل از هم با تراکم حداکثری و استفاده از گونه‌های نماهای موجود محدود و نظام پر و خالی بافت، البته با تناسب ارتفاعی متفاوت (۳ طبقه ارتفاع) استفاده کرده است.

طرح (ب) طرحی موضعی است که به مانند طرح الف، سیاست بالادست خود را سیاست تجمیع در نظر گرفته و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی طرح را با توجه به توجیحات سیاست تجمیع تعریف کرده است. این طرح ایده اصلی خود را ایجاد مجتمع‌های مسکونی با تراکم بالا البته با حیاط‌هایی مجزا و رعایت نظام پروخالی بافت و استفاده از نمادها و تزئینات موجود در بافت تعریف کرده است.

سطح بالایی ارزیابی شده است.

• رعایت شخصیت محله

بر اساس نظر پرسش‌شوندگان:

○ طرح «الف» بالاترین شاخص این زیرمعیار یعنی «استفاده از المان‌های قدیمی موجود» را با ۱۶ اولویت اول و ۴ اولویت دوم، بیشتر از طرح‌های دیگر رعایت کرده است.

○ طرح «ج» با کسب ۱۴ اولویت اول و ۶ اولویت دوم در «استفاده از سلسله‌مراتب موجود در فضاهای تاریخی»، ۱۵ اولویت اول و ۵ اولویت دوم در «استفاده از تیپولوژی فضاهای پر و خالی بناهای موجود در محله» بیشترین امتیاز را کسب کرده است.

○ طرح «د» با کسب ۱۶ اولویت اول و ۴ اولویت دوم در «احترام ارتفاعی و تشکیل خط آسمان متعادل با فضای محله» و ۱۴ اولویت اول و ۶ اولویت دوم در «پرهیز از طراحی فضایی حجیم و نامتناسب»، نسبت به دیگر طرح‌ها در اولویت اول قرار گرفته است.

در نتیجه، بر اساس امتیازها و ضریب شاخص‌ها، طرح «د» بالاترین امتیاز (۰/۳۰۶) را در «رعایت شخصیت محله» به دست آورده است. طرح‌های «ج»، «الف» و «ب» به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۲۷۳، ۰/۲۳۴ و ۰/۱۸۷ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• رعایت اصالت بافت محله

برای سنجش این زیرمعیار، ۱۰ شاخص تعیین شده است که بر اساس پاسخ‌نخبگان، شاخص «رعایت نوع اصول معماری» اولویت‌دارترین شاخص و «رعایت تاحد ممکن تیپولوژی سازه‌ای موجود» پایین‌ترین اولویت تشخیص داده شده‌اند.

طرح (د) طرحی موضعی است که سیاست تجمیع را در نظر نمی‌گیرد و سیاست بالادست خود را احیای بافت محله تاریخی دارالشفاء که زمین مخروطی‌شده را به‌عنوان فرصتی برای رفع کمبودهای کاربری‌های خدماتی در نظر گرفته است، قرار داده است. این طرح سعی کرده است با در نظر گرفتن تأثیرات فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی بین خود و محله و ساکنین آن تعریف گردد. بر این اساس، این طرح، کاربری مختلط اقامتی-خدماتی را در نظر گرفته و ایده خود را بر ایجاد فضاهای محله‌ای و فرامحله‌ای در جهت احیای اقتصادی و اجتماعی بافت محله قرار داده است. این طرح شامل فضایی اقامتی (هتل)، فضای خدماتی شامل سرویس بهداشتی عمومی، اتاق اجتماعات، کافی‌نت، دفتر خدمات مسافرتی-گردشگری، صرافی و کارگاه‌های صنایع دستی (برای آموزش و نمایش حرفه‌های سنتی و مربوط به مرمت در بافت) می‌شود. در این طرح تناسب ارتفاعی، نظام پر و خالی و گونه‌نماهای برداشت‌شده از محله مورد استفاده قرار گرفته است و در حین ارتباط بین فضاهای مختلف، استقلال آنها نیز حفظ شده است.

۶-۲- یافته‌های ارزیابی طرح‌ها

با فرض تأمین معیار سوم در طرح‌ها، انتخاب طرح مناسب‌تر بر اساس دو معیار اول و دوم صورت گرفت که در جدول‌های ۵ و ۶، امتیاز آنها در هر شاخص اشاره شده است. زیرمعیارها و شاخص‌ها بر اساس نظرسنجی از ۵ نفر از نخبگان حوزه‌های مرتبط اولویت‌بندی شده که ضریب آنها به‌صورت نسبتی از ۱ اشاره شده است. البته با توجه به جواب‌های نزدیک در مورد شاخص‌های تکرار شده در زیر معیارهای مختلف اعتبار پاسخ‌ها نیز در

در این زیرمعیار:

○ طرح «ج» با کسب ۱۰ اولویت اول، ۶ اولویت دوم و ۴ اولویت سوم «هندسه موجود بناهای اطراف» و ۱۵ اولویت اول و ۵ اولویت دوم «نظم موجود بین فضاهای پر و خالی در محله» را نسبت به دیگر طرح‌ها رعایت کرده است.

○ طرح «د» با کسب ۱۶ اولویت اول و ۴ اولویت دوم در دو شاخص «رعایت خط آسمان نسبت به بناهای اطراف» و «رعایت ارتفاع نسبت به بناهای اطراف» بالاترین امتیاز را کسب کرده است. اما نتیجه علی‌رغم آنکه طرح «ب» در هیچ کدام از شاخص‌ها امتیاز اول را به دست نیاورده است، این طرح را با توجه به امتیازها و ضریب شاخص‌ها، با کسب امتیاز ۰/۲۹۷ در بالاترین اولویت قرار می‌دهد. طرح‌های «ج»، «د» و «الف» نیز به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۲۸۱، ۰/۲۳۶ و ۰/۱۸۶ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• رعایت تداوم خاطرات جمعی و حافظه تاریخی

در این زیرمعیار:

○ طرح «ج» با کسب ۱۶ اولویت اول و ۴ اولویت دوم در «رعایت سلسله‌مراتب فضاهای عمومی و خصوصی» و ۱۳ اولویت اول و ۷ اولویت دوم در «رعایت تیپولوژی ارتباط کالبدی فضاها و چیدمان فضاها»، بالاترین امتیاز را کسب کرده است.

○ طرح «د» شاخص «تأکید بر به کارگیری فضاها یا عناصر نمادین» را با کسب ۲۰ اولویت اول، بیشتر از طرح‌های دیگر رعایت کرده است.

در نتیجه، طرح «د» بالاترین امتیاز (۰/۳۴۴) را در «رعایت تداوم خاطرات جمعی و حافظه تاریخی» به دست آورده است. طرح‌های «ج»، «ب»

○ طرح «ب» با کسب ۱۰ اولویت اول، ۵ اولویت دوم و ۵ اولویت سوم در شاخص «رعایت نوع اصول فیزیکی» و ۱۳ اولویت اول و ۷ اولویت دوم در «به کارگیری تیپولوژی پلانی موجود» بالاترین امتیاز را کسب کرده است.

○ طرح «ج» با کسب ۱۷ اولویت اول و ۳ اولویت دوم در «رعایت نوع اصول ارتباطی»، ۱۵ اولویت اول و ۵ اولویت دوم در «رعایت ارتفاع، نسبت و شکل فضایی پر و خالی در محله»، ۱۰ اولویت اول، ۶ اولویت دوم و ۴ اولویت سوم در «رعایت هندسه موجود بناهای اطراف»، و ۱۳ اولویت اول و ۷ اولویت دوم در «رعایت تاحد ممکن تیپولوژی سازه‌ای موجود» طرح‌های دیگر را پشت سر گذاشته است.

○ طرح «د» نیز با کسب ۱۳ اولویت اول و ۷ اولویت دوم در «رعایت نوع اصول معماری»، ۱۹ اولویت اول و ۱ اولویت دوم در «به کارگیری تیپولوژی نمای موجود»، ۲۰ اولویت اول در «رعایت نوع مصالح به کار رفته در بافت محله» و «به کارگیری تیپولوژی موجود گذرها از نظر تناسبات و المان‌های موجود در آنها»، بالاترین امتیاز را کسب کرده است.

در نتیجه، بر اساس ارزیابی، طرح «ج» بالاترین امتیاز (۰/۳۰۹) را در «رعایت اصالت بافت محله» به دست آورده است. طرح‌های «د»، «ب» و «الف» به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۳۰۱، ۰/۲۳۷ و ۰/۱۵۲ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• رعایت یکپارچگی بافت محله

بر اساس نظر پرسش‌شوندگان:

زیرمعیارها به جز زیرمعیار «رعایت شخصیت محله» در پایین ترین اولویت قرار دارد. این ارزیابی با احتساب امتیاز در زیرمعیارها و ضریب آنها، به طرح «د» بالاترین امتیاز (۰/۲۹۴) را در تأمین این معیار می‌دهد و طرح‌های «ج»، «ب» و «الف» را با کسب امتیازهای ۰/۲۹۲، ۰/۲۲۵ و ۰/۱۸۹ در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهد.

و «الف» به ترتیب با امتیازهای ۰/۳۳۷، ۰/۱۹۳ و ۰/۱۲۶ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• طرح منتخب در معیار «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله»

ارزیابی طرح‌ها بر اساس زیرمعیارهای معیار «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله» حاکی از آن است که طرح «الف» در هیچ کدام از معیارها اولویت اول را به دست نیاورده و در تمام

جدول ۵- امتیاز طرح‌ها در شاخص‌های زیرمعیارهای معیار «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله» بر اساس پرسشنامه از اساتید و دانشجویان

زیرمعیار	ضریب	شاخص‌ها	ضریب	امتیاز طرح‌ها			
				الف	ب	ج	د
رعایت شخصیت محله	۰/۴	استفاده از المان‌های قدیمی موجود	۰/۳۳	۰/۳۸۰	۰/۱۲۰	۰/۱۸۰	۰/۳۲۰
		استفاده از سلسله‌مراتب موجود در فضاهای تاریخی	۰/۲۷	۰/۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۳۷۰	۰/۳۳۰
		استفاده از تیپولوژی فضاهای پر و خالی بناهای موجود در محله	۰/۲	۰/۱۲۰	۰/۳۲۵	۰/۳۷۵	۰/۱۸۰
		احترام ارتفاعی و تشکیل خط آسمان متعادل با فضای محله	۰/۱۳	۰/۱۸۰	۰/۳۲۰	۰/۱۲۰	۰/۳۸۰
رعایت اصالت بافت محله	۰/۳	پرهیز از طراحی فضایی حجیم و نامناسب	۰/۰۷	۰/۱۰۰	۰/۲۰۰	۰/۳۳۰	۰/۳۷۰
		رعایت نوع اصول معماری	۰/۱۸	۰/۲۰۵	۰/۱۳۵	۰/۳۱۵	۰/۳۶۵
		رعایت نوع اصول ارتباطی	۰/۱۶	۰/۱۱۵	۰/۱۹۵	۰/۳۸۵	۰/۳۰۵
		رعایت نوع اصول فیزیکی	۰/۱۵	۰/۱۱۵	۰/۳۵۵	۰/۳۲۵	۰/۲۰۵
		رعایت نوع مصالح به کار رفته در بافت محله	۰/۱۳	۰/۲۳۵	۰/۲۱۰	۰/۱۵۵	۰/۴۰۰
		به کارگیری تیپولوژی پلائی موجود	۰/۱۱	۰/۱۱۰	۰/۳۶۵	۰/۳۲۰	۰/۲۰۵
		به کارگیری تیپولوژی نمای موجود	۰/۰۹	۰/۱۱۰	۰/۱۹۵	۰/۳۰۰	۰/۳۹۵
		به کارگیری تیپولوژی موجود گذرها از نظر تناسب و المان‌های موجود در آنها	۰/۰۷	۰/۱۲۵	۰/۱۷۵	۰/۳۰۰	۰/۴۰۰
		رعایت ارتفاع، نسبت و شکل فضایی پر و خالی	۰/۰۵	۰/۱۲۰	۰/۳۲۵	۰/۳۷۵	۰/۱۸۰
		رعایت هندسه موجود بناهای اطراف	۰/۰۴	۰/۲۴۰	۰/۲۶۰	۰/۳۳۰	۰/۱۷۰
رعایت یکپارچگی بافت محله	۰/۲	رعایت تاحد ممکن تیپولوژی سازه‌ای موجود	۰/۰۲	۰/۱۲۰	۰/۲۵۰	۰/۳۶۵	۰/۲۶۵
		رعایت هندسه موجود بناهای اطراف	۰/۴	۰/۲۴۰	۰/۲۶۰	۰/۳۳۰	۰/۱۷۰
		رعایت نظم موجود بین فضاهای پر و خالی	۰/۳	۰/۱۲۰	۰/۳۲۵	۰/۳۷۵	۰/۱۸۰
		رعایت خط آسمان نسبت به بناهای اطراف	۰/۲	۰/۱۸۰	۰/۳۲۰	۰/۱۲۰	۰/۳۸۰
رعایت تداوم خاطرات جمعی و حافظه تاریخی	۰/۱	رعایت ارتفاع نسبت به بناهای اطراف	۰/۱	۰/۱۸۰	۰/۳۲۰	۰/۱۲۰	۰/۳۸۰
		تأکید بر به کارگیری فضاها یا عناصر نمادین	۰/۵	۰/۳۰۰	۰/۱۲۵	۰/۱۷۵	۰/۴۰۰
		رعایت سلسله‌مراتب فضاهای عمومی و خصوصی	۰/۳	۰/۱۳۰	۰/۱۸۵	۰/۳۸۰	۰/۳۰۵
		رعایت تیپولوژی ارتباط کالبدی فضاها و چیدمان فضاها	۰/۲	۰/۱۲۰	۰/۲۵۰	۰/۳۶۵	۰/۲۶۵

جدول ۶- امتیاز طرح‌ها در شاخص‌های زیرمعیارهای معیار «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» بر اساس پرسشنامه از اساتید و دانشجویان

د	امتیاز طرح‌ها			ضریب	شاخص‌ها	ضریب	زیرمعیار
	ج	ب	الف				
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۴	رعایت حداقل استاندارد	۰/۴	بهبود کالبدی
۰/۳۹۵	۰/۳۰۰	۰/۱۹۵	۰/۱۱۰	۰/۳	ارتقای کیفیت کالبدی و بصری محله	۰/۴	
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲	کاهش فرسودگی کالبدی محله	۰/۲	
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۱	کاهش فرسودگی ذهنی محله	۰/۱	
۰/۴۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۳۰۰	۰/۶۶	ارتقای سطح اقتصادی به‌طور مستقیم	۰/۳	بهبود اقتصادی
۰/۴۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۳۰۰	۰/۳۴	ارتقای سطح اقتصادی به‌طور غیرمستقیم	۰/۳	
۰/۴۰۰	۰/۳۰۰	۰/۱۰۰	۰/۲۰۰	۰/۶۶	کاهش کمبودهای موجود در کاربری‌های محله	۰/۲	ارتقای عملکردی
۰/۴۰۰	۰/۱۰۰	۰/۲۲۵	۰/۲۷۵	۰/۳۴	ارتقای عملکرد محله نسبت به شهر	۰/۲	
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۳۳	تأمین مشارکت اهالی محله در فرایند طراحی	۰/۱	ارتقای سرمایه اجتماعی
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۷	در نظر گرفتن نیازها و نظرات مردم و اهالی در طراحی		
۰/۴۰۰	۰/۳۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۲	میزان تأثیر بر کاهش معضلات اجتماعی		
۰/۴۰۰	۰/۳۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۳	ایجاد امنیت بالاتر		
۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۰۷	کاهش فرسودگی ذهنی محله		

و «ارتقای عملکرد محله نسبت به شهر» با قاطعیت آراء بالاترین امتیاز را قائل شده است. طرح‌های «ج»، «الف» و «ب» نیز به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۲۳۲، ۰/۲۲۵ و ۰/۱۴۳ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• ارتقای سرمایه اجتماعی

در این زیرمعیار، شاخص‌های «میزان تأثیر بر کاهش معضلات اجتماعی» و «ایجاد امنیت بالاتر» مورد پرسش قرار گرفت که بر اساس نظر پرسش‌شوندگان، طرح «د» در هر دو شاخص با کسب ۲۰ اولویت اول بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. در کل، این طرح با کسب امتیاز ۰/۲۹۹، به‌عنوان طرح منتخب در این زیرمعیار انتخاب شده است و طرح‌های «ج»، «ب» و «الف» با کسب امتیازهای ۰/۲۶۷، ۰/۲۳۳ و ۰/۲۰۱ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• طرح منتخب در معیار «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله»

ارزیابی طرح‌ها بر اساس زیرمعیارهای معیار «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله»، حاکی از آن است که طرح «د» در همه زیرمعیارها بالاترین امتیاز را به‌دست آورده و با کسب امتیاز ۰/۳۴۷،

• بهبود کالبدی

در این زیرمعیار، با توجه به آنکه طرح «د» بالاترین امتیاز را در تنها شاخص پرسش شده یعنی «ارتقای کیفیت کالبدی و بصری محله» با کسب ۱۹ اولویت اول و ۱ اولویت دوم، به‌دست آورده است، در کل نیز با کسب امتیاز ۰/۲۹۳، به‌عنوان طرح منتخب در این زیرمعیار انتخاب شده است و طرح‌های «ج»، «ب» و «الف» با کسب امتیازهای ۰/۲۶۵، ۰/۲۳۴ و ۰/۲۰۸ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. قابل ذکر است دیگر شاخص‌ها نیز به‌علت وضوح تأمین آنها یا عدم قابلیت ارزیابی قبل از اجرا، مورد پرسش قرار نگرفتند.

• بهبود اقتصادی

در این زیرمعیار، طرح «د» با اکثریت آراء در ارتقای سطح اقتصادی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بالاترین امتیاز را نسبت به دیگر طرح‌ها به‌دست آورده است و طرح‌های «الف»، «ج» و «ب» به ترتیب با کسب امتیازهای ۰/۳۰۰، ۰/۲۰۰ و ۰/۱۰۰ در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

• ارتقای عملکردی

ارزیابی، برای طرح «د»، در هر دو شاخص «کاهش کمبودهای موجود در کاربری‌های محله»

نسبت به طرح‌های «ج»، «الف» و «ب» با کسب امتیازهای ۰/۲۳۹، ۰/۲۳۸ و ۰/۱۷۶، در بالاترین اولویت قرار گرفته است.

۷- نتیجه‌گیری

بررسی پیشینه موضوع «تغییر» در محله‌های تاریخی، تغییر رویکرد از «حفاظت صرف و تقلید» به «بازآفرینی» و «درنهایت»، «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» را بیان می‌کند که علاوه بر حفظ ارزش‌ها، به توسعه نیز می‌اندیشد. رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه بر اساس اسناد و نظرهای جهانی دارای دو معیار «منظر فرهنگی» و «سرزندگی اقتصادی» می‌باشد؛ در صورتی که بر اساس ارزش‌های یک محله تاریخی و تفسیر اصل «هماهنگی» که دو اصل «احترام و حفظ ارزش‌های محله» و «تقلید نکردن شامل احترام به اصول و ارزش‌های حال و آینده و احترام به تغییر» را برای تداوم و پایداری یک محله تاریخی در چارچوب‌های زمانی گذشته، حال و آینده گوشزد می‌کند، سه معیار «احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی»، «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» و «استفاده از معیارهای ارزشمندی آثار محله در تغییر (طراحی جدید)» برای تغییر در محله تاریخی به دست می‌آید. تطبیق دو مجموعه معیار وزیرمعیارهای آنها نیز حاکی از جامع‌تر و دقیق‌تر بودن معیارهای ناشی از ارزش‌ها است.

در این مقاله، شاخص‌های زیرمعیارها با توجه به نظر پژوهشگر و ۵ نفر از نخبگان حوزه مرمت شهری تعیین و اولویت‌بندی شد که به‌عنوان نتیجه‌ای از آن، می‌توان در معیار «احترام و حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی»، قرارگیری زیرمعیار «رعایت شخصیت و هویت محله» بالاتر از «اصالت» و «یکپارچگی» را نشانه‌ای از رویکردهای

فرهنگی- اجتماعی به وجود آمده در ادبیات موضوع دانست.

بر اساس ارزیابی صورت گرفته و اعمال نظرات نخبگان، استادان و دانشجویان حوزه مرمت شهری به‌عنوان یکی از گروه‌های ذی‌نفوذ، نیز از بین طرح‌ها، طرح «د» در هر دو معیار «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی محله» و «حفظ و ارتقای ارزش‌های روز محله» بالاترین امتیاز را آورده و طرح منتخب است. با آنکه، طرح «د» نتوانست اولویت اول را در دو معیار «رعایت اصالت بافت محله» و «رعایت یکپارچگی بافت محله» کسب کند و به ترتیب در اولویت دوم و سوم قرار گرفت، در نهایت با توجه به کسب بالاترین امتیازها در زیرمعیارهای ناشی از ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های روز، در هر دو معیار بالاترین امتیاز را کسب کرده است. این ارزیابی خود نشان از تغییر دیدگاه‌ها از رویکرد کالبدی و حفاظت صرف به رویکردهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و توسعه در کنار حفاظت در بین نخبگان و دانشگاهیان حوزه مرمت شهری دارد. در صورتی که اگر در رویکرد حفاظت، طرح‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند در نهایت طرح «ج» انتخاب می‌شد. همچنین ارزیابی، با انتخاب طرح «د» بر اهمیت توسعه در کنار حفاظت تأکید دارد.

به‌عنوان نتیجه فرعی از ارزیابی می‌توان زمان پیشنهاد طرح‌ها را نیز در انتخاب و امتیازدهی به آنها دخیل دانست. به‌طوری که طرح «الف»، «ب»، «ج» و «د» بر اساس زمان پیشنهاد از قدیمی‌ترین پیشنهاد تا جدیدترین، دارای کمترین امتیاز تا بیشترین امتیاز بوده‌اند. این یافته نشان از آن دارد که طرح «د» که در فضای رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه پیشنهاد شده است، معیارهای این رویکرد را بیشتر از دیگر طرح‌ها رعایت کرده

است. از دیگر نتایج این مقاله این است که دیگر سیاست‌های دخالت‌های مستقیم مانند سیاست تجمیع، جایگاه علمی در ادبیات موضوع مرمت شهری ندارد، بلکه دخالت‌هایی مورد قبول خواهد بود که در آن نیازهای روز و آینده را در مشارکت

با ذی‌نفعان به‌خصوص مردم و ذی‌نفوذان و به کارگیری نظرات آنها رفع کند.

در پایان، پیشنهاد می‌گردد جهت ارزیابی دقیق‌تر نظرات دیگر گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Cultural Significance

2. Economic vitality

۳. نسبی بودن ارزش را باید با «اهمیت نسبی» و یا «ارزش نسبی» هر مکان در مقایسه با مکان‌های دیگر که ویژگی‌های مشابهی دارند، تفسیر و تعبیر کرد. در این صورت «ارزش نسبی» به مقطع تاریخی شکل‌گیری اثر و بستر فرهنگی قرارگیری آن دلالت دارد (فدایی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶).

۴. پژوهش بر مبنای استدلال منطقی پژوهش یک لنگر است. محقق با توسل به ساختارهای لفظی و کلامی، تفسیر خود را از موضوع در قالب نظریه عرضه می‌کند و در این راه تلاش می‌کند با انسجام منطقی و عقلانی، از حیث صوری و محتوایی، زمینه را برای اقناع مخاطبان فراهم آورد (میرجانی، ۱۳۸۹: ۴۹).

۵. AHP: فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، تکنیکی است منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اساس و اولین مرحله این فرآیند، ایجاد سلسله مراتبی است که در آن هدف، معیارها و گزینه‌ها و ارتباط بین آنها نشان داده شود. چهار مرحله بعدی در این فرآیند محاسبه وزن معیارها و زیرمعیارها در صورت وجود، محاسبه وزن گزینه‌ها، محاسبه امتیاز نهائی گزینه‌ها و بررسی سازگاری منطقی قضاوت‌ها را شامل می‌شود (زبردست، ۱۳۸۸).

۶. بر اساس رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه، یک محله تاریخی، دارای «ارزش‌های فرهنگی» و «ارزش‌های اقتصادی-اجتماعی روز» (Feilden&Jokilehto, 1993: 18-20) به ترتیب جهت «حفاظت» و «توسعه» است، به عبارتی دقیق‌تر دارای ارزش‌های «تاریخی»، «فرهنگی» و «روز» (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹: ۲۴۹-۲۵۱) می‌باشد.

۷. ارزش هویتی مربوط به رابطه احساسی جامعه نسبت به اماکن خاص است و شامل شاخصه‌هایی چون قدمت، سنت، تداوم، یادبود، احساسی، روحانی، سمبولیک، حماسی و ملی‌گرایانه است (فیلدن و یوکیلهتو، ۱۳۹۳: ۲۳).

۸. خاطره (آگاهی و حافظه) جمعی مجموعه‌ای است از خاطرات فردی که خاطرات و آگاهی‌های تمام افراد یک جامعه را شامل شده (گروت و وانگ، ۱۳۸۸: ۱۴۵) و نوعی اشتراک ذهنی در پیوند با گذشته به وجود می‌آورد (فکوهی، ۱۳۹۵: ۲۵۹).

9. Authenticity

10. Integrity

11. Collective Memories

۱۲. Social Capital که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی مطرح شد، از نظر «رابرت پاتنام» وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها است که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (از کیا و غفاری، ۱۳۹۲: ۲۷۸).

۱۳. سیاست استفاده از املاک بافت‌های فرسوده مراکز شهری، برای جبران بخشی از مسکن مورد نیاز دولت، از طریق تملک، پاکسازی و تجمیع واحدهای موجود، آغازگر دوره جدیدی در مداخله در بافت‌های شهری است. این سیاست، در ابتدا با عنوان «تجمیع» و سپس با درج آن در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، تحت عنوان «بافت مسئله‌دار شهری» به مورد اجرا گذاشته شد (ایزدی، ۱۳۸۸؛ نک: حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳: ۹۷).

منابع و مأخذ

- از کیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد. جلد ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۸). مروری بر طرح‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری در ایران. آرشیو دکتر محمدسعید ایزدی. پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه. هنرهای زیبا، ۱، (۱۴): ۴۰-۵۰.
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۸۸). احیای بافت تاریخی با رویکرد مشارکت مردمی. استاد راهنما: پیروز حناچی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. دانشگاه تهران.
- تیزدل، استیون، اک، تانر و هت، تیم. (۱۳۸۸). احیای محله‌های شهری تاریخی. ترجمه سمانه ساریخانی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۳). احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز و فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی-تاریخی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳، (۴۶): ۱۵-۲۶.
- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام. (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیاء. مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. سازمان میراث فرهنگی، صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: ۲۴۱-۲۷۲.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۸). روش‌های ارزیابی در شهرسازی. جزوه کلاسی. دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران.
- فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۲). ارزیابی طرح ساماندهی مجموعه تاریخی میدان امیرچخماق یزد. نشریه اینترنتی نوسازی. (۱۷): شماره مقاله ۱۷۰۴. <http://nosazionline.ir>. (دسترسی در ۱۲/۰۹/۱۳۹۴).
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۵). انسان‌شناسی شهری. چاپ دهم. تهران: نشر نی.
- فیلدن، برنارد. ام. و یوکیلتهو، یو.کا. (۱۳۹۳). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه پیروز حناچی. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مسعود، محمد و بیگ‌زاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). مبانی ارزش‌گذاری بافت‌های تاریخی و بافت فرسوده. <http://simgel.com> (دسترسی در ۲۰/۰۹/۱۳۹۴).
- میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش. نشریه صفا، ۲۰، (۵۰): ۳۵-۵۰.
- نقصان‌محمدی، محمدرضا؛ مندگاری، محمدکاظم و اولیاء، طویی (۱۳۸۷). مروری بر طرح‌های تجمیع در بافت قدیم شهر یزد. همایش تجدید حیات در بافت‌های باارزش. باغ دولت‌آباد یزد.
- یوکیلتهو، یو.کا. (۱۳۹۴). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. چاپ دوم. تهران: انتشارات روزنه.
- Ashworth, G.J. (1991). Heritage planning, Conservation as the management of urban change. Geo press.
- Doratli, N. (2005). Revitalizing historic urban quarters: a model for determining the most relevant strategic approach. European Planning Studies, 13, (5), 749-772.
- Doratli, N., Hoskara, S.O. & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: a case study of the walled city of Nicosia, North Cyprus. Cities, 21, (4), 329-348.
- Feilden, B. & Jokilehto, J. (1993). Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites. Rome: ICCROM.
- Getty Conservation Institute. (2000). Values and heritage conservation. Los Angeles: Getty Institute.
- Larkham, P.J. (1999). Preservation, Conservation and Heritage: Developing Concepts and Applications. In J.B. Cullingworth (Ed.), British planning: 50 years of urban and regional policy. Athlone Press.
- Lynch, K. (1972). What Time is This Place? Cambridge: MIT Press.
- Pendlebury, J. (2009). Conservation in the age of consensus. USA & Canada: Rutledge.
- Rogers, R. (1988). Belief in the future is rooted in the memory of the past. Royal Society of Arts Journal, 136, (5388), 873-884.

واکاوی اصول قوام‌بخش حاکم بر مراتب مفهوم مرکز*

کاظم مندگاری^{۱*}، ضحی ندیمی^۲

۱- استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

۲- کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۲۶، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۵/۰۸/۰۲)

چکیده

یکی از مفاهیمی که در مطالعات نظری معماری از آن بسیار سخن گفته شده، مفهوم «مرکز» است. در حوزه هنر و معماری، نظریه‌پردازانی چون کریستیان نوربرگ-شولتس، رودولف آرناهم و کریستوفر الکساندر، همگی مفهوم «مرکز» را اساس نظریه‌پردازی‌های خویش قرار داده‌اند. این پژوهش در پی آن است که با مرور نظرگاه‌های گوناگون، منظومه معنایی جامعی برای فهم بهتر مفهوم «مرکز» پدید آورد. بدین منظور با تعمق در سخنان متفکران، انواع مختلف مراکز استخراج، نام‌گذاری و به صورت اجمالی شرح داده می‌شود. این انواع عبارتند از: مرکز حقیقی، جوهری، معنایی، عملکردی، کالبدی (شامل کالبدی مصنوع و طبیعی). پس از تبیین این انواع، روشن می‌شود که این مراکز مختلف ارتباطاتی درونی با یکدیگر دارند و در سایه اصولی در اثر معماری به قوام می‌آیند. این اصول موجب می‌شوند مراکز متنوع موجود در اثر، در نظامی وحدت‌یافته و متعادل کلیت آن را بیافرینند. برای تبیین این اصول از روش «تحلیل مضمونی» و «تعمق درونی» بهره گرفته شده است. این اصول عبارتند از: مراتب، تقارب، منظومه، تعادل و وحدت مراکز.

در نهایت روشن می‌شود که سه اصل قوام‌بخش مقدماتی یعنی مراتب، تقارب و منظومه مراکز در ذیل اصول جامع‌تر تعادل و وحدت مراکز قرار دارند. همچنین، کلیه اصول پنج‌گانه قوام‌بخش مراکز در حقیقت نظرگاه‌های مختلف نسبت به یک حقیقت واحدند که همان وحدت مراکز است. کمال اثر هنری، ماحصل تحقق جمیع اصول قوام‌بخش است. همچنین اصول مذکور را می‌توان اصول جهان‌بینی برای معمار دانست به طوری که تا در جان معمار محقق نشوند، نمی‌توانند در آثار نیز ظهور یابند. اگر معماری ایرانی-اسلامی را مبتنی بر اصول و نظام‌های بنیادین هستی بدانیم، این نوشتار با روشن کردن بخشی از نظم ثابت موجود در هستی به بازخوانی معماری اسلامی کمک می‌کند.

کلید واژه‌ها: مرکز، معماری، اصول قوام‌بخش

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم است که با عنوان "میانۀ میدان (پژوهشی در چستی مرکز و نقش آن در آفرینش معماری)" در اسفندماه سال ۹۰ در دانشگاه یزد دفاع شده است.

** Email: mondegari@yazd.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

آیا می‌توان برای معانی متعدد مرکز مراتبی قائل شد؟ آیا این مراتب معنایی با یکدیگر ارتباط دارند؟ این ارتباطات چیست و چگونه در آثار ظاهر می‌شود؟

۱- مقدمه

مرکز از مفاهیم بنیادین در نظام هستی و همچنین معماری است. در اکثر اندیشه‌های سنتی و از جمله اسلام، الگوی مرکز‌گرای عالم شرح داده شده است. علاوه بر این، مرکز به قدری در معماری اسلامی تجلی یافته است که هدف اصلی این معماری را نمایش مرکز چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم دانسته‌اند (اردلان، ۱۳۷۹). از انتظام‌های فضایی مرکز‌گرا در جسم معماری اسلامی گرفته تا تجلی اصل توحید در جان آن، همگی نمایشی از حضور همه‌جاگستر مرکز در این معماری است.

مفهوم مرکز تنها در آثار معماری ایرانی به وضوح دیده نمی‌شود، بلکه در آراء نظریه‌پردازانی که خارج از این بستر فرهنگی در حوزه هنر و معماری به پژوهش پرداخته‌اند نیز مطرح شده است. در این میان، رودولف آرنه‌ایم^۱، کریستوفر الکساندر^۲ و کریستیان نوربرگ-شولتس^۳ مفهوم مرکز را اساس و مبنای نظریه‌پردازی‌های خویش قرار داده‌اند.

رودولف آرنه‌ایم که از منظر ادراک بصری به این مفهوم توجه کرده، بیشتر به واکاوی ابعاد صوری مرکز پرداخته است. همچنین نوربرگ-شولتس با رویکرد پدیدارشناسانه خود، غالباً وجوه فرابصری و غیرمادی مرکز را مورد مطالعه قرار داده‌است. در این میان الکساندر، بحث خود را از وجوه بصری و مادی مرکز آغاز کرده و

در نهایت توجه به وجوه غیرمادی و ماورائی آن را ضروری دانسته است.

وجه اشتراک نظرگاه‌های مذکور، توجه به نیروها و بردارهایی است که مراکز در فضا به وجود می‌آورند و آن را قطبی می‌کنند. اگر جوهره واحد مفهوم مرکز را نیرو بدانیم^۴، نوع و محیط اثر این نیروها بر حسب نظرگاه‌های گوناگون، متفاوت است. برای مثال، آرنه‌ایم که در حوزه ادراک بصری به مفهوم مرکز نظر افکنده است، غالباً این نیروها را از نوع نیروهای ادراکی و بصری معرفی می‌کند. الکساندر نیز از همین باب وارد می‌شود و به نیروهای مراکز در ترکیبات بصری اشاره می‌کند، اما در نهایت از این حوزه فراتر رفته و نیروی مرکز را نوعی جاذبه فطری معرفی می‌کند که سبب ایجاد احساس قرابت میان مرکز و مخاطب می‌شود. هرچند نوربرگ-شولتس هم جوهره مرکز را مفهوم نیرو می‌داند، اما وی نیز این نیروها را جامع‌تر از نیروهای بصری مدنظر آرنه‌ایم دانسته و آنها را به مثابه عوامل اصلی تکوین و ادراک هستی معرفی می‌کند.

هرچند نظریه‌پردازان مذکور، همه از واژه مرکز استفاده کرده‌اند، اما به مراتب متفاوتی از این مفهوم نظر داشته‌اند. با تعمق بر آراء ایشان، پنج مرتبه برای مفهوم مرکز به دست می‌آید که عبارتند از: مرکز حقیقی، جوهری، معنایی، عملکردی، کالبدی (شامل مصنوع و طبیعی). در این نوشتار پس از شرح اجمالی هر یک از این مراتب، روابط حاکم میان آنها جست و جو می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد، درباره مفهوم مرکز برخی از نظریه‌پردازان هنر و معماری سخنانی گفته‌اند اما آرنه‌ایم، الکساندر و نوربرگ-شولتس

تشخص می‌بخشد. در معماری بیزانسی این محور اهمیتی اساسی دارد، اما بر معبر طولی کمتر تأکید می‌شود. در باسیلیکای صدر مسیحی وضع برعکس این است و محور قائم کمتر عیان می‌شود» (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۶: ۱۶۶). روشن است که اینجا نیز نوربرگ-شولتس انواع مختلفی از مراکز را در پس ذهن خود دارد. یکی مرکزیتی که محراب به علت بار معنایی خود در کلیسا ایجاد می‌کند و دیگری مرکزیتی که فضای کلیسا حول آن انتظام یافته است.

پس در عین وجود اشتراکات در تلقی از مرکز از منظر نظریه پردازان مذکور، هر یک از آنها مراتب مختلفی از مرکز را در پس ذهن خویش دارند. هر چند همه جا از واژه مرکز استفاده می‌کنند و به ندرت پسوند و یا پیشوندی که مبین نوعی تقسیم‌بندی مراکز باشد به کار می‌برند، اما وجود این انواع از فحوای سخنانشان قابل درک است، از این رو برای فهم عمیق‌تر این مفهوم می‌بایست به جستجوی مراتب معنایی مرکز از خلال سخنان نظریه‌پردازان پرداخت. تشخیص و احصاء مراتب مراکز در این نوشتار، ماحصل تحلیل نگارندگان از محتوای سخنان نظریه‌پردازان است.^۷ مرکز حقیقی: با تأمل در آراء نظریه‌پردازان روشن می‌شود که گاهی مراد ایشان از واژه مرکز، همان مرکز حقیقی هستی است که غالباً موضوع بحث ادیان و اندیشه‌های سنتی است. مرکز‌گرایی عالم در طرح‌های کیهان‌شناسی به جا مانده از عرفای اسلامی و رمزپردازی‌های دینی آشکار است. توجه به مرکز از این منظر، در مجلد چهارم کتاب سرشت نظم الکساندر آشکارا دیده می‌شود. همچنین نوربرگ-شولتس از طریق تأمل بر مرکز معنایی اثر تلویحاً به حضور و تأثیر مرکز حقیقی اشاره می‌کند.

نظریه پردازی‌های خود را با محوریت این مفهوم انجام داده اند. هر یک از ایشان از وجهی به مفهوم مرکز تقرب پیدا کرده و اهمیت آن را در آثار هنری و معماری شرح داده‌اند. غرض ما از این پژوهش نظر کردن از همه این وجوه و یافتن پیوندهای آنها با هم است.

۳- مروری بر مراتب مفهوم مرکز

مفهوم مرکز مانند هر مفهوم دیگری دارای مراتبی است و نظریه‌پردازان مختلف هر یک به مرتبه‌ای از آن نظر داشته‌اند. نخستین گام برای شناخت مرکز، شناخت مراتب معنایی آن و خلط نکردن آنها با یکدیگر است.

رودولف آرنه‌ایم که در حوزه ادراک بصری به مطالعه مفهوم مرکز پرداخته، عمدتاً بر روی تأثیر نیروهای مراکز در فضای عینی متمرکز شده است. در حالی که نوربرگ-شولتس، که از منظر پدیدارشناسی به این مفهوم رجوع کرده، بیشتر به تأثیر نیروها در فضای ذهنی بشر پرداخته است. در این میان کریستوفر الکساندر، از تأثیر مراکز در فضای عینی آغاز کرده است: وی در این مرحله نظرات خود را بسیار متأثر از آراء آرنه‌ایم می‌داند^۸، اما با تعمق بیشتر، گام را فراتر نهاده و در نهایت (در مجلد چهارم از مجموعه کتب سرشت نظم) متوجه تأثیر نیروی حاصل از مراکز در فضای ذهنی انسان می‌شود و به شرح آنها می‌پردازد^۹.

نوربرگ-شولتس در رابطه با کلیساهای مسیحی می‌گوید: «اگرچه مرکز معنوی فضا محراب آن است، محراب به ندرت در مرکز فضا به معنای معمارانه آن قرار می‌گیرد و حتی در کلیسای مرکز‌گرای بیزانسی، محراب در انتهای معبری کشیده واقع است. در عوض مرکز معمارانه فضا، محور قائم است که گنبد آسمانی آن را

صراحت می گوید: «احساس، تحرک، نور، راحتی، اقلیم، تعادل عملکردها، قابلیت اتاق‌ها، در تطبیق با رفتارهای رویداده در آن، مهندسی سازه و تولید صنعتی، همه این مفاهیم عملکردی می‌توانند به عنوان مراکز مطرح شوند» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

مرکز کالبدی: مراد از مرکز کالبدی، تمرکزی است که در کالبد آشکار می‌شود. این تمرکز گاهی در مکان طبیعی و گاهی در مکان مصنوع به وجود می‌آید. بنابراین بر حسب مکان ظهور آن مرکز کالبدی مصنوع و مرکز کالبدی طبیعی پدیدار می‌شود.

مرکز کالبدی مصنوع، بخشی از فضا است که به صورت توده یا حوزه ظاهر شده و فضا را حول خود سامان می‌دهد.^{۱۲}

اطلاق واژه مرکز به طبیعت و پدیده‌های آن در آراء نوربرگ-شولتس و الکساندر مشاهده می‌شود. هرچند ایشان از دو وجه متفاوت به مراکز طبیعی نظر افکنده‌اند.^{۱۳}

با تعمق بر مراکز مذکور نوعی روابط داخلی میان آنها آشکار می‌شود، روابطی که موجب می‌شود مراکز موجود در اثر به قوام آیند و در نهایت اثر هنری به کمال مطلوب خود برسد. برای مثال، مرکز جوهری یک پدیده در درونی‌ترین لایه‌های خود به مرکز حقیقی می‌پیوندد. به تعبیر دیگر جوهری‌ترین جوهر در یک پدیده، همان مرکز حقیقی یا حقیقت مستور آن است. این امر در مورد سایر مراکز نیز صحت دارد. مثلاً نوعی ارتباط ظریف میان مراکز عملکردی و معنایی قابل مشاهده است. از این رو تفکیک و تجزیه انواع مختلف مراکز بدون ارائه اصولی جامع برای تقویم و انتظام آنها می‌تواند منجر به سوء برداشت‌هایی از ماهیت وحدت یافته معماری شود. به بیان دیگر،

مرکز جوهری: کریستوفر الکساندر چندین بار از واژه «جوهر»^۸ در تعریف مرکز استفاده کرده است.^۹ هم‌چنین، نوربرگ-شولتس نیز در تفسیر آراء لویی کان، به مفهوم جوهر اشاراتی کرده است.^{۱۰}

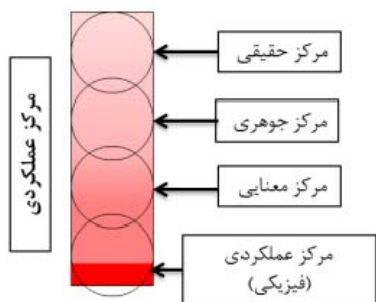
مرکز معنایی: ترکیب «مرکز معنایی» توسط نظریه پردازانی چون نوربرگ-شولتس و رودولف آرنهیم به کار رفته است. واژه معنا را نیز می‌توان دارای مراتبی دانست که هر یک از نظریه پردازان در مرتبی از آن به اظهار نظر پرداخته‌اند. این مراتب را می‌توان این گونه بیان کرد: «معنای ظاهری، استعاری و باطنی» (ندیمی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

مراکز معنایی ظاهری، آن دسته از معانی برخاسته از صورت معماری هستند که بیشتر فرم، رنگ، حالت و جنبه‌های عملکردی یک شیء را بیان می‌کنند. مراکز معنایی استعاری به نشانه‌ای هر یک از صورت‌ها اشاره دارند و آن را به معنایی ارجاع می‌دهند. معانی در ساحت باطنی از مرتبه کارکردها و عملکردهای ظاهری و حتی نشانه‌ها بالاتر می‌روند و ظهورشان در عالم به صورت رمز و نماد آشکار می‌شود.

هرجا کریستوفر الکساندر و نوربرگ-شولتس از اصطلاح «مرکز معنایی» استفاده کرده‌اند، مرادشان مرکز معنایی در ساحت باطنی آن بوده است. الکساندر از تعبیر «من» یا خویشتن برای تبیین مفهوم مرکز معنایی باطنی استفاده کرده است. هم‌چنین با تعمق در جملات نوربرگ-شولتس نکته ظریفی آشکار می‌شود که مراکز معنایی در بناها معانی خود را غالباً از دو منشاء دریافت می‌کند: از مرکز حقیقی و یا از مرکز جوهری پدیده.^{۱۱}

مرکز عملکردی: با رجوع به آراء نوربرگ-شولتس و الکساندر در برخی موارد مراد ایشان از واژه مرکز، عملکرد است. الکساندر به

شامل مجموعه‌ای از مراکز است که به صورت سلسله مراتبی نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند، مثلاً علاوه بر کارکرد فیزیکی یک شیء، زیبایی آن نیز می‌تواند یک مرکز عملکردی آن محسوب شود. کریستوفر الکساندر، زیبایی را به عنوان یکی از عملکردهای پدیده‌ها برمی‌شمارد و معتقد است که عملکرد و زیبایی قابل تفکیک نیستند^{۱۴}. بر همین اساس، انتقال معنا نیز مرتبه‌ای از مراکز عملکردی (غیرفیزیکی) یک پدیده محسوب می‌شود، از این رو دامنه مراکز عملکردی تا مراکز معنایی گسترش می‌یابد. علاوه بر این، مرکز معنایی باطنی معنای خود را از مرکز جوهری و یا مرکز حقیقی در یک پدیده اخذ می‌کند. بنابراین آشکارگی مرکز جوهری یا حقیقی نیز خود نوعی عملکرد تلقی می‌شود. بدین ترتیب دامنه مراکز عملکردی مجدداً گسترش یافته و مراکز جوهری و حقیقی را نیز دربر می‌گیرد. با توجه به این نگرش، طیف مراکز عملکردی و مراتب آن وسعت زیادی می‌یابد. به همین دلیل است که الکساندر می‌گوید: «درک ما از آنچه که عملکرد معنا می‌دهد، بسیار محدود، تنگ‌نظرانه و ماشینی است» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۸۴).



تصویر ۱- دامنه مراکز عملکردی تا مراکز معنایی، جوهری و حقیقی گسترش می‌یابد.

این امر در مورد سایر مراکز نیز صادق است. همان طور که ذکر شد، مراکز معنایی به سه مرتبه

مراکز مذکور، به صورت اجزایی جدای از هم در اثر ظاهر نمی‌شوند، بلکه آنها در یک نظام واحد ادراک می‌شوند. آنچه موجب ایجاد این نظام می‌شود را می‌توان با مفاهیمی توضیح داد. در اینجا این مفاهیم با عنوان اصول قوام‌بخش مراکز آمده‌اند.

اصول قوام‌بخش مراکز کاملاً مبتنی بر برداشت‌های نگارندگان است و ادعایی در استخراج این اصول از اندیشه نظریه پردازان وجود ندارد. هرچند قطعاً تعمق در اندیشه ایشان مقدمات نظری این تألیف را مهیا کرده است، از این رو سعی شده است قرابت‌های موجود میان سخنان ایشان با استنباط‌های نگارندگان هم بیان شود.

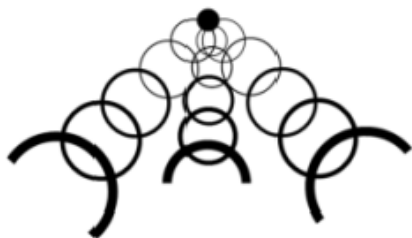
۴- اصول قوام بخش مراکز

دهخدا، قوام را به معنی «نظام و اصل چیزی، انتظام و نظم» معنا می‌کند (دهخدا). اصول قوام‌بخش مراکز از تدقیق و تعمق در پدیده‌های طبیعی و همچنین مصنوعات ارزشمند بشری استخراج شده‌اند، از این رو، این اصول، حقایقی هستند که در بطن هستی وجود دارند، نه صرفاً توصیه‌هایی برای خلق آثار بهتر. در ادامه این اصول در قالب سه اصل مقدماتی مراتب، تقارب و منظومه مراکز و دو اصل مادر تعادل و وحدت مراکز آمده است.

۴-۱ الف. سلسله مراتب مراکز

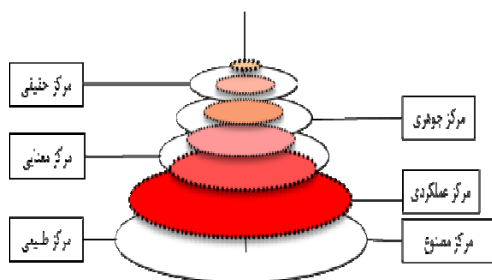
هر یک از انواع مراکز، خود دارای مراتبی است. برای مثال مرکز عملکردی، تنها به یک عملکرد فیزیکی خاص اشاره ندارد، بلکه طیفی از عملکردها را در بر می‌گیرد که از عملکردهای فیزیکی آغاز می‌شود و تا فایده مندی‌های غیر فیزیکی بسط می‌یابد، از این رو مرکز عملکردی،

۴-۱- ب. تقارب مراکز:



تصویر ۴- تقارب مراکز.

با تعمق در اصل قوام بخش سلسله مراتب مراکز، اصل تقارب مراکز آشکار می‌شود. همان‌طور که گفته شد، هریک از مراکز حاوی مراتبی استعلایی هستند که بالاترین مرتبه آنها، منطبق بر مرکز حقیقی است. در نمایه زیر مراتب استعلایی مراکز عملکردی در نظامی متقارب نمایش داده شده است:

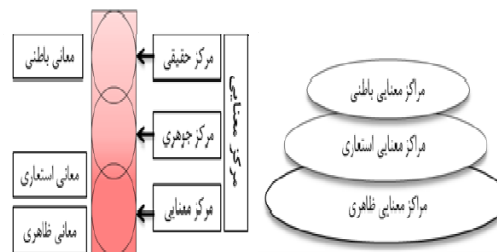


تصویر ۵- مراتب استعلایی و متقارب مراکز عملکردی در ایدئوگرام کلی مراتب مراکز.

نمودار فوق در مورد سایر مراکز نیز صحت دارد. اینکه چگونه هر یک از انواع مراکز سیر استعلایی خود را تا رسیدن به مرکز حقیقی طی می‌کنند، ذیل اصل قبلی شرح داده شد و از تکرار آن خودداری می‌شود.

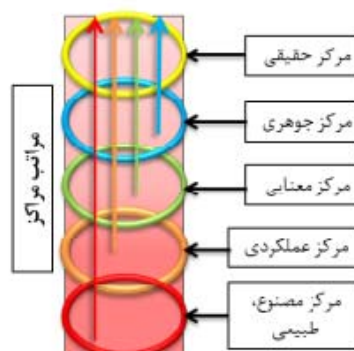
اما علاوه بر همگرا بودن مراکز در سیر استعلایی‌شان که مبین تقارب مراکز است، سیری انبساطی یا افزایشی از مرکز حقیقی تا مراکز طبیعی و مصنوعی نیز مشاهده می‌شود. با توجه به نمایه فوق، مراکز ساختاری هر می شکل دارند. در رأس آن

مراکز معنایی ظاهری، استعاری و باطنی تقسیم می‌شوند. معانی باطنی در پی آشکار کردن مراکز جوهری و حقیقی هستند. از این رو دامنه مراکز معنایی نیز تا سرحد مراکز جوهری و حقیقی استعلا می‌یابد.



تصویر ۶- مراتب مراکز معنایی.

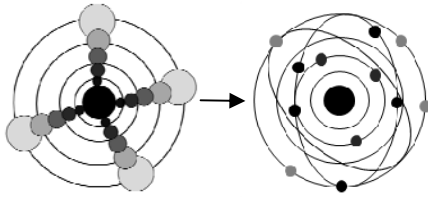
با توجه به مطالب فوق، معمار همواره باید هر مرکز را با توجه به تمام مراتب استعلایی‌اش بیافریند. در این صورت، هر مرکز مصنوعی یا طبیعی موجود در اثر معماری، حاوی عملکردی است و معمار قادر است از این مراکز معنا بگیرد و در آنها جوهر و حقیقت را متجلی سازد. بنابراین هر مرکز شامل همه مراکز دیگر نیز می‌شود و ترکیب و امتزاجی قوام‌بخش میان مراتب مراکز به وقوع می‌پیوندد.



تصویر ۷- کلیه مراتب مراکز.

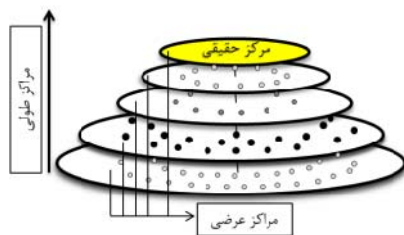
عالی‌ترین مرتبه همه مراکز، اشاره‌ای به مرکز حقیقی دارد. این امر نشان دهنده اصل دیگری است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

مراکز از قوت بیشتری برخوردار است و سایر مراکز را در جاذبه خویش کشیده و جهت‌دار می‌کند.



تصویر ۶- با تعمق بر روی دو اصل قوام بخش مراتب و تقارب مراکز، اصل منظومه وار بودن مراکز حاصل می‌آید.

در هر پدیده‌ای انواع مختلفی از مراکز وجود دارد که برخی از آنها در عرض و برخی دیگر در طول یکدیگر واقع می‌شوند. مطابق آنچه در اصل مراتب مراکز ذکر شد، هر مرکز، خود، شامل مراتبی استعلایی است که در طول یکدیگر قرار دارند. این مراتب مراکز را می‌توان با عنوان مراکز طولی نامید، اما در هر مرتبه از مراتب طولی، مراکز متعددی حضور دارند که با یکدیگر رابطه‌ای عرضی دارند. به تعبیری هیچ‌یک از آنها را نمی‌توان مرتبه استعلایی دیگری دانست^{۱۵}. پس از آگاهی از این نکته روشن می‌شود که اصل منظومه‌وار بودن مراکز، در هر دو گروه مراکز طولی و عرضی صادق است.



تصویر ۷- اصل منظومه‌وار بودن مراکز در مورد مراکز طولی و عرضی صادق است.

با تأمل بر روی اصول مراتب و تقارب مراکز، تصویر زیر مبین نحوه ساماندهی منظومه‌وار مراکز طولی است.

مرکز حقیقی و در قاعده آن مراکز طبیعی و مصنوع است. مطابق این ساختار، تعداد مراکز در جهت سیر استعلایی آنها رو به کاهش است.

مرکز حقیقی همه پدیده‌ها حقیقی مطلق و یگانه است. به همین سبب است که کریستوفر الکساندر پس از تعمق در پدیده‌های طبیعی می‌گوید: «روح مشترکی در مرکزی‌ترین لایه‌های وجودی هر پدیده زنده وجود دارد که موجب می‌شود انسان هنگام مواجهه با آن پدیده، احساس کند که رودرروی خدا قرار گرفته است» (Alexander, 2000, 302).

معمار با رجوع به اصل قوام‌بخش تقارب، همه مراکز مصنوع، عملکردی، معنایی و جوهری را معطوف به یک هدف می‌آفریند. در این صورت، هیچ‌گاه اقتضانات اقلیمی، مانعی در جهت عملکردهای فیزیکی و یا زیبایی اثر محسوب نمی‌شود؛ زیرا که در نهایت همه اعمال معمار و همه اجزای معماری در جهت تقرب به یک هدف مشترک یعنی آشکارگی مرکز حقیقی است و اهداف متکثر نمی‌توانند اختلالی ایجاد کنند. تنها در این صورت است که هر یک از مراکز به حد استعلایی خویش رسیده و ساختاری قوام یافته به وجود می‌آید.

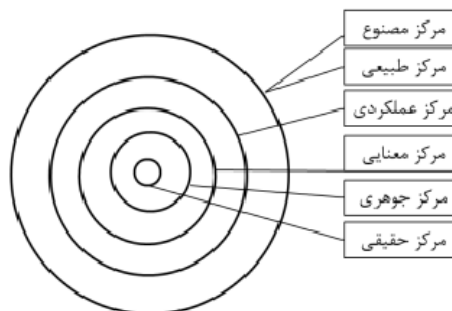
دو اصل مراتب و تقارب مراکز، مقدمه‌ساز آفرینش نوعی نظام پنهان برای ساماندهی مراکز هستند که در اصل بعدی با عنوان منظومه مراکز، شرح داده می‌شود.

۴-۱- ج. منظومه مراکز

با تعمق در انواع مختلف مراکز و همچنین دو اصل مراتب و تقارب، اصل قوام‌بخش منظومه‌وار- بودن مراکز آشکار می‌شود. طبق این اصل، مراکز در انتظامی منظومه‌وار در جوار یکدیگر استقرار می‌یابند. در انتظام منظومه‌ای، همواره یکی از



تصویر ۹- مرکز حقیقی، قطب منظومه مراکز.



تصویر ۸- منظومه مراکز طولی.

برای رسیدن به معماری مطلوب باید کلیه مراکز طولی و عرضی موجود در معماری را در منظومه‌ای مرکز‌گرا سامان داد. اما در این مجال، این سؤال مطرح می‌شود که در منظومه مذکور هر مرکز در چه موقعیتی باید استقرار یابد؟ آیا انتظام منظومه‌ای، موقعیت مراکز نسبت به یکدیگر را نیز تعیین می‌کند؟ در جواب این پرسش، اصل قوام‌بخش دیگری به نام تعادل مراکز مطرح می‌شود که نحوه استقرار مراکز در منظومه را روشن تر می‌کند.

۴-۲- الف. تعادل مراکز:

نقل است از حضرت امیرالمؤمنین (ع) که در تعریف عدل^{۱۸} فرمودند: «عدل یعنی قرار یافتن هر چیز در جای خود» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). هرچند تفاوت ظریفی میان مفهوم عدل و تعادل وجود دارد، اما آنها قرابت زیادی با یکدیگر دارند^{۱۹}. مطابق این تعریف، تعادل مولد نوعی احساس سکون، سکوت و قرار است. علاوه بر این روشن می‌شود که هر چیز، جایگاهی دارد که تنها در آن می‌تواند آرام و قرار گیرد و چنانچه در آن جایگاه نباشد همواره طلبی برای حرکت و رسیدن به آن وجود دارد و از این رو تعادل محقق نمی‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که جایگاه هر یک از مراکز کجاست تا با استقرار بر آن موضع ذاتی‌اش، تعادل بر مجموعه حاکم شود؟

با توجه به آنچه ذیل اصل مراتب مطرح شد، هر مرکز در سیر استعلایی خود به حوزه سایر

در آثار معماری اسلامی، منظومه‌وار بودن مراکز کالبدی مصنوع به وفور دیده می‌شود^{۱۶}، به طوری که همواره، یک مرکز قوی سایر مراکز را ساماندهی می‌کند و منظومه‌ای از مراکز ایجاد می‌شود^{۱۷}. برای مثال، ساماندهی‌های فضایی چهارصفت، آشکارا مبین منظومه مراکز هم‌عرض است.

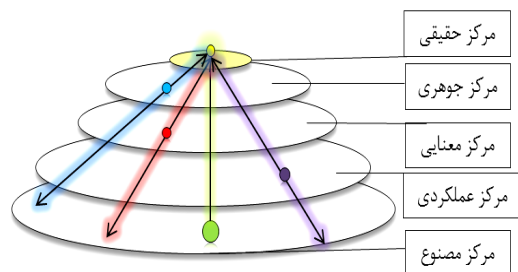
اما توجه به این نکته لازم است که در کلیه بناهای معماری اسلامی، مرکز قوی میانی، تنها یک مرکز در عرض سایر مراکز نیست، بلکه نقطه‌ایست که در آن ارتباط طولی مراکز برقرار می‌شود و منظومه‌ای مرکز‌گرا برای مراکز طولی نیز حاصل می‌آید. مرکز کالبدی مصنوع در بناهای معماری اسلامی یا به صورت باز (الگوی حیاط مرکزی) و یا به صورت بسته (الگوی گنبدخانه‌ای) است. در هر دوی این نمونه‌ها ظرایفی موجود است که مبین اتصال این مرکز به مرکز حقیقی هستی است. حضور آب، قاب کردن آسمان، فضای تهی، همچنین نفوذ نمادین و رمزین نور در فضای میانی مبین این ادعاست، از این رو منظومه‌وار بودن مراکز در معماری اسلامی، تنها به معنای یک ساماندهی فضایی مرکز‌گرا نیست، بلکه مرکز کالبدی مصنوع در این معماری، محمل ظهور مراتب مراکز است. بر این اساس، مرکز حقیقی قطب واحد منظومه مراکز طولی و عرضی است.

قربت مفهومی زیادی با عدم تعارض دارد. به این معنی که نیروهای حاصل از مراکز بر یکدیگر تنشی وارد نسازند. با در نظر گرفتن مراکز طولی و سلسله مراتب مراکز، تعادلی ژرف تر در مرحله‌ای بالاتر محقق می‌شود، از این رو تعادل نیز مانند اصل منظمه وار بودن مراکز در مورد مراکز عرضی و طولی صادق است.

همان طور که ذکر شد، در عالم هستی مراکز مطابق الگوی ترسیم شده در تصویر ۷ یکدیگر را قطبی می‌کنند. یعنی هر مرکزی پس از متعادل شدن با مراکز هم عرض خود، در جاذبه مرکز حقیقی قرار می‌گیرد. پس، تعادل وقتی محقق می‌شود که مراکز در همه مراتب، در جاذبه یک مرکز واحد (مرکز حقیقی) ساماندهی شوند. به عبارت دیگر، اگر یکی از جلوه‌های نازل عدم تعادل، تضاد نیروهای درونی باشد، یکی از راهکارهای رسیدن به تعادل نیز همسو و هم‌جهت شدن مراکز است؛ زیرا در مجموعه‌ای که همه اجزاء همسو و هم‌جهت هستند، تضادهای داخلی کمتر می‌شود.

الکساندر در زمینه تعادل مراکز کالبدی مصنوع (هم‌عرض)، مثال‌هایی را مطرح کرده است. برای مثال، تعامل مراکز مکان مصنوع با یکدیگر را در طراحی یک اتاق نشیمن می‌توان بیان کرد: در اتاق نشیمن همواره کانونی نیاز است که افراد بتوانند حول آن جمع شوند و جهت‌دار شوند. این کانون عناصر متفاوتی می‌تواند باشد، برای مثال «شومینه» و یا «در ژاپن، یک محراب یا شاه‌نشین» و یا حتی در خانه‌های امروزی «تلویزیون» می‌تواند نقش مرکز را داشته باشد. علاوه بر این، «در اتاق نشیمن، یک مرکز قوی دیگر وجود دارد و آن پنجره اتاق است. افراد غالباً دوست دارند که خود را با پنجره اصلی که نور از آن داخل می‌شود،

مراکز گسترش می‌یابد. بنابراین، اگر امکان تجلی هر مرکز در همه مراتب مهیا نشود، آن مرکز در جایگاه خود قرار نگرفته است و میلی درونی برای نیل به موضع حقیقی‌اش دارد و سکون و تعادل محقق نمی‌شود. برای مثال، یک مرکز عملکردی، اگر فقط در عملکردهای فیزیکی خلاصه شود و در ساحت معنا، جوهر و حقیقت سریان پیدا نکند، از تعادل خارج شده است؛ زیرا همواره آرزوی ابراز مراتب عالی‌تر وجودی خویش را دارد. از این رو در یک اثر معماری، زمانی تعادل محقق می‌شود که همه مراکز در همه مراتب، ظهور پیدا کنند.



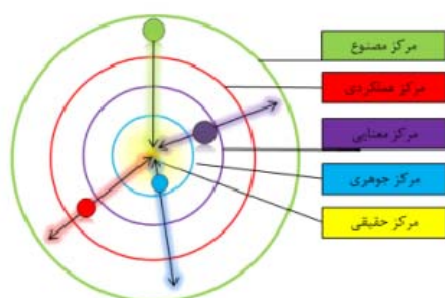
تصویر ۱۰- جایگاه ذاتی هر مرکز طیفی است که از مرکز حقیقی آغاز می‌شود و به مرکز مصنوع خاتمه می‌یابد.

تعادل مفهومی پایدار و دائمی نیست، بلکه تعادل و عدم تعادل (بحران) همواره قرین یکدیگر هستند، به طوری که ادراک مفهوم تعادل همواره در پویایی مستمر محقق می‌شود. «هر تعادل برای ارتقا به تعادل برتر، باید از خویش خروج کند و این خروج را می‌توان بحران نامید. چرخه تعادل-بحران-تعادل یک چرخه طبیعی در نظام هستی است. بدین ترتیب، بحران، برزخ میان دو تعادل است. هنگامی که به نظام تکوین و طبیعت می‌نگریم، در می‌یابیم که این چرخه حرکتی استعلائی دارد.» (ندیمی، ۱۳۸۶: ۳۰). پس، تعادل نیز در مراتبی محقق می‌شود. تعادل ابتدا میان مراکز عرضی به وقوع می‌پیوندد. در این مرتبه، تعادل

این سیر استعلایی را طی می کنند و سرانجام منظومه‌ای از مراکز ایجاد می شود که محمل تعادلی ژرف خواهد بود. اصل وحدت، در واقع اصل قوام بخشی است که مبین حضور همزمان کلیه اصول است.

وحدت، اصلی است که همه مراکز و روابط و مراتب آنها را در کوره خود ذوب کرده و تبدیل به یک مرکز واحد و یکپارچه می سازد. به مدد وحدت مراکز، دیگر تفکیکی میان مراتب متفاوت مراکز وجود ندارد، از این رو با وجود تقطیع و تفکیک مراکز برای سهولت ادراک، جدا انگاشتن آنها از هم عملی متناقض با ذات و گوهر مراکز و همچنین معماری است و میان مراتب مختلف مراکز، درهم تنیدگی و ارتباطی قوی برقرار است.^{۲۱}

مطابق تصویر زیر عاملی که موجب اتحاد دوایر مختلف می شود، یگانه بودن مرکز این دوایر است. به تعبیر دیگر، عنصر قوام بخش، متحد کننده و مشترک میان تمام مراکز، مرکز ایدئوگرام (مرکز حقیقی) است؛ زیرا هر مرکزی در درونی ترین لایه‌های وجودی اش به مرکز حقیقی متصل می شود.



تصویر ۱۱- اصل وحدت موجب می شود حوزه نفوذ هر یک از مراکز به محدوده سایر مراکز گسترش یابد.

هر اقدام صحیحی برای نظم بخشی به مراکز معماری در هر مرتبه‌ای ذومراتب است و به

هم جهت کنند.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۷۲). از این رو، ممکن است میان این مراکز تعارضی به وجود آید و این امر منجر به از دست رفتن تعادل و متعاقباً سکون و آرامش در اتاق شود. کریستوفر الکساندر در این زمینه معتقد است: «اتاق باید به گونه‌ای بنا شود که مرکزی که توسط آتش به وجود آمده و مرکز دیگری که توسط نور خورشید شکل گرفته، هر دو در تشدید مرکز اصلی اتاق عمل کنند و بر خلاف هم عمل نکنند تا یکدیگر را تقویت نمایند نه تضعیف.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۷۲).

آرنه‌ایم انسان را به عنوان یک مرکز بیرونی در تعادل مراکز یک تصویر دوبعدی، مؤثر می داند. (Arnheim, 1988:36) اما در حوزه سه بعدی معماری، که مراکز غیر کالبدی مختلفی از قبیل عملکردی، معنایی و... وجود دارند، یافتن نظامی که این مراکز در آن به تعادل برسند، بسیار دشوار است.^{۲۲}

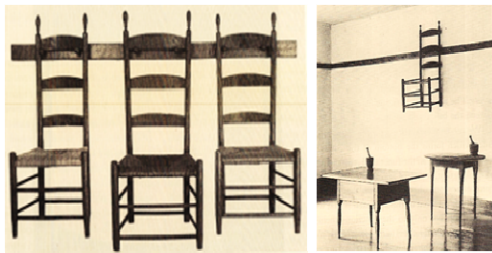
همان طور که قبلاً اشاره شد، تعادل مفهومی ذومراتب است که مثال‌های فوق تنها مرتبه نازل آن را مورد تأمل قرار داده است. از این رو، نباید معنای عمیق تعادل را در همین ساحت نازله ظهورش حصر کرد، بلکه تعادل حقیقی زمانی محقق می شود که همه مراکز، اعم از مراکز طولی و عرضی، در جایگاه خود یعنی جایگاهی که رو به سوی مرکز حقیقی دارد و با سایر مراکز در ارتباط و تعامل و وحدتی دائمی هستند استقرار یابند. تنها در این صورت است که تعادل و وحدت مراکز توأمان حاصل می شود.

۴-۲-ب. وحدت مراکز

مؤثرترین اصل تقویم مراکز، وحدت است. پس از بیان چهار اصل گذشته هر یک از مراکز را باید دارای مراتبی دانست که از فرش تا به عرش گسترش می یابد. هم چنین آنها در نظامی متقارب،

معماری یا هر پدیده دیگری، از عناصر خردی به نام مراکز تشکیل شده است و این مراکز انواع مختلفی اعم از معنایی، عملکردی، مصنوع و... دارند. بلکه این مراکز، مراتب متفاوتی از یک امر واحد هستند. به عبارتی، تلاش برای تجلی عالی هر مرکز بدون متجلی ساختن سایر مراکز توفعی نادرست است. از این رو می توان از اصلی به نام «وحدت مراکز» سخن گفت.

الکساندر در مثالی که از یک اتاق شیکر^{۲۲} می زند گویا در پی بیان وحدت مراکز است. توجه به مراکز عملکردی با کارهای شیکرها در قرن نوزدهم مورد توجه قرار گرفت. برای مثال، آنها میخهای چوبی ای درست کردند و بر روی دیوار نصب نمودند، سپس صندلی ها را از آن آویزان کردند.



تصویر ۱۳- وحدت مراکز در اتاق شیکر، مأخذ:

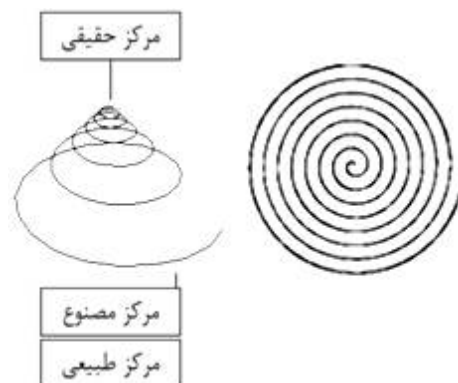
Alexander, 2000, vol1:420

الکساندر معتقد است: «این عمل شگفت انگیز بعد معنایی زیادی داشت. آنها می خواستند کف اتاق را برای مراسمشان تا آنجایی که ممکن است خلوت کنند.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۸۳). در این نمونه قرابت و اتحاد مراکز عملکردی و معنایی تا حد زیادی است که تفکیک آنها از یکدیگر غیرممکن به نظر می رسد. به همین سبب است که الکساندر می گوید: «به اتاق شیکرها به عنوان یک نظام شکل گرفته از مراکز باید توجه کرد.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۸۴). علاوه بر این، الکساندر در ادامه، این ایده ناب شیکرها را حاوی کیفیتی

آشکارگی مرکز حقیقی می انجامد. بدین جهت است که تعادل مراکز در نازل ترین مراتب آنها نیز مطلوبیت خود را در سایر مراتب سریان می دهد. این سریان مطلوبیت از مراکز درونی به بیرونی اتفاق می افتد. برای مثال اگر در طراحی اثری، مرکز جوهری آن مورد تعمق قرار گیرد، احتمالاً مراکز عملکردی نیز در انتظامی منطقی قرار خواهند گرفت.

الگوی ساده شده وحدت مراکز به گونه ای است که حد بالای هر مرکز، حد پایین مرکز فوقانی اش است. البته، حد بالای مراکز، خود مراتب متفاوتی دارد. بر این اساس، هیچ مرزی قطعی نمی تواند مراتب مختلف مراکز را جدا کند و مراکز همواره در حال تبدیل شدن به یکدیگر هستند. پس مراکز را می توان در الگویی اسپیرالی

سامان داد:



تصویر ۱۲- اصل وحدت مراکز در ایدئوگرام اسپیرالی: مراکز متنوع مذکور مراتب مختلف یک حقیقت واحدند.

از این رو تفکیک مراکز، تفکیکی نسبی و اعتباری است، نه مطلق و حقیقی. تفکیکی که تنها برای فهم بهتر مراکز صورت پذیرفت، اما در حقیقت در عالم هستی و معماری، مراکز به صورت وحدت یافته ادراک می شوند. توجه به این نکته، در درک صحیح ایده مراکز بسیار حائز اهمیت است. از این رو هرگز نباید تصور کرد که

این گام در نسبت با گامهای پیشین آن پژوهش بیان شود. پژوهش مذکور در قالب سه گام اصلی انجام شده است که نتایج هر یک از این گامها اجمالاً به شرح زیر است:

در گام نخست (تبیین مراکز) آشکار شد که هر چند نظریه پردازان مذکور در حوزه‌های مختلفی مفهوم مرکز را مطرح کرده‌اند، اما جوهره مشترک سخنانشان را می‌توان توجه به مفهوم «نیرو» دانست^{۲۳}. در گام دوم (تکوین مراکز) وجه افتراق مفهوم مرکز در سخنان نظریه‌پردازان مذکور آشکار گردید و ماحصل آن معرفی پنج نوع مرکز شد^{۲۴}. در انتها، روشن شد که گویا اصولی بالادستی بر مراکز حاکم است.

در گام سوم (تقویم مراکز) که موضوع اصلی این نوشتار است، پنج اصل قوام بخش مراکز شرح داده شد در نهایت روشن شد که مراکز متکثر، مراتب مختلف یک حقیقت واحدند و می‌تواناصل وحدت مراکز را یگانه اصل قوام‌بخش مراکز دانست.

همچنین، لازم به ذکر است که، بهره‌وری صحیح از نظام مراکز در معماری، تحقق پیشین آن در وجود آفریننده‌اش را می‌طلبد. از این روست که برای متعادل شدن مراکز در یک اثر معماری و ظهور و تجلی مرکز حقیقی ابتدا لازم است که وجود طراح در جاذبه مرکز حقیقی قطبی شود.

بر این اساس، کلیه اصول قوام بخش مذکور را می‌توان پنج اصل جهان‌بینی برای معمار دانست. به همین سبب است که اصول مذکور را هرگز نمی‌توان به عنوان احکام طراحی‌ای مطرح کرد که با به کارگیری آنها مطلوبیت اثر تضمین شود، بلکه زمانی مطلوبیت اثر، تضمین‌شدنی است که این اصول جان معمار را سامان دهند. توفیق در این امر از مجرای سخن‌ورزی و دانستن نمی‌گذرد، بلکه از

معنوی می‌داند که شاید بتوان گفت که هدف اصلی به کارگیری این ایده انتقال این معنویت به مخاطب بوده است. وی می‌گوید: «اگر اتاق شیکرها، کاملاً به مثابه یک ماشین در نظر گرفته شود، ماشینی خواهد بود برای القا و تشدید کیفیتی معنوی در افرادی که در این اتاق حضور دارند.» وی در ادامه می‌گوید: «درک این نگرش که این نظام، در آن واحد هم معنوی و هم عملی باشد کار آسانی نیست.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

آنچه که در اتاق شیکرها شگفت‌انگیز است، انطباق و اتحاد مراکز عملکردی، معنایی و حقیقی است. اتحادی که باعث می‌شود حضور یکی بدون وجود دیگری امکان‌پذیر نباشد. «نه تنها آنها ویژگی‌های مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه باهم جمع می‌شوند. این پیوند در اعماق هر مرکزی نهفته است.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

الکساندر وحدت نهفته در هستی را این گونه بیان می‌کند: «شیوه تفکر او (انسان) که از دهه‌های گذشته به ارث برده‌است، وی را مجبور می‌کند که به دو چیز به مثابه دو چیز مجزا از هم بیندیشد: عملکرد و هندسه، عملکرد و تزئین. اما آرام آرام و به تدریج بار دیگر ذهن بشر به باهم بودن بر می‌گردد و دیگر این جدایی وجود ندارد.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۳۱۰).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه معماری ایرانی-اسلامی بر اصول و نظام‌های بنیادین خلقت تکیه دارد، این نوشتار تلاش می‌کند که بخشی از نظم ثابت موجود در هستی را روشن کند تا به مدد آن بتوان معماری اسلامی را بازخوانی کرد.

این نوشتار در واقع گزارشی از گام‌نهایی یک پژوهش بزرگ‌تر است و لازم است در اینجا نتایج

می‌گذارد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان گفت تا وقتی مراکز عینی یک اثر معماری تعادل بصری نداشته باشند، تعادل در مراتب بالاتر آن نیز محقق نخواهد شد؟ پرداختن به صورت معماری مقدم است یا ساماندهی سیرت آن؟ آیا اصلاً می‌توان فرآیند خلق اثر را با این الگو شرح داد؟ آیا این اصول، اصولی انشائی هستند یا اخباری؟ آیا آنها به کمک طراح می‌آیند و یا نقاد و مخاطب؟

سپاسگزاری

با تشکر و قدردانی صمیمانه از راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای دکتر قیومی بیدهندی و آرزوی توفیق روز افزون برایشان.

طریق «شدن» است. تنها در این صورت است که مراد طراح از ساماندهی هر یک از انواع مراکز طبیعی، مصنوع یا عملکردی، آشکارگی مرکز حقیقی خواهد بود و سرانجام معماری وی رنگ و بوی دیگری می‌یابد، از این رو ایده مراکز بر طراح و طراحی وی نقشی مؤثر دارند. این معنا را جامی به شیرینی بیان کرده است:

ذات نیافته از هستی، بخش / کی تواند که شود هستی بخش (جامی)

در پایان، سؤالاتی مطرح می‌شوند که می‌توانند مسیرهای آینده برای تکمیل این پژوهش را نمایان سازند: آیا تحقق و یا عدم تحقق هر یک از این اصول در ساماندهی مراکز کالبدی و عملکردی یک اثر معماری بر سایر مراتب مراکز نیز تاثیر

پی‌نوشت‌ها

- 1- Rudolf Arnheim
- 2- Christopher Alexander
- 3- Christian Norberg Shultz
- ۴- آرناهم در این زمینه می‌گوید: «شکل کلی هر مرکز خود نماینده نوعی بردار نیروست که همانند یک تیر به جهات مختلف فضا گسترده می‌شود.» (Arnheim, 1988: 149). نوربرگ شولتز نیز می‌گوید: «در کل هر فهمی از محیط طبیعی ناشی از تجربه آغازین طبیعت به مثابه انبوه نیروهای زنده است.» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۴۳) کریستوفر الکساندر نیز صریحاً می‌گوید: «آنچه که یک مرکز را مرکز می‌سازد، این است که تا چه حد به عنوان حوزه‌های سازمان یافته از نیروها در فضا عمل می‌کند.» (Alexander, 2002. 116).
- ۵- وی در زیر نویس مجلد اول کتاب سرشت نظم تحت عنوان پدیده زندگی می‌گوید: «کتابی که پیرامون ایده مراکز صحبت می‌کند و به بحث من شبیه است، کتاب نیروی مرکز اثر رودولف آرناهم می‌باشد.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۸۰).
- ۶- وی در این رابطه، به تأثیر مراکز بر عواطف و احساسات عمیق بشری اشاره می‌کند و در نهایت آنها را عامل وحدت اثر با هنرمند می‌داند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به مجلد چهارم کتاب سرشت نظم، کریستوفر الکساندر.
- ۷- برای مطالعه شرح مفصل تر مراتب مفهوم مرکز ر.ک: ندیمی، ضحی و سایرین، ۱۳۹۳، «اطوار مرکز، تحلیلی بر مراتب مفهوم مرکز در معماری»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۵: ۱۱۵-۱۲۹.
- 8- Entity
- ۹- وی می‌گوید: «مراکز، جوهرهای اساسی هستند که جهان از آنها ساخته شده است.» (Alexander, 2002. 90).
- ۱۰- به تعبیر کان جوهر خانه، مفهوم اجتماع خانواده است. به عبارت دیگر خانه بودن خانه به تجمع خانواده در آن است. جالب است که الکساندر نیز معتقد است مرکز خانه، نشیمن است. خواه نشیمن در مرکز هندسی پلان قرار گرفته باشد، خواه هیچ گونه تداعی‌ای از موقعیت مرکزی نداشته باشد (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۲۳).
- ۱۱- مثلاً نوربرگ-شولتز مجسمه مسیح مصلوب (همان محراب) را مرکز معنایی در کلیساهای مسیحیت می‌داند. علاوه بر این وی در جای دیگر محراب را «نماد حقیقت مسیحی» دانسته است. (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۶: ۱۶۸) لذا مرکز معنایی کلیسا مبین مرکز حقیقی عالم از منظر مسیحیت است. گاهی اوقات، مرکز جوهری پدیده در قالب مرکز معنایی باطنی آن نمود عینی می‌یابد.

برای مثال، کریستوفر الکساندر با نمایش پلان یکی از خانه‌های رایت، می‌پرسد که «مرکز معنایی این خانه چیست؟» وی در ادامه پاسخ می‌دهد که «محل اجتماع خانواده» از دوران‌های قبل همواره مرکز معنایی خانه بوده است. اما امروزه «به دلیل فردگرایی و دگرگونی نظام خانواده و روابط خانوادگی، آن توانمندی گذشته را ندارند. پریشان‌حالی خانه امروزی، به دلیل نبود توانایی لازم در چنین کانون‌هایی در یک خانه آشکارا نمایان است.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۲۳) با توجه به اینکه اجتماع خانواده به مثابه جوهر خانه معرفی شده است پس روشن است که مرکز معنایی در جملات فوق، معنای خود را از مرکز جوهری خانه گرفته است.

۱۲- «هر بنا همچون هر جسم فیزیکی که مرکز گرانشی دارد و حول آن در تعادل است، می‌بایست در فضای سه بعدی در اطراف مرکز خویش به تعادل برسد.» (Arnheim, 1988: 204) در این جا مقصود آرناهم مرکز کالبدی مصنوع است.

۱۳- ر.ک. (نوربرگ-شولتنس، ۱۳۸۸: ۲۵-۴۴-۶۹)، (نوربرگ-شولتنس، ۱۳۸۱: ۵۰-۵۲) و (Alexander, 2002: 118).

۱۴- ر.ک. الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۶۵-۲۹۲.

۱۵- مثلاً در یک خانه سنتی، مراکز مکان مصنوع مختلف (اتاق‌ها، مطبخ، تالار، حیاط و) در عرض یکدیگر قرار دارند. در حالی که هر یک از این مراکز فضایی، خود دارای مراکز طولی نیز هستند که دامنه آنها به عملکرد، معنا و جوهر و حقیقت کشیده می‌شود.

۱۶- الکساندر نیز به این امر توجه کرده است. وی می‌گوید: برای رسیدن به اتاق نشیمن بهتر است «از ورودی خانه به اتاق (پیش فضا) و از آنجا به نشیمن برویم تا سلسله مراتبی از مراکز تودرتو بسازیم. پس همانند سرویس جواهرات، سلسله مراتب در انتها به اتاق نشیمن می‌رسد.» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۲۶۸). «در تمام فرهنگ‌ها چنین به نظر می‌رسد که هر آنچه مقدس به حساب می‌آید، در صورتی تقدسش حفظ می‌شود که دسترسی به آن مشکل باشد. دسترسی به آن لایه‌ها و سطوحی داشته‌باشد، مستلزم انتظار باشد، نزدیک شدن به آن تدریجی باشد.» (الکساندر، ۱۳۸۷: ۴۱۷).

۱۷- نوربرگ-شولتنس نحوه شکل‌گیری مراکز کالبدی مصنوع را بر اساس ادراک بشر از مرکز حقیقی عالم شرح داده است. ر.ک. نوربرگ-شولتنس، ۱۳۸۶.

۱۸- در فرهنگ‌های لغت عربی برای عدل معانی یا کاربردهایی ذکر شده است که مهمترین آنها عبارتند از: تعادل و تناسب، تساوی و برابری، اعتدال یا رعایت حد وسط در امور.

۱۹- تعادل در ادبیات غالباً به معنای میانه افراط و تفریط است. اما به نظر می‌رسد میانه بودن شرط اصلی تعادل نیست بلکه ثبات داشتن و ساکن شدن ارجح بر آن است. برای مثال یک پاندول در نقطه میانی به ثبات و استقرار می‌رسد نقطه‌ای که از آن با عنوان نقطه تعادل پاندول یاد می‌کنند. محل تعادل پاندول هر چند در میانه مسیر حرکتش است اما مهمتر از آن نقطه‌ایست که پاندول در آن به ثبات و سکون می‌رسد. آرناهم نیز ثبات را مهم‌ترین اصل برای یافتن نقطه تعادلی ترکیب‌بندی می‌داند و معتقد است که مرکز تعادلی یک ترکیب‌بندی جایی است که چشم مخاطب در آن مکان برای چند لحظه ثابت بماند (Arnheim, 1988: 108-110). از این منظر عدل و تعادل با هم قرابت دارند.

۲۰- دشواری یافتن تعادل در معماری بدین علت است که ترکیب‌بندی در معماری وابسته به زمان است. در نقاشی و یا مجسمه-سازي نقطه تعادلی در جای خود به صورت ایستا باقی می‌ماند و ساماندهی اشکال پیرامون آن ثابت می‌ماند. در معماری امری پیچیده‌تر وجود دارد. هر بنای معماری نیز واجد نوعی مرکز تعادلی در داخل است. آرناهم معتقد است: «ناظری که در بنا قرار دارد می‌بایست هر لحظه بتواند موقعیتی ذهنی از مرکز تعادلی داخلی را بیابد.» اما ناظر وقتی فضاهای مختلف را طی می‌کند، در هر لحظه موقعیت فضایی که در آن قرار دارد را می‌سنجد، هم با فضایی که در درون آن قرار دارد و هم فضاهایی که در همجواری آن فضا جای گرفته‌اند. این امر «معماری را به تجربه‌ای در سکانس‌های زمانی» تبدیل می‌سازد (Arnheim, 1988: 212).

۲۱- شوان در خلال سخنانش گویی قصد بیان این انطباق مراکز مختلف در معماری اسلامی را دارد. وی می‌گوید: «برای ارائه تصویری از اصول هنر سنتی، چند مورد معدود از عام‌ترین و مقدماتی‌ترین این اصول را خاطر نشان خواهیم شد: اثر اجرا شده باید با کاربردی که برایش در نظر گرفته شده است منطبق باشد و باید آن انطباق را به بیان آورد. اگر نوعی رمزپردازی اضافی در کار باشد باید این رمزپردازی با رمزپردازی ذاتی آن شیء منطبق باشد. باید هیچ تعارضی میان اصلی و فرعی وجود نداشته باشد بلکه نوعی انسجام سلسله‌مراتبی داشته باشد که علاوه بر این از خلوص همان رمزپردازی ناشی شود. نوع رفتار با مواد اولیه مورد استفاده

باید منطبق با سرشت همان مواد اولیه باشد. به همان سان که خود مواد اولیه باید منطبق با کاربرد شیء مورد نظر باشند. بلاخره اینکه شیء نباید این توهم را که چیزی غیر از همانی است که واقعاً هست ایجاد کند، زیرا چنین توهمی همیشه تصویری نامطبوع از بلااستفادگی را در ذهن می‌نشانند.» (شووان، ۱۳۸۳: ۵۱ و ۵۲).

22- A Shaker Room

- ۲۳- نتیجه این گام از پژوهش در این مقاله آمده است: ندیمی، ضحی و دیگران، ۱۳۹۲، «بازخوانی مفهوم مرکز (تبیین مفهوم مرکز از دیدگاه سه اندیشمند حوزه هنر و معماری)، نشریه صفا، شماره ۶۳: ۱۴-۳۵.
- ۲۴- نتیجه این گام از پژوهش در این مقاله آمده است: ندیمی، ضحی و سایرین، ۱۳۹۳، «اطوار مرکز، تحلیلی بر مراتب مفهوم مرکز در معماری»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۵: ۱۱۵-۱۲۹.

منابع و مأخذ

- اردلان، نادر. بختیار، لاله. (۱۳۷۹). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ با پیشگفتاری از سید حسین نصر. چاپ اول. تهران: نشر خاک.
- آرنهیم، رودولف. (۱۳۸۶). هنر و ادراک بصری، روانشناسی چشم خلاق. ترجمه مجید اخگر. تهران: سمت.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). سرشت نظم، ساختارهای زنده در معماری. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش.
- الامام علی بن ابیطالب امیرالمومنین علیه السلام. نهج البلاغه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شووان، فریتوف. (۱۳۸۳). درباره صورت‌ها در هنر. هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر)، گردآورنده و مترجم انشاءالله رحمتی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران: ۴۱-۶۶.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). کلک دوست، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۵). درسهایی از معماری سنتی ایران. مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری، موزه حمام علی قلی آقا. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان: ۹۷-۱۰۸.
- نوربرگ شولتس، کریستیان. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان. ترجمه علیرضا سید احمدیان. تهران: مؤسسه معمار نشر.
- _____ (۱۳۸۶). معنا در معماری غرب. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- _____ (۱۳۸۸). روح مکان. به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: انتشارات رخداد نو.
- Alexander, C. (2002). THE NATURE OF ORDER. Berkley California: The center for Environmental Structure.
- Arnheim, R. (1988). THE POWER OF THE CENTER, A study of composition in the visual arts. London: University of California press.

سنجش امنیت شهری در محله فرحزاد تهران با استفاده از روش تحلیل عاملی

مصطفی عباسزادگان^۱، مینا فیروزیان^{۲*}، مریم روحانی شهرکی^۳

۱- دکترای طراحی شهری، دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۳- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۵/۰۷/۱۳)

چکیده

"امنیت" از مهم‌ترین کیفیت‌های فضاها شهری است. بدون وجود این کیفیت، هرچند فضاها قابلیت‌های بسیاری را در خود داشته باشند، حضور مردم در آن کم‌تر بوده و این خود باعث بی‌رونقی و تشدید ناامنی می‌شود. این ویژگی را شاید بتوان در برخی محلات شهر تهران شاهد بود. محله فرحزاد به‌عنوان بستری با توانایی‌های فراوان، از جمله فضاهای ذکر شده به‌شمار می‌آید. فرحزاد در منتهی‌الیه شمال‌غربی منطقه ۲ شهر تهران واقع شده و به علت وجود اماکن زیارتی، آب و هوای مطلوب، روددره و واحدهای پذیرایی، محدوده‌ایی شناخته شده میان شهروندان تهران به‌شمار می‌آید. با این حال علاوه بر خصوصیات مثبت، دارای شرایط ویژه‌ای به‌لحاظ پراکنش زمین‌های رها شده، طبیعی در معرض آسیب، ساخت و سازهای نامطلوب در حریم روددره و غیره نیز می‌باشد. این عوامل در کنار وضعیت سکونت که اکثراً مهاجرنشین و از قومیت‌های مختلف هستند موجب شده تا محله فرحزاد با آسیب‌های اجتماعی خاص مواجه شود. در این مقاله که حاصل یک پژوهش است، سعی بر آن شده تا ضمن بررسی و شناسایی شاخص‌های موثر بر امنیت شهری از دیدگاه صاحب‌نظران و دست‌یابی به داده‌ها با توجه به آن‌ها در محله فرحزاد، به دسته‌بندی شاخص‌ها در قالب عوامل کلی مرتبط، با روش تحلیل عاملی پرداخته شود. در واقع با استفاده از این روش ۳ عامل نام-گذاری شده‌اند که عامل اول (فرم فضایی و کنترل اجتماعی) مهم‌ترین عامل در تعیین میزان امنیت در این محله به‌شمار می‌آید. این نتیجه نشان می‌دهد که اولویت در بهبود امنیت محله فرحزاد توجه به عامل ذکر شده و در مراحل بعد عوامل دیگر که شامل تناسب میان عملکرد، کالبد و قشر اجتماعی و عامل فضاهای عمومی سرزنده و خوانا است، می‌باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت، فضاها شهری محلات، تحلیل عاملی، محله فرحزاد

پرسش‌های پژوهش

۱. شاخص‌های موثر در سنجش امنیت یک محله از دیدگاه صاحب‌نظران چه هستند؟
۲. چه عواملی منتج از این شاخص‌ها موجب حس ناامنی کاربران در محله فرحزاد است؟
۳. اولویت‌بندی عوامل ایجاد حس ناامنی بر اساس دیدگاه کاربران در محله فرحزاد به چه صورت می‌باشد؟

استفاده از تحلیل عاملی به خلاصه و دسته‌بندی نمودن این شاخص‌ها می‌پردازد، با این روش میزان امنیت در جامعه نمونه (محله فرحزاد) مورد ارزیابی قرار گرفته و در انتها عوامل و اولویت‌بندی آن‌ها بر اساس شاخص‌های مستخرج از دیدگاه کاربران مشخص شده است.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه و زمینه نظری مباحث جرم‌شناسی شهری را باید حداقل از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و مطالعات اولیه اکولوژی شهری مورد بررسی قرار داد. اکولوژی شهری برای اولین بار در سال ۱۹۱۶ در زمینه بررسی‌های شهری به وجود آمد و طی دهه ۱۹۲۰ مطالعات اکولوژی اجتماعی شهرها به شدت از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو تاثیر پذیرفت. علم اکولوژی شهری را رابرت پارک بنیان نهاد. در تعریف اکولوژی شهری (انسانی)، آن را علم شناسایی روابط متقابل میان انسان و محیط ذکر کرده‌اند. دیدگاه اکولوژی شهری در سیر تکوینی خود مشخصاً به بررسی پدیده‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت و امراض روانی در شهرها و در ارتباط با بخش‌های مختلف شهر و ترسیم نقشه‌های مربوط به آن اختصاص یافت که طی آن در پاره‌ای مناطق داخلی شهرها و یا محلات شهری به‌عنوان حوزه‌های جرم و جنایت و حوزه امراض روانی معرفی گردیدند (صالحی، ۱۳۸۷).

۲-۱- سیاست‌های اتخاذ شده جهت افزایش امنیت در دو شهر بارسلونا و بوگاتو

این تحقیق کاربردی برای افزایش امنیت فضاهای شهری در دو شهر بارسلونا و بوگاتو با هدف پیشگیری از جرم انجام گرفت. طبق نتایج به

۱- مقدمه

توجه به کیفیت فضاهای شهری و روش‌هایی برای ارتقاء آن از دغدغه‌های اصلی طراحان شهری است. یکی از هنجارهای تامین‌کننده کیفیت، امنیت شهروندان است که شهرسازان سعی می‌کنند از طریق برنامه‌ریزی و طراحی امکان وقوع جرایم شهری را کاهش دهند.

آنچه امروزه در شهرهای بزرگ، خصوصاً تهران اهمیت امنیت را پررنگ‌تر می‌نماید، رشد بی‌رویه شهرها، توسعه محلات بدون در نظر گرفتن ضابطه‌ها و عدم کنترل کافی بر آن است. هرچند استفاده از امکانات و تجهیزات به منظور جلوگیری از وقوع جرم و بزه تا حدودی چاره‌ساز است، ولی عوامل دیگری از جمله انسجام اجتماعی، مشارکت ساکنین محله‌ها و... نیز در تامین امنیت محله موثرند.

در مورد مفهوم امنیت و جنبه‌های مختلف آن ابهاماتی وجود دارد، عده‌ای بیشتر بر جنبه عینی آن تاکید دارند و عده‌ای آن را به عنوان احساس رضایت‌مندی از نیازهای اولیه انسانی در نظر می‌گیرند.

بدین منظور مقاله حاضر ابتدا به استخراج شاخص‌های موثر در امنیت فضاهای شهری از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف پرداخته و سپس با

تحت کنترل ساکنانش قرار داد (Newman, 1973).

۲-۴- تحقیقات داخلی انجام گرفته در ارتباط با امنیت و سیاست‌های اتخاذ شده

در تحقیق انجام شده توسط حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱) درباره بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در شهر تهران پرداخته شده است که تاثیر مستقیم سرمایه اجتماعی درون گروهی بر احساس امنیت بسیار ضعیف و قابل چشم پوشی و سرمایه اجتماعی برون گروهی تاثیری مستقیم بر احساس امنیت داشته است (هاشمیان فر و دیگران، ۱۳۹۲).

افتخاری و همکاران در سال ۱۳۹۰ نیز در بررسی کیفیت زندگی در مناطق روستایی به شاخص‌های کیفیت سلامت و امنیت اشاره کرده‌اند و موارد آن را چنین برشمرده‌اند: دسترسی به پلیس، وجود اتحاد و انسجام و در نگرفتن نزاع بین ساکنان، امنیت در شب و فقدان هرگونه خطر در هنگام رفت و آمد ساکنان. محمودی و قورچی بیگی (۱۳۸۸) همچنین در مقاله‌ای با نام نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، به بررسی نقش طراحی اصولی فضاها و بناها و همچنین کاربری مناسب در کاهش شکل‌گیری فرصت‌های بزهکاری پرداخته است و نقش اجرایی شدن این روش را در کاهش جرایم بسیار موثر ارزیابی می‌کند.

کلاتری (۱۳۸۰) نیز در رساله دکتری خویش در دانشگاه تهران به بررسی جغرافیایی توزیع جرایم در شهر تهران پرداخته است. نتیجه این پژوهش نشان از رابطه مستقیم میزان روشنایی، تراکم جمعیت، سروصدا، ارتفاع ساختمان‌ها و میزان شلوغی خیابان‌ها، معابر، میدان‌ها و دیگر

دست آمده، سه رکن اصلی برای پیشگیری از جرم و کاهش احساس ناامنی شامل ۱- اجرای قانون (بهبود ارتباطات و دسترسی با اجرای قانون و نظارت محله‌ای)، ۲- شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر (زنان، کودکان و ...) با انجام اقدامات پیشگیرانه اجتماعی و ۳- برنامه‌ریزی برای بهبود روشنایی فضاها، شهری و مدیریت کالبدی و محیطی آن هستند (petrella, 2004).

۲-۲- اقدامات اتخاذ شده جهت افزایش امنیت در فضاها، شهری سیدنی

شهردار سیدنی در سال ۱۹۹۵ گروه ویژه امنیتی را به منظور کاهش وقوع جرم در شهر سیدنی تشکیل داد، بدین منظور ابتدا مکان‌های وقوع جرم را شناسایی نمود و اقدامات ۱- طراحی محیطی به گونه‌ای که از وقوع جرم جلوگیری نماید. ۲- افزایش میزان نظارت بر فضاها، عمومی شهر و ۳- افزایش میزان مشارکت شهروندان را جهت افزایش امنیت این فضاها در نظر گرفت (Coumarelos, 2001).

۲-۳- مطالعه وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک و اتخاذ نظریه فضای قابل دفاع

اسکار نیومن بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها بسیار تاکید کرده است. بر اساس مطالعه وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پرخشونت، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند. وی سه عامل ۱- بیگانگی، ۲- عدم وجود نظارت و ۳- در دسترس بودن راه فرار را باعث افزایش جرم در محله‌های مسکونی بر می‌شمرد. نیومن معتقد است که با استفاده از ساز و کارهای نمادین، شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را

فضاهای شهری با جرایم دارد (زیاری و دیگران، ۱۳۹۰).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته اکثر سیاست‌های اتخاذ شده جهت افزایش میزان امنیت بر پایه نظارت، کنترل و مشارکت شهروندان، طراحی و مدیریت محیطی و انسجام اجتماعی استوار است.

۳- تبیین مبانی نظری و چارچوب مفاهیم پایه‌ای پژوهش

۳-۱- تعاریف موجود در زمینه موضوع پژوهش در ادبیات شهرسازی جهان

فرهنگ معین امنیت را چنین تعریف می‌کند: ایمن شدن، درامان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی (معین، ۱۳۷۸). مفهوم امنیت به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال برمی‌گردد (عسگری، ۱۳۸۹). مدل لنگ (نیازهای انسانی) که با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای "مازلو"، تدوین شده است، سلسله مراتب و روابط بین نیازها را در قالب دسته‌های مشتمل بر نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی و امنیت، نیاز به وابستگی و احساس تعلق، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن و خودشکوفایی و نیازهای شناختی - زیباشناختی طبقه‌بندی نمود (عباس‌زادگان و روستا، ۱۳۸۷) و امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اساسی در مرتبه دوم، پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار داده است.

۳-۲- مستندسازی و استخراج معیارها و شاخص‌های سنجش امنیت شهری با بهره‌گیری از متون معتبر پژوهشی

به منظور استخراج معیارها و شاخص‌هایی که بتواند امنیت شهری را مورد سنجش قرار دهد از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام پذیرفته است در این بخش استفاده شده است. دامنه بررسی‌های

انجام شده در کشورهای اروپایی و آمریکایی در ابتدا شامل بررسی‌های «اسکار نیومن» و قبل از آن «وود» (۱۹۶۱)، «جیکوبز» (۱۹۶۱) و «آنجل» (۱۹۶۹) «اولین نسل نظریه پردازان محیط کالبدی» می‌شد. دومین نسل از این تئوریسین‌ها در قالب «تئوری جلوگیری از جرائم توسط طراحی محیط» (CPTED) به میدان آمدند که مفسران اولیه آن «جفری» (۱۹۷۱) و بعدها «تایلور و هارل» (۱۹۹۲) و... مطرح شدند و بر این عقیده بودند که یک عنصر جدید در عقاید جرم‌شناسی به شرایط پیرامون یک حادثه یا جرم تمرکز دارد تا روی عامل جرم (حشمتی، ۱۳۸۴).

جین جیکوب در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی بیان نموده است: "می‌بایست چشم‌هایی همواره خیابان را بنگردد. چشم‌های کسانی که ما آن‌ها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم و پیاده‌روهای خیابان می‌بایست به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر نگاه‌های موثر بر خیابان افزوده شده و به مردم ساکن در خیابان، نگریستن به خیابان آموزش داده شود. بنابراین وی بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تاکید می‌نماید" (Jacobs, 1965).

گیلس (۲۰۰۸) نیز به نظارت طبیعی بر خیابان‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها چنین بیان می‌کنند که در مناطق مسکونی، نظارت طبیعی را می‌توان از طریق طراحی مسکونی با هدف به حداقل رساندن موانعی که مانع دید می‌شود، افزایش داد و ساکنان را برای مشاهده خیابان تشویق نمود (Giles, Corti: 2008). اسکار نیومن، سه عامل ایجاد جرم در محله‌های مسکونی را در کتاب فضای قابل دفاع، مردم و طراحی در شهر پر خشونت چنین بر می‌شمرد:

بیگانگی: مردم بیگانگان را نمی‌شناسند.

عدم وجود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی، بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می‌کند.

در دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند (Newman, 1973). تأکید اصلی نیومن، بر فضاهای قابل دفاع بود. طبق نظریات نیومن بازداشتن از ارتکاب جرم و کاهش جرایم یعنی:

✓ توان‌مندی طراحی کالبدی در ایجاد یک "قلمرو حس مالکیت" در فرد (تقویت گزینه طبیعی مالکیت و قلمرو)

✓ توان‌مندی طراحی کالبدی محیط در ایجاد موقعیت نظارت و مراقبت شهروندان

✓ قادر بودن طراحی کالبدی در آگاهی دادن به جدایی حریم‌های عمومی از خصوصی و یا نیمه عمومی و نیمه خصوصی

✓ توان‌مندی طراحی کالبدی محیط در تشویق شهروندان به حضور در فضاهای عمومی و حفظ آزادی رفت و آمد به مکان‌های عمومی و حفظ اموال شخصی

✓ توان‌مندی طراحی کالبدی به سخت کردن اهداف مجرمانه و منصرف شدن آن‌ها از ارتکاب جرم

✓ توان‌مندی طراحی کالبدی به ترغیب حس مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به فضاهای عمومی (صالحی، ۱۳۸۷).

در واقع مناطقی که دارای نرخ بالایی از بی‌تمدنی اجتماعی (مانند همسایگان پرسروصدا، فحشا، قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های مربوط به باند) و کالبد نامطلوب (مانند خرابکاری، نقاشی روی دیوار، تجمع زباله‌ها و...) است ممکن است به عنوان فضای عمومی تعریف نشده تصور شود

(Pitner, 2012) و حضور شهروندان و حس مسئولیت آنان نسبت به آن فضا بسیار کم رنگ است.

هیلیر نیز معتقد است: حضور مردم چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقا داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد (Hiller, 1996). او مفهوم هم‌حضور را نیز در فضا معرفی می‌کند. هم‌حضور به معنای حضور هم‌زمان گروه‌های اجتماعی مردم در یک فضای شهری مشترک است. هم‌حضور در فضا سبب نوعی برقراری امنیت غیر عامل می‌شود.

آلیس کولمن معتقد بود مسکن عمومی مرتفع مسائل اجتماعی زیادی به دنبال دارد. وی استدلال می‌کند که این نوع مسکن اکنون با رفتارهای ناشایست زیادی از قبیل دیوارنویسی، ریختن آشغال، فضولات و کثافت همراه است. وی به طور مشخص طرح این نوع مکان را در ایجاد این چنین مسائل اجتماعی موثر می‌داند. وی مانند نیومن معتقد است که جرم و بزهکاری و غیره در مناطقی رخ می‌دهد که ساکنان آن نمی‌توانند بر رفت و آمدهای ساختمان مسکونی نظارت و اشراف داشته باشند (Coleman, 1999).

نوع دیگری از پیشگیری، اولین بار توسط کلارک انگلیسی (۱۹۹۲) معرفی شد. مبنی بر اینکه جرم را می‌توان با وضعیت وقوع جرم مرتبط دانست و از این رو جرم را می‌توان از طریق طراحی و اصلاح محیط کالبدی تعدیل کرد. کلارک در نظریه خود پیشگیری از جرم را نیز به شرح ذیل تعریف کرد: "پیشگیری از موقعیت‌های جرم با هدف نابود کردن فرصت‌های جنایی ایجاد می‌شود و آن شامل ابزارهای جهت کاهش فرصت ارتکاب جرم است که به سوی بعضی از اشکال

در جایی دیگر اصول اجتماعات امن به پنج مورد به شرح زیر تقسیم بندی شده است:

۱- قابلیت رویت دیگران: توانایی رویت احاطه شدن شخصی بصورت واضح و آشکار و توانایی تشخیص و ارزیابی نمودن بیگانگان، توانایی بررسی بصری راه‌ها و ناحیه‌هایی که در مجاورت موقعیت شخص وجود دارد.

۲- قابلیت رویت توسط دیگران: این اصل برگرفته از نظریات جیکوب (۱۹۶۱)، نیومن (۱۹۷۲) و وایت (۱۹۸۸) می‌باشد. یک اصل اثبات شده که مردم در شهرها احساس امنیت بیشتری می‌نمایند تا زمانی که در یک ناحیه شهری بزرگ تنها باشند.

۳- انتخاب و کنترل: این دو نیز اصولی هستند که اجازه آزادی فردی و فعالیت در فضای عمومی را می‌دهند.

۴- آگاهی به محیط و خوانایی آن: یعنی توانایی دیدن و فهم فوری محیط.

۵- وجود گوشه‌های خلوت در فضاهای عمومی بدون کناره‌گیری و ترک نمودن فضاهای عمومی (Luymes & Tamminga, 1995).

جان لنگ نیز در تحلیل طراحی شهری شهرهای آمریکایی به دو بعد ایمنی و امنیت در شهرها توجه دارد:

بعد جسمانی: نیاز به دور بودن از صدمه جسمانی، تا احساس امنیت در مقابل حیوانات وحشی، حمله، تجاوز و انواع مختلفی از تصادفات وجود داشته باشد.

بعد روان‌شناسی: نیاز به شناختن مکان و آگاهی از فضا و زمان (Lang, 1994).

احساس ناامنی، خشونت و یا بی نظمی زیاد در محیط محله می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم، احساس پریشانی، ناتوانی و ترس را افزایش دهد

حاد جرم هدایت شده است. این امر نیازمند مدیریت، طراحی یا دست‌کاری محیط برای ایجاد یک سیستم روشن‌مند است، به گونه‌ای که تلاش و خطر ارتکاب جرم را افزایش و مزایایی را که در نظر مجرمین جلوه می‌نماید کاهش دهد. این روش توسط تئوری‌های متعددی که با مسئله جرم مرتبط هستند پشتیبانی می‌شود که شامل فعالیت منظم و چشم‌انداز فرصت‌ها می‌شود" (صالحی، ۱۳۸۷). بر اساس نظریه‌های "جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" و فضای قابل دفاع، رفتارهای شهروندان برای حفاظت خود در برابر موقعیت‌های جرم‌خیز را می‌توان به سه صورت دسته بندی نمود:

۱- کنترل دسترسی: یعنی سخت کردن دست-یابی به هدف و محدود کردن ورود غیر قانونی است.

۲- نظارت: فعالیتی است برای جلوگیری از جرم است و شامل رفتارهای مراقبتی شهروندان مانند گزارش کردن فعالیت‌های مشکوک یا جرم‌آمیز، نگهبانی رسمی یا غیر رسمی و اصلاح محیط فیزیکی برای افزایش حوزه قابل مشاهده می‌باشد.

۱- قلمروگرایی: رفتارهای شهروندان (مانند تعیین کردن مرز املاک توسط علائم سمبلیک) که نشان‌دهنده علایق مالکانه نسبت به دارایی‌هاست که تحت عنوان "قلمروگرایی" دسته بندی می‌شوند (Lavrakas, 1980).

& Lewis در نظریه محیطی، به نقش بارز الگوی مسکن، ساخت خانه‌ها و ساختمان‌ها، طراحی محیط ساخته شده و ساختار کالبدی و فیزیکی فضاهای شهری تاکید می‌گردد. در این نظریه تلاش بر کاهش جرائم از طریق طراحی محیطی است (هاشمیان‌فر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۹-۱۷۰).

اثراتی که حرکت‌های آن‌ها را محدود می‌کند و به‌ویژه باعث می‌شود بعد از تاریک شدن در خانه بمانند و فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی زنان از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر کار کردن تا دیر وقت یا شغل‌هایی که شیفتی هستند یا کلاس‌های عصر و فعالیت‌های نظیر آن خارج می‌شوند (Mtani & Lubuva, 2004).

علاوه بر موارد ذکر شده، نوع دیگری از انواع امنیت به نام امنیت اجتماعی نیز مطرح می‌شود؛ می‌توان گفت از دیدگاه ویور امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تاکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند (نویدینیا، ۱۳۸۲). پس می‌توان بیان نمود، امنیت اجتماعی دارای نقش اساسی در ساختار امنیتی شهر است؛ چرا که بواسطه قرارگیری انسان‌ها در کنار هم و میزان تعاملات و کنش‌های اجتماعی و ارتباطی آن‌ها شکل می‌گیرد (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۷).

با توجه به نظریه‌های مختلف بیان شده از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف می‌توان شاخص‌های امنیت شهری را به صورت جدول ۱ جمع‌بندی نمود.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر در محله فرحزاد که در منتهی‌الیه شمال‌غربی منطقه دو شهر تهران واقع می‌باشد و مرز غربی آن مسیل فرحزاد است، صورت گرفته است. جمعیت محله طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ شامل ۵۱۹۶ نفر می‌باشد.

(Mair, 2010). در واقع شهرهای قابل زندگی باید محیطی فارغ از آزار و اذیت، شلوغی و ازدحام، سروصدا و آلودگی صوتی، خطر و آلودگی‌های محیطی را برای همه ساکنین فراهم نمایند تا آن‌ها توانایی ایجاد روابط ایمن و راحت را با یکدیگر داشته باشند. بنابراین امنیت اثر بسیاری بر نوع کیفیت زندگی در شهرها می‌گذارد (OECD, 1995). جغرافی دانان و متخصصان جرم‌شناسی در توضیح رابطه بین جرم و موقعیت، به طراحی فیزیکی قلمرو عمومی اشاره دارند؛ زیرا این مهم می‌تواند در تعیین این که آیا یک فضا می‌تواند هدفی دارای پتانسیل برای فعالیت‌های مجرمانه باشد یا خیر، تاکید کند. (Yuen, 2004).

وود و همکاران (۲۰۰۸) نیز دریافتند که سطح بالای نگهداری محله (مانند نگهداری باغچه، جمع‌آوری زباله و نظافت محیط و...) رابطه مستقیمی با وجود احساس امنیت و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان دارد (Knuiiman, 2011).

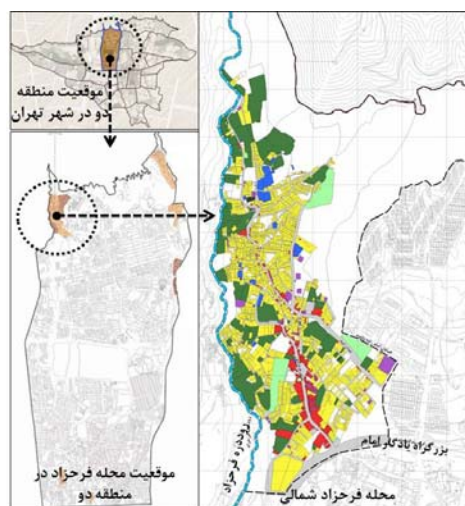
در گزارش کنفرانس لندن (۲۰۰۳) جنسیت به عنوان پیش‌بینی کننده‌ترین عامل ترس، یافت شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و حس امنیت آنان نیز متفاوت، اما عموماً زنان ترس بیشتری را احساس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کم‌تر از مردان قربانی شوند، ولی به طور کلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. مثلاً هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند، ولی درجه‌ی حس ناامنی در زنان بالاتر است. ترس از وقوع جرم و قربانی شدن، رفتار و حالات رادر فضاهای عمومی شهری تغییر می‌دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است،

جدول ۱- مستندسازی و استخراج شاخص‌های سنجش امنیت شهری بر اساس موارد مستخرج از رویکردهای صاحب‌نظران و پیشینه تحقیق

شاخص‌ها / صاحب نظران	تبود	احساس امنیت به شلوغی و ازدحام	احساس امنیت فر زنان	امنیت اجتماعی (انجام اجتماعی)	امنیت به لحاظ روانی	کیفیت فعالیت‌ها	نوع عملکردها	وضعیت تفریحی/تفریها	آسایش محیطی	آسایش بصری	فرم فضا	اندازه فضا (مقیاس انسانی)	تسهیل در دسترسی (شهروندان)	وجود فضاهای عمومی (حضور شهروندان)	عوامل محیط و آگاهی به آن	سخت بودن انجام جرم	کنترل و نظارت	نظارت و مراقبت از فضا	تفریح و تفریح‌های عمومی (و خصوصی)
Pitner 2012	*					*				*									
Knuiman-2011					*									*					
Mair 2010	*				*														
Giles corti-2008									*	*	*	*				*			*
Lubuva Mtani 2004			*	*															*
Petrella-2004			*					*	*		*	*				*			*
Yuen-2004											*	*				*			*
Coumarelos-2002				*							*	*							*
Hiller-1996					*	*	*				*	*		*					*
OECD-1995	*	*		*					*	*									*
Wekerle Whitzman 1995															*				*
Luyms Tamminga 1995															*				*
Lang-1994		*		*															*
C.P.T.E.D-1992					*	*	*								*	*	*	*	*
Clark-1992															*	*	*	*	*
Coleman-1985															*	*	*	*	*
Wilson Kelling-1982															*	*	*	*	*
Lavarkas Lewis-1980															*	*	*	*	*
Newman-1973			*	*	*	*	*								*	*	*	*	*
Jacob-1965				*	*	*	*								*	*	*	*	*
Flashmianfar & others-۱۳۹۱			*	*	*	*	*				*	*			*	*	*	*	*
Ziani & others-۱۳۹۰	*		*	*	*	*	*		*	*	*	*		*	*	*	*	*	*
Bemarian				*	*	*	*								*	*	*	*	*
Mahmudinejad-۱۳۸۷				*	*	*	*								*	*	*	*	*
Salehi-1387				*	*	*	*	*	*	*	*	*			*	*	*	*	*
Bahreini-1382				*	*	*	*	*	*	*	*	*			*	*	*	*	*
Navidnia-1382			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*			*	*	*	*	*

در تصویر ۱ موقعیت محله فرحزاد در شهر تهران و منطقه دو به نمایش گذارده شده است. جامعه آماری در محدوده مورد مطالعه می‌بایست قشر وسیعی از افراد مختلف به لحاظ سن، جنس، نوع کاربر به لحاظ بومی و غیر بومی که عمدتاً گردشگر هستند را در برگیرد تا بتوان با سنجش دیدگاه‌های متنوع به بررسی کامل تری از موضوع مورد مطالعه دست یافت. با توجه به نوع موضوع که در ارتباط با دیدگاه کاربران از محله می‌باشد، تعداد پرسش‌نامه‌ها (جامعه آماری) بر اساس جمعیت محله و طبق روش نمونه‌گیری کوکران (به عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری) با سطح خطای ۵ درصد معادل ۳۵۷ نفر در نظر گرفته شده است که می‌توان آن را طبق جدول ۲ تشریح نمود. اما قبل از انجام روش تحلیل عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه

این محدوده به علت وجود اماکن زیارتی، آب و هوای مطلوب و استقرار واحدهای پذیرایی و گردشگری، محدوده‌ای شناخته شده در میان شهروندان تهران به‌شمار می‌آید و کل مساحت آن ۴۱/۳۷ هکتار است.



تصویر ۱- موقعیت محله فرحزاد در شهر تهران و منطقه دو

آمار توصیفی به دست می‌آید. با توجه به جدول ۳ نتایج مشاهده شده، مقدار $KMO (0/911)$ را نشان می‌دهد، که کفایت مدل در حد مطلوب را مورد تایید قرار می‌دهد (اگر $KMO > 0.7$ باشد، یعنی همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد) آزمون کرویت بارتلت نیز این موضوع را تأیید می‌کند، بدین مفهوم که فرض مخالف تأیید می‌شود، یعنی بین متغیرها، همبستگی معنی‌دار وجود دارد.

در واقع آزمون بارتلت این فرضیه را که ماتریس همبستگی مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناهمبسته است را می‌آزماید. برای آن که یک مدل عاملی مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند. در غیر این صورت دلیلی برای تبیین مدل عاملی وجود ندارد (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹).

جدول ۳- آماره KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت (ماخذ: نگارندگان بر اساس آماره منتج از نرم افزار spss با روش تحلیل عاملی)

آماره KMO		۰/۹۱۱
آزمون کرویت بارتلت	Approx. Chi-Square	۶۶۲۶
	df	۱۹۰
	Sig.	۰/۰۰۰

برای استخراج مجموعه عوامل اولیه، با استفاده از ماتریس همبستگی بین شاخص‌ها، عوامل استخراج می‌گردند و اهمیت نسبی هر یک از شاخص‌ها مشخص می‌شود. حال برای مشخص کردن معنادار بودن عوامل انتخاب شده در این روش، از آماره‌ایی به نام مقدار ویژه استفاده می‌شود (اکبری، زاهدی کیوان، ۱۳۸۷). در واقع مقدار ویژه میزان واریانس تدوین شده به وسیله هر عامل را بیان می‌کند و به وسیله آن می‌توان به درجه اهمیت و قدرت تبیین‌کنندگی هر عامل از کل مدل پی برد.

مذکور با استفاده از روش اتکاسنجی ضریب آلفا کورنباخ مورد بررسی قرار گرفت که امتیاز بالای $0/7 (0/956)$ پرسشنامه در این آزمون، نشان دهنده قابل اطمینان بودن آن است.

جدول ۲- تشریح جامعه آماری

جمع	زن		مرد		نوع
	غیر بومی	بومی	غیر بومی	بومی	
۳۵۷	۸۹	۸۹	۸۹	۹۰	تعداد

در این پژوهش سعی بر آن است تا از طریق مدل تحلیل عاملی، ۲۰ شاخص مستخرج از دیدگاه صاحب‌نظران در ارتباط با امنیت شهری به عوامل معنی‌دار تبدیل شوند، به طوری که سهم هر یک در میزان امنیت مشخص شود. یکی از دلایلی که از این روش استفاده می‌شود، رعایت اصل اقتصاد و صرفه‌جویی از طریق کاربرد کوچک‌ترین مفاهیم تبیین‌کننده به منظور بیشینه مقدار واریانس مشترک در ماتریس همبستگی است. مفروضه اساسی تحلیل عاملی این است که عامل‌های زیربنایی متغیرها را می‌توان برای تبیین پدیده‌های پیچیده بکار برد و همبستگی‌های مشاهده شده بین متغیرها، حاصل اشتراک آن‌ها در این عامل‌هاست. هدف تحلیل عاملی تشخیص این عامل‌های مشاهده‌ناپذیر بر پایه مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده‌پذیر است (نسترن و فتاحی، ۱۳۸۹). در این روش تحلیل با استفاده از نرم افزار spss انجام گرفته است.

۵- سنجش و مدل‌سازی امنیت شهری در محله فرحزاد تهران

در سنجش امنیت شهری، با توجه به جدول مستندسازی معیارها و داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه، پس از وارد نمودن اطلاعات ماتریس داده‌ها در نرم افزار spss، خروجی‌هایی با عنوان

به طور کلی عامل‌هایی انتخاب می‌شوند که مقادیر ویژه آن‌ها بالاتر از یک باشد. نکته بعدی این است که بهترین آمار، آن‌هایی هستند که بیشترین واریانس مجموعه متغیرهای اولیه را تعیین می‌کنند. نهایتاً در مرحله مقدماتی استخراج عامل‌ها، تعدادی عامل به دست می‌آید که مقدار ویژه و مقدار کل واریانس تعیین شده، هر دو بر تعداد عامل‌های منتخب تاثیر دارند (همان منبع).

در ارتباط با شاخص‌های امنیت شهری، پس از محاسبات صورت گرفته توسط نرم افزار، ۳ عامل از ۲۰ شاخص اولیه استخراج شد که همگی دارای مقادیر ویژه بالای ۱ هستند و به این معنی است که این عوامل نقش بیشتری را در تبیین واریانس متغیرها دارند که جمعا ۶۹/۸۰ درصد از واریانس را محاسبه می‌کنند. این مقدار (۶۹/۸۰) نشان‌گر رضایت‌بخش بودن تحلیل عاملی و متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. جدول ۴ مقدار ویژه و واریانس متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد.

در ستون مقادیر ویژه، مقادیر ویژه اولیه برای هر یک از عامل‌ها در قالب مجموع واریانس تبیین شده برآورد می‌شود. واریانس تبیین شده بر حسب درصدی از کل واریانس و درصد تجمعی است. مقدار ویژه هر عامل، نسبتی از کل متغیرهاست که توسط آن عامل تبیین می‌شود. این مقدار از طریق مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل محاسبه است. از این رو مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل‌ها را در ارتباط با متغیرها نشان می‌دهد. در ستون مجموع مجذورات بارهای عاملی، واریانس تبیین شده عامل‌هایی ارائه شده است که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک باشد. ستون مجموع مجذورات بارهای عاملی به دست آمده از چرخش نیز مجموع

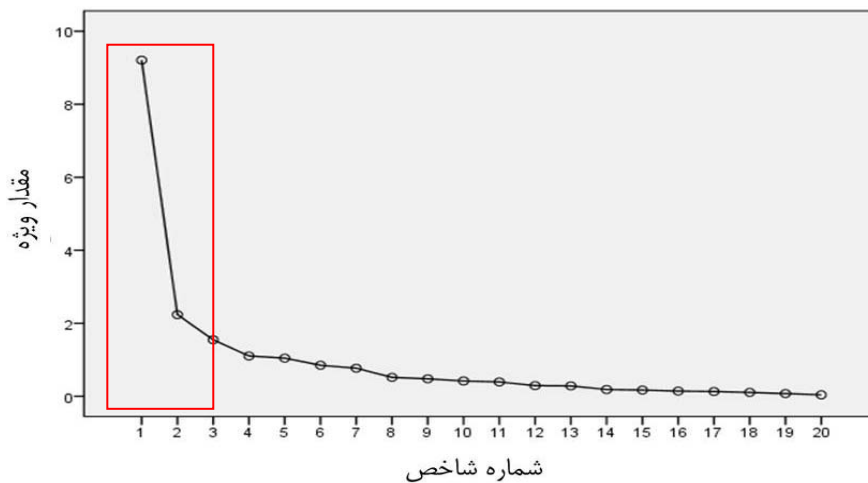
مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹). همچنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۳ عامل قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند و اگر آن‌ها را به روش واریماکس چرخش دهیم، عامل‌های اول تا سوم به ترتیب ۳۱/۴۱۴، ۵۴/۰۱۵ و در مجموع ۶۹/۸۰ درصد از واریانس را در بر دارند.

نمودار ۱ نیز برای تعیین تعداد بهینه مولفه‌ها به کار می‌رود. با توجه به این نمودار، مشاهده می‌شود که از عامل ۳ به بعد تغییرات مقدار ویژه کم می‌شود. پس می‌توان ۳ عامل را به عنوان عوامل مهم که بیش‌ترین نقش را در تبیین واریانس داده‌ها دارند، استخراج نمود. بعد از تعیین تعداد عامل‌ها، جهت تفسیر راحت‌تر عامل‌ها باید عامل‌های به دست آمده را دوران داد، در این پژوهش از روش واریماکس استفاده شده است.

این روش از جمله متداول‌ترین روش‌های دوران متعامد است و استقلال میان عامل‌های استخراجی را حفظ می‌کند. این روش متغیرهای دارای بار عاملی بزرگ‌تر را به کم‌ترین تعداد تقلیل می‌دهد. هنگامی که از این روش استفاده می‌شود، هدف به دست آوردن عامل‌هایی است که دارای بار زیادی بر روی برخی متغیرها و بار کم بر روی متغیرهای دیگر باشند. در واقع در این روش تاکید بر ساده کردن ستون‌های ماتریس عاملی است، یعنی حداکثر امکان ساده کردن تا جایی حاصل می‌شود که بر روی یک ستون خاص ماتریس، فقط مقادیر (بارهای عاملی) صفر و یک قرار بگیرد، از این رو مجموع تغییرات در بارهای عاملی به حداکثر می‌رسد که در این حالت متغیرها ساده می‌شوند (همان منبع). جدول ۵ مقادیر بارهای عاملی استخراجی را بعد از دوران نشان می‌دهد.

جدول ۴- درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل های مختلف
(ماخذ: نگارندگان بر اساس آماره منتج از نرم افزار SPSS با روش تحلیل عاملی)

شماره شاخص	مقادیر ویژه اولیه			مجموع مجذورات بارهای عاملی			مجموع مجذورات بارهای عاملی حاصل چرخش		
	مجموع	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۱۱.۰۵۷	۵۵.۲۸۷	۵۵.۲۸۷	۱۱.۰۵۷	۵۵.۲۸۷	۵۵.۲۸۷	۶.۲۸۳	۳۱.۴۱۴	۳۱.۴۱۴
۲	۱.۵۱۶	۷.۵۷۸	۶۲.۸۶۵	۱.۵۱۶	۷.۵۷۸	۶۲.۸۶۵	۴.۵۲	۲۲.۶۰۱	۵۴.۰۱۵
۳	۱.۳۸۷	۶.۹۳۵	۶۹.۸	۱.۳۸۷	۶.۹۳۵	۶۹.۸	۳.۱۵۷	۱۵.۷۸۴	۶۹.۸۰
۴	۰.۹۵	۴.۷۵۲	۷۴.۵۵۲						
۵	۰.۷۷۴	۳.۸۷۱	۷۸.۴۲۳						
۶	۰.۶۱۹	۳.۰۹۵	۸۱.۵۱۸						
۷	۰.۵۷۱	۲.۸۵۶	۸۴.۳۷۴						
۸	۰.۴۸۱	۲.۴۰۳	۸۶.۷۷۷						
۹	۰.۴۳۷	۲.۱۸۵	۸۸.۹۶۲						
۱۰	۰.۴۱۱	۲.۰۵۳	۹۱.۰۱۵						
۱۱	۰.۳۳۵	۱.۶۷۳	۹۲.۶۸۸						
۱۲	۰.۲۹۵	۱.۴۷۴	۹۴.۱۶۲						
۱۳	۰.۲۳۴	۱.۱۷۲	۹۴.۱۶۲						
۱۴	۰.۲۲۲	۱.۱۱۱	۹۵.۳۳۴						
۱۵	۰.۱۶	۰.۷۹۹	۹۷.۲۴۵						
۱۶	۰.۱۵۷	۰.۷۸۳	۹۸.۰۲۷						
۱۷	۰.۱۳۱	۰.۶۵۵	۹۸.۶۸۳						
۱۸	۰.۱۱۴	۰.۵۶۸	۹۹.۲۵۱						
۱۹	۰.۰۸۴	۰.۴۱۸	۹۹.۶۶۹						
۲۰	۰.۰۶۶	۰.۳۳۱	۱۰۰						



نمودار ۱ - تغییرات مقدار ویژه در ارتباط با عامل ها (ماخذ: نگارندگان بر اساس آماره منتج از نرم افزار SPSS با روش تحلیل عاملی)

همان‌طور که بیان شد در این جدول، هر متغیر در عاملی قرار می‌گیرد که با آن عامل همبستگی بالایی معنی‌داری داشته باشد. با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که عامل یک شامل تعداد شاخص‌های همبسته بیشتری می‌باشد که می‌تواند از جمله عوامل تعیین‌کننده افزایش سطح امنیت بیشتر در محله فرحزاد به‌شمار آید.

مرحله آخر شامل مرحله نام‌گذاری عامل‌هاست که باید با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها، عناوین مطلوبی را برای آن‌ها انتخاب نمود. جدول ۶ شامل سه عامل به دست آمده از روش تحلیل عاملی به همراه مقدار ویژه، درصد

واریانس، متغیرهای مربوط به آن عامل و مقدار همبستگی هر متغیر به عامل مربوطه می‌باشد. در این جدول کلیه متغیرهایی که در هر یک از عامل‌ها دارای بار عاملی معنی‌دار هستند به ترتیب اولویتشان مشخص شده است که باید نام مناسب برای آن‌ها را با توجه به متغیرهای مربوطه و میزان همبستگی‌شان تعیین نمود. برای مثال نوع متغیرها در عامل یک از جنس فرم فضایی و کنترل اجتماعی می‌باشد. به همین ترتیب می‌توان سایر عوامل را نیز بر اساس متغیرهای مربوط به هر عامل نام‌گذاری نمود.

جدول ۵- ماتریس عاملی دوران یافته (ماخذ: نگارندگان بر اساس آماره منتج از نرم افزار spss با روش تحلیل عاملی)

ردیف	شاخص	عامل		
		۱	۲	۳
۱	نبود شلوغی و ازدحام		۰.۶۹۸	
۲	احساس امنیت به لحاظ فیزیکی	۰.۷۷۲		
۳	امنیت زنان		۰.۸۱۹	
۴	امنیت اجتماعی (انسجام اجتماعی)	۰.۶۸۹		
۵	احساس امنیت به لحاظ روانی	۰.۷۶۹		
۶	کیفیت فعالیت‌ها	۰.۵۲۶	۰.۵۰۷	
۷	نوع عملکردها		۰.۸۳	
۸	وضعیت نفوذپذیری قلمروها	۰.۸۵۸		
۹	آسایش محیطی		۰.۷۰۷	
۱۰	آسایش بصری		۰.۶۲۶	
۱۱	فرم فضا	۰.۷۹۱		
۱۲	اندازه فضا (مقیاس انسانی)	۰.۶۲۴		
۱۳	تسهیل در دسترسی به کمک	۰.۵۲۸	۰.۵۴	
۱۴	وجود فضاهای عمومی (حضور شهروندان)			۰.۷۵۱
۱۵	خوانایی محیط و آگاهی به آن			۰.۸۸۱
۱۶	سخت نمودن آماج جرم		۰.۵۱۳	
۱۷	نگهداری و کنترل فضا	۰.۵۷۶		
۱۸	کنترل دسترسی‌ها و ورودی‌ها	۰.۷۴۱		
۱۹	نظارت و مراقبت از فضا	۰.۷۲۷		۰.۵۰۶
۲۰	قلمروگرایی (تمایز عرصه‌های عمومی و خصوصی)			۰.۶۷۴

جدول ۶- نام گذاری عوامل استخراج شده از روش تحلیل عاملی

مقدار همبستگی متغیر به عامل	متغیرهای مربوط به عامل	مقدار همبستگی متغیر به عامل	درصد واریانس	مقدار ویژه	عامل	ردیف
۰/۶۸۹	امنیت اجتماعی (انسجام اجتماعی)	۰/۸۵۸	۵۵/۲۸۷	۱۱/۰۵۷	فرم فضایی و کنترل اجتماعی	۱
۰/۶۲۴	اندازه فضا (مقیاس انسانی)	۰/۷۹۱				
۰/۵۷۶	نگهداری و کنترل فضا	۰/۷۷۲				
۰/۵۲۸	تسهیل در دسترسی به کمک	۰/۷۶۹				
۰/۵۲۶	کیفیت فعالیت ها	۰/۷۴۱				
	نظارت و مراقبت از فضا	۰/۷۲۷				
۰/۶۲۶	آسایش بصری	۰/۸۳	۷/۵۷۸	۱/۵۱۶	تناسب میان عملکرد، کالبد و قشر اجتماعی	۲
۰/۵۴	تسهیل در دسترسی به کمک	۰/۸۱۹				
۰/۵۱۳	سخت نمودن آماج جرم	۰/۷۰۷				
۰/۵۰۷	کیفیت فعالیت ها	۰/۶۹۸				
۰/۶۷۴	قلمروگرایی (تمایز عرصه عمومی و خصوصی)	۰/۸۸۱	۶/۹۳۵	۱/۳۸۷	فضاهای عمومی سرزنده و خوانا	۳
۰/۵۰۶	نظارت و مراقبت از فضا	۰/۷۵۱				

۶- بحث و نتیجه گیری

یکی از هنجارهای تامین کننده کیفیت، امنیت شهروندان است و شهرسازان سعی می کنند از طریق برنامه ریزی و طراحی، امکان وقوع جرایم شهری را کاهش دهند. با توجه به بررسی های صورت گرفته در زمینه سنجش امنیت در محله فرحزاد، ۲۰ شاخص امنیت با مطالعه متون معتبر استخراج شد که هریک از این شاخص ها از جامعه آماری محله فرحزاد مورد سوال قرار گرفت. با توجه به نتایج به دست آمده از داده های جمع آوری شده در جامعه آماری و سنجش آن با روش تحلیل عاملی مشاهده شد که عامل فرم فضایی و کنترل اجتماعی با مقدار ویژه ۱۱/۰۵۷ و درصد واریانس

۵۵/۲۸۷ بالاترین درجه اهمیت را نسبت به سایر عامل ها در کل مدل به خود اختصاص داده است و بعد از آن به ترتیب عامل های تناسب میان عملکرد، کالبد و قشر اجتماعی با مقدار ویژه ۱/۵۱۶ و درصد واریانس ۷/۵۷۸ و عامل فضاهای عمومی سرزنده و خوانا با مقدار ویژه ۱/۳۸۷ و درصد واریانس ۶/۹۳۵ مورد توجه می باشند. این نتیجه نشان می دهد که اولویت در بهبود و افزایش امنیت محله فرحزاد می تواند توجه به این عوامل باشد.

منابع و مآخذ

- اکبری، نعمت... و زاهدی کیوان، مهدی. (۱۳۸۷). کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- بمانیان، محمدرضا و محمودی‌نژاد، هادی. (۱۳۸۷). تحقیقی در سنجش عوامل تاثیرگذار بر احساس امنیت شهری؛ نمونه موردی: شهر کرمان. نشریه مدیریت شهری، شماره ۱۹: ۷۱-۵۹.
- حسینی، ابراهیم و ادیب زاده، بهمن. (۱۳۸۷). امنیت کالبدی با رویکرد CPTED؛ بررسی عوامل محیطی موثر در ایجاد فضاهای ایمن در ساماندهی و طراحی بافت‌های فرسوده. اولین همایش بهسازی و نوسازی. مشهد.
- حشمتی، محمد. (۱۳۸۴). تاثیر طراحی شهری در پیش‌گیری و کاهش جرایم و ناهنجاری‌ها. نشریه صفا، شماره ۴۱: ۸۲-۸۹.
- زارع چاهوکی، محمد علی. (۱۳۸۹). روش‌های تحلیل چند متغیره در نرم‌افزار SPSS. جزوه درسی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- زیاری و دیگران. (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان کوه‌دشت. نشریه پژوهش‌های روستایی. شماره ۱: ۱۳۷-۱۶۴.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. تهران.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۳). عوامل فضایی و کالبدی موثر در پیدایش آنومی در محله‌های شهری. نهران: همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران.
- عباس‌زادگان، مصطفی و روستا، مریم. (۱۳۸۷). ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده؛ نمونه موردی: محله صابون‌پزخانه تهران. همایش بهسازی و نوسازی، مشهد.
- عسگری، علی و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی عوامل محیطی موثر در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری به‌منظور افزایش امنیت محلی. نشریه هویت شهر. شماره ۶: ۳۹-۵۰.
- معین، محمد. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی معین. جلد اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نسترن، مهین و فتاحی، سارا. (۱۳۸۸). سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی. نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی. شماره ۱: ۴۳-۵۵.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. نشریه مطالعات راهبردی. شماره ۱۹: ۵۵-۷۸.
- هاشمیان‌فر، سید علی و دیگران. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس امنیت در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۲. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری. شماره ۸: ۱۶۳-۱۸۲.
- Coleman, A. (1990). Utopia on Trial: Vision and Reality in Planned Housing. Hilary Shipman, London.
- Coumarelos, Christine. (2001). An Evaluation of the Safe City Strategy In Central Sydney, Published by the NSW Bureau of Crime Statistics and Research.
- Giles-Corti; Billie. (2008). The built environment, neighborhood crime and constrained physical activity; Preventive Medicine; pp 241-251
- Hiller, B (1996). Cities as movement systems, urban design international, No1.
- Jacobs, J. (1965). The dead and life of great American cities, Newyork, random house.
- Knuiman, Matthew. (2011). Creating safe walkable streetscape Does house design and upkeep discourage incivilities in suburban neighbourhoods; Journal of Environment Psychology; pp 79-88
- Lang, J. (1994). The American experience, John wileysons, USA.
- Lavrakas, P.J & Lewis, D.A. (1980). The conceptualization and Measurement of Citizen's Crim Prevention Behaviors, Journal of research in crim and delinquency, vol.17, No.2.
- Luymes, DonT. Tamminga, Ken. (1995). Integrating public safety and use into planning urban green ways, L and scape and urban planning press, No33.
- M.Lubuva, John & Mtani, Anna. (2004). Urban Space and Security: A case of the Dar es Salaam, Safety Audits For Women, Dar es Salam, Tanzania, 13-17. "MAKING Safer Places, Women's Safty in our Cities", National Conference, Conference Report, London, 18th November 2005.
- Mair; Christina. (2010). Neighborhood stressors and social support as predictors of depressive symptoms in the Chicago Community Adult Health Study; Health & Place; pp 811-819.
- Newman, O. (1973). Defensible space, people and design in the violent city, London, Architectural press.

- OECD. (1995). *Woman in the city: Housing, services and urban environment*, OECD, France.
- Petrella, L. (2004). *Urban Space and Security Policies: between inclusion and privatization*, UN-HABITAT, World Urban Foru, Barcelona, Spain. available at : http://www.unhabitat.org/programmes/safercities/WUF_UrbanSpace.asp
- Pitner; Ronald O. (2012). *Making neighborhoods safer: Examining predictors of residents' concerns about neighborhood safety*; *Journal of Environmental Psychology*; pp 43-49.
- Yuen, Belinda (2004). *Safety and dwelling in Singapore*, cities press, No.21, 19-28.

تجدید حیات در بافت‌های تاریخی از طریق راهبرد اصالت بخشی (نمونه موردی بافت تاریخی شیراز)*

مرجان شهاب زاده**

استادیار شهرسازی، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵)

چکیده

در طول چند دهه اخیر بافت‌های پرازشی که میراث فرهنگی این جامعه کهن در آن نهفته است تحرک و نشاط گذشته خود را از دست داده‌اند و محیط نامناسب و کم‌رونقی را برای ساکنان خود به وجود آورده‌اند. پس از تجربه‌های ناموفق، مداخله‌های نسنجیده و بهای گزافی که برای آن‌ها داده شده، اینک شرایطی فراهم آمده تا به وسیله پارادایم‌های جدیدی از جمله پایداری اجتماعی، تغییراتی در برنامه‌های موجود پدیدار گردد. از آنجا که مسئله کاهش کیفیت‌های محیطی در بافت‌های تاریخی یک مسئله شهری پیچیده در ابعاد مختلف است، بنابراین بهبود شرایط موجود تنها از طریق راهکارهای کالبدی امکان پذیر نخواهد بود. این مقاله که باهدف ایجاد راهکاری مؤثر برای تجدید حیات اجتماعی و کالبدی در بافت‌های تاریخی نگاشته شده، با فرض اینکه اصالت بخشی به عنوان راهبرد ارتقاء اجتماعی با پیامدهای کالبدی در بافت تاریخی نمونه موردی مناسب باشد در پی پاسخ به این پرسش است که «آیا بافت تاریخی شیراز شرایط لازم برای فرآیند اصالت بخشی را دارد و در صورت امکان پذیر بودن فرآیند، پیامدها و عوامل تسریع کننده این فرآیند چه خواهند بود؟» مطالعه حاضر برای پاسخ به این پرسش با روش مطالعه کیفی نمونه موردی از طریق مصاحبه با افراد ساکن و ذی نفوذ و جمع آوری داده‌های کمی، به بررسی وضعیت موجود پرداخته و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و نمونه‌های مشابه، شرایط لازم و امکان پذیری فرآیند را مورد بررسی قرار می‌دهد و فرآیندی برای ایجاد تغییرات پیشنهاد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که فرآیند اصالت بخشی در محلات بافت تاریخی شیراز با توجه به چرخه اصالت بخشی و شرایط فرسودگی امکان پذیر بوده و سودمندی این فرآیند نسبت به هزینه‌های آن قابل چشم پوشی خواهد بود. در نهایت مقاله فرآیند سه مرحله‌ای برای اصالت بخشی در بافت تاریخی شیراز و محرک‌های آن در هر مرحله پیشنهاد می‌کند و به روش‌هایی برای کاهش اثرات منفی و افزودن اثرات مثبت فرآیند، در جریان پایش اشاره می‌نماید.

کلید واژه‌ها: اصالت بخشی، بافت تاریخی، شهر شیراز، تجدید حیات، فرآیند

* این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان "بهبودی و تجدید حیات در بافت کهن شیراز با رویکرد توسعه پایدار" با راهنمایی دکتر جهان‌شاه پاکزاد در سال ۱۳۸۷ است و در حال حاضر با اطلاعات جدید بازنگری و ویرایش شده است.

** Email: M_shahabzadeh@sbu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا امکان تجدید حیات در بافت تاریخی شیراز از طریق راهبرد اصالت‌بخشی وجود دارد؟
۲. فرایند اصالت‌بخشی در بافت تاریخی شیراز چگونه شکل می‌گیرد و چه عواملی این فرایند را تسریع می‌کند؟

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، بافت‌های کهن ایران به ویژه در شیراز، به تدریج به دلیل ترک گروه‌های درآمدی بالا و رهاسازی ساکنان اصیل خود دچار پژمردگی کالبدی و اجتماعی شده و ارزش و اعتبار خود را از دست داده‌اند. فرآیند جابه‌جایی ساکنان اصیل بافت تاریخی کیفیت زندگی در محلات مسکونی را به پایین‌ترین حد ممکن تنزل داد و شرایط مناسب برای جایگزینی گروه‌های مهاجر و کم‌درآمد را در بافت تاریخی فراهم آورد. ورود ساکنان جدید در سیستم نظام اجتماعی موجب تغییراتی در نظام کالبدی و فرهنگ مسلط شده است. اعضای جدید به دلیل محدودیت زمان جایگزینی و تفاوت‌های فاحش با فرهنگ مسلط شهر نتوانستند در محیط جدید و نظام اجتماعی موجود پذیرفته شوند بنابراین از نظام اجتماعی طرد شدند. این مسئله منجر به وجود آمدن فرهنگ‌های التقاطی از مهاجران در بافت‌های تاریخی و انسداد نفوذ و تسری حیات مدنی گردیده است. در نتیجه این فرآیند طی سال‌های اخیر محلات مسکونی بافت تاریخی به جزیره‌های بسته‌ای تبدیل شده‌اند که آسیب‌های اجتماعی و کالبدی در آن مشهود است. می‌توان گفت عدم وجود فرهنگ مسلط در گروه‌های مهاجر، نظام اجتماعی را با مشکلاتی مواجه ساخته و کل زندگی اجتماعی شهر و تصویر آن را خدشه‌دار کرده است.

از طرفی، شناختن قدر و ارزش بافت‌های تاریخی شهرها و دل‌بستگی به حفظ آن‌ها در طی چند دهه گذشته پیوسته رو به فزونی داشته است (رضازاده، ۱۳۸۲). اما «بسیاری از طرح‌های موجود به خصوص در سال‌های اخیر، به رغم داشتن زمینه و راهکارهای هوشمندانه به وسیله متخصصان گران‌قدر به دلیل ماهیت نهادهای اجرایی در پرداختن تک بعدی به ایجاد تغییرات کالبدی نتوانسته‌اند در زمینه احیای بافت‌های مسکونی موفقیت چندانی داشته باشند، بنابراین حتی اگر برنامه و یا راهکار اقتصادی و اجتماعی هم در برنامه‌ها مطرح شده باشد تا کنون به علت نداشتن متولی اجرایی بی‌نتیجه مانده است، در وضعیت موجود سرانه کاربری‌های تجاری روزبه‌روز در حال افزایش است و کاربری‌های مسکونی به فرسودگی بیشتر ادامه می‌دهند (مطالعات اجتماعی و کالبدی مشاور پردازاز، ۱۳۸۳).

بافت تاریخی شیراز در بعد اجتماعی زندگی محلات تاریخی، در نازل‌ترین سطح کیفی قرار دارد، قیمت خانه‌های مرغوب در بافت یک دهم قیمت مسکن در بافت‌های مشابه خرید و فروش می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد حتی اگر جنبه‌های عملکردی مکان در بافت تاریخی به کیفیت سایر بناها در شهر برسد با وجود ارزش‌های ادراکی و مورفولوژیکی موجود باز هم کیفیت نازل زندگی اجتماعی از شأن زندگی در بافت‌های تاریخی می‌کاهد و ناامنی موجود و آسیب‌های اجتماعی مشابه آن تشدید خواهد شد.

در حال حاضر، ناامنی اجتماعی و نزول شأن سکونت در بافت‌های تاریخی کلیدی‌ترین مسئله‌های موجود و مانع تجدید حیات بافت تاریخی به شمار می‌روند که به تنهایی با تمهیدات کالبدی به خصوص در گام ابتدایی قابل حل

۲- پیشینه اصالت بخشی^۳

نخستین بار جغرافیدان شهری مارکسیست به نام راس گلס^۴ در سال ۱۹۶۴ از واژه اصالت بخشی به منظور توضیح دادن تغییراتی که در واحدهای همسایگی لندن موجب جابه‌جایی و عوض شدن شخصیت اجتماعی شهر گردید، استفاده کرد (Lees, Slater, & Wyly, 2008). تاریخچه اصالت بخشی در کشورهای لیبرال و نئولیبرال که دولت کمترین میزان مداخله در اقتصاد را دارد و توسعه بیشتر مرهون بازار و تصمیمات فردی است رونق بیشتری دارد. در چنین شرایطی سرمایه‌داران خصوصی توانایی چنین عملیاتی با مشارکت دولت و حتی بدون مشارکت دولت را دارند. ادبیات اصالت بخشی از نیمه اول دهه ۱۹۶۰ به معنای جابه‌جایی اقشار با درآمد متوسط به جای افراد فقیر در مناطق مسکونی و نوسازی بافت‌های فرسوده ظهور کرد (He, 2007). این جابه‌جایی‌ها در اوایل سال ۱۹۹۰ در اطراف هسته تاریخی شهرهای اروپای شرقی به سرعت رواج یافت (Badcock, 2001). در واقع اصالت بخشی، سیاست کشورهای انگلیس، آمریکا و استرالیا برای درمان فرسودگی داخلی شهرها بود (تقوایی، ۱۳۸۷: ۱۲). اصالت بخشی نشان‌دهنده یک جنبه مهم از تحول ساختارهای اجتماعی و جمعیتی در بسیاری از شهرها در سراسر جهان به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، از این مفهوم برای پوشش فرآیندهای مختلف ارتقاء اجتماعی استفاده می‌شود (Rérat et al., 2010, 2). با وجود نقدهایی که بر جریان جایگزینی اقشار متوسط به جای اقشار کم درآمد وجود دارد، اولویت حفظ میراث فرهنگی و ارزش‌های تاریخی برای تمام نسل‌ها از دیدگاه توسعه پایدار، اجرای فرآیند اصالت بخشی را در بافت‌های تاریخی به منظور

نخواهد بود، از این رو داشتن برنامه‌ای برای تجدید حیات اجتماعی ابتدایی‌ترین گام در راه باززنده‌سازی شمرده می‌شود. هدف مقاله ارتقای کیفیت‌های محیطی و جلوگیری از پیشرفت فرآیند فرسودگی است که در نهایت می‌تواند موجب احیای بافت‌های تاریخی گردد. محقق با فرض مناسب بودن اصالت بخشی به عنوان راهبردی برای آغاز جریان احیا و عملیاتی کردن فرآیند اصالت بخشی از طریق مناسب‌سازی فرآیند عوامل تسریع کننده آن، تحقق‌پذیری هدف احیا بافت تاریخی شیراز را ممکن می‌داند.

این مقاله با فرض مناسب بودن راهبرد اصالت بخشی به عنوان کلیدی‌ترین و ابتدایی‌ترین مرحله در زمینه تجدید حیات و اتخاذ طرح تحقیق ترکیبی امکان‌پذیری اصالت بخشی را در بافت تاریخی نمونه موردی ارزیابی می‌کند.

این مطالعه با استفاده از روش تحقیق کیفی و راهبرد مطالعه موردی^۱ در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و استفاده از آمار و داده‌های کمی و ترکیب داده‌های کمی و کیفی و مرور ادبیات موجود، به بررسی ابعاد مختلف مشکلات اجتماعی و کالبدی در نمونه موردی و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. هدف این ارزیابی امکان‌سنجی و بررسی وضع موجود برای شروع فرآیند و شرایط لازم جهت ادامه چرخه اصالت بخشی است.

علاوه بر آن در طی مراحل پژوهش می‌کوشد که فرآیند اصالت بخشی را برای بافت‌های تاریخی طی گام‌هایی با توجه به مطالعات انجام شده مناسب‌سازی کرده و سیاست‌هایی را در جهت تحقق فرآیند اصالت بخشی در هر گام پیشنهاد نماید.^۲

ارتقا اجتماعی و شأن زندگی در محلات مسکونی بافت تاریخی توجیه‌پذیر و حتی ضروری می‌نمایند. چنانچه در مرور ادبیات داخلی نیز در بافت‌های تاریخی و فرسوده مشهد، اردکان، تهران به کار گرفته شده است (اردکانی، ۱۳۹۰؛ پاکزاد، ۱۳۹۳؛ رهنما، ۱۳۷۵؛ سلیمانی، ۱۳۹۰).

در کشور ما چنین اقدامات و برنامه‌هایی بسیار دور از واقعیت می‌نماید؛ زیرا که نقش دولت در روند توسعه و برنامه‌ریزی به صورت مرکزی تعریف شده است و سرمایه‌گذاری‌های کوچک رونق بیشتری نسبت به مشارکت‌های اقتصادی کلان در شهر دارند. نوع و تعریف فرآیند اصالت‌بخشی‌ای که در بافت‌های تاریخی می‌تواند محقق گردد محصول فرصت‌هایی است که از پیامد مداخلات نهادهای دولت در بافت تاریخی به وجود آمده‌اند، مانند آنچه در اثر اجرا و راه‌اندازی پروژه بین‌الحریمین شیراز اتفاق افتاده و موجب ایجاد ارزش افزوده برای زمین‌ها و محلات مسکونی مجاور، شده است. در حقیقت این روش در هیچ کدام از نمونه‌ها تا کنون برای بافت‌های تاریخی به کار گرفته نشده است و اگر هم اتفاق افتاده سهواً انجام پذیرفته است، اصالت‌بخشی پیامد اقدامات انجام‌شده بازسازی و بهسازی بافت تاریخی بشمار می‌رود. نویسنده تا کنون منابع فارسی بسیار محدودی در ارتباط با به‌کارگیری راهبرد اصالت‌بخشی در بافت‌های تاریخی به ویژه در حوزه عمل طراحی و برنامه‌ریزی شهری در ایران یافته است، اما نمونه‌های اصالت‌بخشی در بافت‌های فرسوده شهری در ادبیات خارجی این حوزه به فراوانی یافت می‌گردد.

در اغلب موارد اصالت‌بخشی در اثر شرایط سخت اقتصادی و به صورت اجباری و در رقابت بر سر زمین مناسب برای توسعه خصوصاً

شهرک‌های مسکونی به وقوع پیوسته است. آنچه در لندن و نیویورک و دیگر شهرهای بزرگ دنیا اتفاق افتاده تأثیر اصالت‌بخشی بر زمین‌های کارگرنشین خصوصاً بافت‌های صنعتی فرسوده است. در بعضی از شهرهای اروپایی اصالت‌بخشی در بافت‌های صنعتی از ۱۹۷۰ صورت پذیرفته است که در شرایط کنونی کارشناسان برجسته، اثرات و تبعات آن را ارزیابی می‌کنند و از فواید و هزینه‌های آن مقالات و گزارش‌ها متعددی به چاپ رسیده است. به طور مثال در گزارشی شش شهر «آتلانتا»، «شیکاگو»، «لوس آنجلس»، «اسکارمنتو»، «سیاتل» و «پیتزبورگ» به عنوان نمونه‌های موردی اصالت‌بخشی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نمونه‌های موردی اصالت‌بخشی در بسیاری از شهرهای انگلیس و آمریکای شمالی و لاتین مواردی هم در استرالیا، اروپا و کشورهای آسیایی نظیر سنگاپور دیده شده است (Curran, 2007; Chang, 2016; Janoschka et al., 2016; Jou et al., 2016; Shin and Kim, 2016; La Grange and Pretorius, 2016;)

۳- چارچوب نظری

۳-۱- تعریف اصالت‌بخشی

در ادبیات موجود تعریف فرآیند اصالت‌بخشی، به عنوان فرآیند جایگزین شدن ساکنان با درآمد بیشتر به جای افراد کم‌درآمد اشاره شده است. تعاریف معاصر، اصالت‌بخشی را به مفهوم تغییر کالبدی طبقات اجتماعی بازنمایانده‌اند. بعضی از تعاریف اصالت‌بخشی را به عنوان عملیات توان‌بخشی برای افراد کم‌درآمد و تبدیل خانه‌های فرسوده به مسکن طبقه متوسط تعریف کرده‌اند. به هر حال این پدیده تنها در مناطق مسکونی اتفاق نمی‌افتد بلکه مناطق تجاری و خرید و فروش را تحت تأثیر قرار داده است. تعریف دیگر از واژه

در این پژوهش نوع دوم اصالت بخشی فرآیند طبیعی و خودجوش است که با توجه به فرصت‌های به وجود آمده در بافت‌های تاریخی مد نظر قرار گرفته است. گرچه این فرآیند طبیعی است و خودبه‌خود ممکن است به وقوع بپیوندد، اما مدیریت این جابه‌جایی از به وجود آمدن مشکلات آتی جلوگیری می‌نماید.

«محمدرحیم راهنما» در تجربه مشابهی در احیا بافت‌های تاریخی شهر مشهد، اصالت بخشی را «اصلاح مسکن به همراه بهبود کیفیت محیط مسکونی تعریف می‌کند که بر دو فرض شکاف اجاره املاک و قیمت زمین در وضعیت موجود کاربری اراضی و وضعیت مطلوب آینده متکی است». یعنی محلات مسکونی به تدریج به دلیل ترک گروه‌های درآمدی بالا ارزش و اعتبار خود را از دست داده و به وسیله گروه‌های کم درآمد اشغال می‌گردند. در زمان جایگزینی کامل کیفیت زندگی محلات به پایین‌ترین حد ممکن تنزل می‌یابد. از این رو شکاف اجاره املاک و قیمت زمین و در نتیجه شرایط سرمایه‌گذاری استقرار گروه‌های درآمدی بالا و متوسط فراهم می‌آید. بنابراین ضمن اصلاح مسکن و بهبود محیط مسکونی تغییر در ترکیب اجتماعی به وجود می‌آید (راهنما، ۱۳۷۵: ۷۵ و تقوایی ۱۳۸۷: ۱۴). در حقیقت اصالت بخشی، تنها تصمیم راهبردی برای احیا نیست، بلکه اصالت بخشی قسمتی از داستان احیا و باز زنده‌سازی به شمار می‌رود که بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی متمرکز است و پیامدهای کالبدی فراوانی برای تجدید حیات بافت تاریخی خواهد داشت.

اصالت بخشی، جابه‌جایی طبقه کارگر و جایگزین شدن آن‌ها با ساکنان پر درآمد است که این افراد شامل گروه‌های افراد باسوادتر یا گروه‌های مشابه هستند (Atkinson, 2002). بعضی منابع موجود در این زمینه، تفاوت‌های نژادی را نیز در تعریف اصالت بخشی دخیل دانسته‌اند به نحوی که گروه‌های با درآمد بالا و سفیدپوست جایگزین اقلیت‌های ساکن در یک منطقه می‌گردند (Rérat & Lees, 2011; Curran, 2007; Brown-Saracino, 2010).

فری من و برگنی در سال ۲۰۰۴ سه نوع جابه‌جایی را تعریف کردند: اول، جابه‌جایی مستقیم^۵: این نوع جابه‌جایی در برنامه‌های نوسازی دولت‌های فدرال اتفاق می‌افتد که تقریباً بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ بوده است. جابه‌جایی مستقیم هنگامی اتفاق می‌افتد که یک نژاد و یک گروه جمعیتی بر گروه دیگر تفوق پیدا کرده باشد به واسطه برنامه یا در فرآیندی ویژه، جابه‌جایی مستقیم انجام گیرد. در این نوع جابه‌جایی بیشتر رقابت توسعه‌دهندگان در سرمایه‌گذاری روی زمین‌هایی است که شرایط بهتری را برای زندگی فراهم می‌آورند.

دوم، جابه‌جایی ثانویه^۶: این جابه‌جایی در جوامع امروزی غالباً مرسوم‌تر است. این جابه‌جایی به طور طبیعی به علت ناتوانی اقشار کم درآمد در برابر اجاره بیشتر، افزایش مالیات، افزایش قیمت خدمات عمومی و غیره اتفاق می‌افتد. گروه‌های کم درآمد به دلیل شرایط سخت زندگی در آن مکان مجبور به جابه‌جایی می‌گردند.

سوم، جابه‌جایی ممانعتی^۷: تغییرات انجام گرفته در محله‌های مسکونی اصالت بخشی از جابه‌جایی که در آینده گروه‌های کم درآمد به این مکان‌ها ممکن است انجام دهند، جلوگیری می‌کند.

۲-۳- عوامل تسریع کننده اصالت بخشی در بافت های تاریخی

شتاب روند شکاف اجاره ملک و قیمت زمین است که با ساخت و سازهای جدید و تغییر کاربری هایی که در بافت تاریخی صورت پذیرفته است، یکی از عوامل تسریع کننده فرآیند اصالت بخشی به حساب می آید. از سوی دیگر جریان سرمایه های کلان از خارج کشور و سرمایه گذاری ثمربخش در زمینه زمین و مسکن در سال های اخیر به سرعت و لزوم توجه به این بافت ها و اصالت بخشی در آنها اشاره دارد.

از دیگر عوامل تسریع کننده اصالت بخشی، تأکید بر دیدگاه مشارکتی در طول فرآیند است. اصالت بخشی بافت های کهن فرآیندی مشارکتی است، وجود مشارکت مردمی در سطح شهری، منطقه ای و حتی ملی برای تحقق اهداف فرآیند ضروری بوده و اطمینان بخش تحقق اجرایی آن خواهد بود. در نمونه هایی که اصالت بخشی از سوی دولت و یا سرمایه گذاران و توسعه دهندگان به علت جلب منافع اقتصادی بیشتر صورت می گیرد و نیروی بازار نیروی اصلی انجام این فرآیند است، اهداف اصالت بخشی مانند احیا بافت های مسکونی و بازگرداندن حیات به کالبد بافت تاریخی دور از دسترس می نماید. چنانچه بافت تاریخی شیراز تجربه مشابهی در این زمینه در پروژه بین الحرمین دارد. در این پروژه سرمایه گذاران خارجی برای فرآیند احیا بافت انتخاب شدند و طرح و اجرا با نظارت شهرداری و مشارکت این توسعه دهنده اجرا شد. پیامد این پروژه خالی شدن بافت از سکنه و تبدیل شدن بافت های مسکونی به تجاری و بازسازی به جای فرآیند احیا بود. بافت مسکونی به طور کامل

تخریب و مجتمع تجاری و فرهنگی به جای آن ساخته شد.

۳-۳- هزینه و فایده های اصالت بخشی

اینکه اصالت بخشی دارای چه هزینه ها و فایده هایی است، به تفسیر گروه های ذی نفع و کسانی که بیشتر تحت تأثیر این جابه جایی قرار می گیرند، بستگی دارد. در اصالت بخشی گروه های اصلی درگیر فرآیند شامل گروه های زیر هستند:

- افراد تهی دست و ساکنان بافت های تاریخی
- افرادی که به عنوان ساکنان و استفاده کنندگان جدید بافت های تاریخی در بافت جایگزین می شوند.
- مردم شهر، کسانی که از بافت تاریخی به عنوان فضای شهری و مسیر رفت و آمد و غیره استفاده می کنند.
- زائران و گردشگران داخلی و خارجی بافت تاریخی
- مسئولین شهری، تصمیم گیران و قدرت های اجرایی.

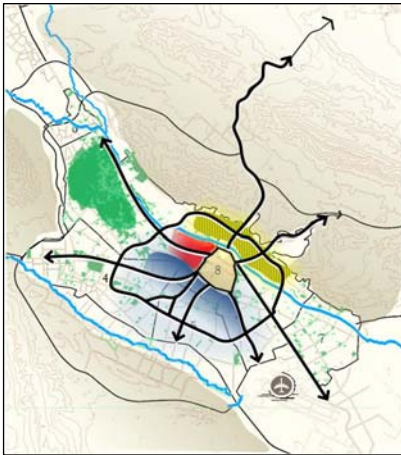
جدول یک (شهاب زاده، ۱۳۸۷) برخی از تأثیرات مثبت و منفی فرآیند اصالت بخشی را که در ارزیابی پروژه ها و نمونه های پیشین در متون ادبیات موضوع به آنها اشاره شده، نشان می دهد. (Atkinson, 2002; Shaw and Hagemans) شاید بتوان گفت که هدف احیا بافت تاریخی که میراث ماندگار برای همه نسل ها و قسمت مهمی از هویت تاریخی شهر است، هزینه های اصالت بخشی را با در نظر گرفتن تأثیرات مثبت آن قابل چشم پوشی می نماید.

جدول ۱- تأثیرات مثبت و منفی فرآیند اصالت بخشی - مأخذ:

شهاب‌زاده، ۱۳۸۷

تأثیرات مثبت	تأثیرات منفی
- تمرکز زدایی از فقر و تعادل بخشی به بافت- های رها شده	- از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی افراد ساکن
- حفاظت از بافت های با ارزش	- افزایش تضاد و تأثیرات ثانویه روانی
- افزایش ارزش زمین و املاک	- از بین رفتن آرامش زندگی فعلی افراد ساکن به وسیله جا به جایی آن‌ها
- افزایش نرخ اشتغال	
- افزایش نرخ بهسازی و بازسازی کالبدی	
- بهبود اقتصاد محلی و خدمات و سرمایه گذاری های جدید رونق بافت	
- کاهش جرم و افزایش امنیت عمومی در شهر	
- از بین رفتن چهره منفی بافت تاریخی به عنوان معضل	
- رونق اقتصاد گردشگری و تغییر ساخت و بافت اجتماعی	
- ایجاد انگیزه مشارکت مردمی و ایجاد اطمینان و اعتماد به نفس در فعالیت های مشارکتی	

از دوازده محله تشکیل یافته است. این منطقه که حدود ۲/۵ درصد از کل شهر را شامل می‌شود، دارای نقش ساختاری فعالیتی و خدماتی است و کاربری‌های مانند شهرداری، دادگستری، بازار و شعب مرکزی بانک‌ها... در آن استقرار دارند (تصویر ۱).



تصویر ۱- جایگاه منطقه ۸ در شهر شیراز (طرح تفصیلی شیراز

۱۳۸۹)

منطقه تاریخی فرهنگی شهر شیراز هم به لحاظ میراث فرهنگی و یادمان‌های جمعی و تاریخی موجود در آن که نقشی هویت‌بخش به شهر می‌دهد و هم به لحاظ تجاری، گردشگری آن نقش به‌سزایی در شهر شیراز دارد. با وجود این جریان زندگی موجود در آن در طی دهه‌های اخیر همراه با تنزل ارزش‌های سکونتی مواجه بوده و بخش وسیعی از این منطقه در حال حاضر مأوای تهی‌دستان شهری و اقشار مهاجر جویای کار است که عمدتاً در بخش‌های کم‌مهارت وابسته به اقتصاد تجاری بازار مشغول به فعالیت‌اند و به دنبال مسکن ارزان موجود در بافت‌های فرسوده و بی‌رونق به این منطقه کشیده می‌شوند. وجود بازار و محوریت تجاری-گردشگری منطقه تاریخی- فرهنگی که توأم با تمرکز فعالیت‌های کار و به زیان سکونت

۳-۴- دوره‌های اصالت بخشی

در ادبیات اصالت‌بخشی برای اطمینان از پایداری چرخه اصالت‌بخشی در دوره‌های متفاوت و رونق بافت به طور خودجوش، در هر دوره راهبردها و سیاست‌هایی وجود دارد. در این پژوهش نیز به همین منظور با پذیرش دوره‌بندی‌های مذکور در طول زمان اصالت‌بخشی راهبردهایی برای پایدار کردن چرخه اصالت‌بخشی و جلوگیری از به دام افتادن در چالش‌های فعلی مانند شدت یافتن روند فرسودگی کالبدی و اجتماعی در بافت‌های تاریخی توصیه می‌شود که در ادامه مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

۴- اصالت بخشی به عنوان برنامه تجدید حیات در بافت تاریخی شهر شیراز

منطقه تاریخی شهر شیراز با وسعتی معادل ۳۶۰ هکتار، اکنون مرکز اصلی شیراز محسوب می‌شود. که در طی یک دوره فرآیند تدریجی ۱۳۰۰ ساله

اجتماعی و کالبدی را مورد تحلیل قرار داده و راهبرد اصالت بخشی را برای بافت تاریخی به عنوان اولین گام شروع فرآیند تجدید حیات پیشنهاد می نماید. در سه دهه گذشته علی رغم طرح ها و اقدامات کالبدی تفاوتی در روند فرسودگی بافت و خالی شدن آن از سکنه اصلی بافت تاریخی مشاهده نشده است (جدول ۳). لذا به نظر می آید اقدامات که با تمرکز بر تغییرات اجتماعی است و به صورت چرخه ای در طول زمان موجبات بروز تغییرات کالبدی را فراهم می آورد در احیا بافت تاریخی مؤثرتر است.

جدول ۳- مقایسه سهم جمعیتی بافت تاریخی و شهر شیراز-
مأخذ: مرکز آمار و سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۹۰

سال	شهر شیراز	جمعیت منطقه تاریخی	سهم منطقه از جمعیت شهر
۱۳۳۵	۱۷۰۶۵۹	۱۰۲۳۹۵	۶۰
۱۳۴۵	۲۶۹۸۶۵	۷۸۷۱۶	۲۹/۲
۱۳۵۵	۴۲۵۸۱۳	-	-
۱۳۶۵	۸۴۸۲۸۹	۷۸۹۱۱	۹/۳
۱۳۷۵	۱۰۵۳۰۲۵	۶۵۵۸۵	۶/۴
۱۳۸۵	۱۲۲۷۳۳۱	۵۶۴۴۵	۴/۶
۱۳۹۰	۱۶۲۵۸۰۷	۴۴۳۹۷	۲/۷

صورت یافته از یک طرف و سرریز جمعیت جویای کار، فرسوده شدن بافت، مهاجرت افراد اصیل منطقه به بیرون در کنار مسائل متعددی که در مجموع باعث کاهش ارزش سکونتی این منطقه بوده باعث شده تا در مقایسه با سایر مناطق شهر شاهد سکونتی بسیار ناپایدار با کیفیت پایین و بافت اجتماعی ناهمگون و نامنسجم در آن باشیم (تصویر ۲). افراد مهاجر جویای کار و تهی دستان شهری در این سال ها جذب منطقه شده اند و ناامنی و فقر و برهم خوردن نظام قشر بندی اجتماعی و کاهش گرایش به سکونت اقشار بالا و میانی در آن به چشم می خورد (جدول ۲).



تصویر ۲- بافت تاریخی شیراز منبع گزارش مشاور پردازاز ۱۳۹۱

جدول ۲- تعداد و درصد مهاجرین وارد شده به منطقه تاریخی طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵- مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

سال	عنوان	کل	
		تعداد	درصد
۱۳۷۵	جمعیت کل	۶۷۵۸۵	۱۰۰
	مهاجرین	۱۰۰۴۱	۱۴/۸
۱۳۸۵	جمعیت کل	۵۶۴۴۵	۱۰۰
	مهاجرین	۹۹۹۵	۱۸
۱۳۹۰	جمعیت کل	۴۴۳۹۷	۱۰۰
	مهاجرین	۹۷۶۷	۲۲

۴-۱- بررسی آمادگی بافت برای انجام اصالت بخشی با مطالعه پیشینه بافت و مرحله بندی تغییرات

اصالت بخشی بافت های تاریخی، برنامه ای است که محقق با توجه به بررسی پیشینه ای که بافت تاریخی شیراز در مقاطع زمانی گوناگون تا کنون با آن روبرو بوده است، پیشنهاد می کند. این پیشینه را می توان به شش برهه زمانی تقسیم بندی کرد که اصالت بخشی به عنوان برهه هفتم آینده بافت تاریخی را رقم خواهد زد.

۱. حومه نشینی: گرایش مردم به زندگی در حومه ها از بافت های تاریخی و مرکز شهر.

محقق با توجه به مطالعات و تحلیل اطلاعات انجام یافته به تفصیل شاخص های اقتصادی،

در اصالت بخشی بافت‌های تاریخی است. پاسخ به این سؤال که آیا گروه‌های ساکن در محدوده، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی لازم برای احیا بافت تاریخی را دارند و یا آنکه باقی ماندنشان در بافت تاریخی مسئله فرسودگی را با چالش‌های عمیق‌تری مواجه می‌کند؟

روش مطالعه در این بخش با مقایسه شاخص‌ها و مؤلفه‌های کیفیت زندگی و مقایسه قشر بندی منطقه تاریخی با شهر شیراز است. در این رابطه کلیدی‌ترین مسئله مورد بررسی نحوه تصرف مسکن بوده است که حاکی از تفاوت فاحش مالکیت مسکن در منطقه نسبت به شهر می‌باشد. ضریب تفاوت این مؤلفه (۱۶/۵) درصد پایین‌تر از شهر شیراز است و تنها ۲/۷ درصد تصرف ملکی واحد مسکونی شهر در منطقه تاریخی قرار دارد و در واقع این منطقه یکی از ناپایدارترین اشکال سکونت را در خود دارد (جدول ۴).

۲. عدم سرمایه‌گذاری نهادی: به مفهوم عدم توجه مدیریت شهری به مسائل موجود شهر و بافت‌های تاریخی، نداشتن برنامه و عدم ایجاد انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و ...

۳. ترک املاک: ترک املاک بافت قدیم به وسیله ساکنان اصلی و یا حتی فوت آنان و عدم رغبت وارثان از زندگی در بافت‌های تاریخی.

۴. ورود گروه‌های غیربومی و اقشار کم‌درآمد.

۵. نقطه چرخش از عدم سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری مجدد.

۶. برنامه‌های بهسازی و نوسازی و کمک‌های مالی و نهادی دولت و مشارکت بخش خصوصی.

۷. تعویض طیف اجتماعی ساکن و رواج فرهنگ شهرنشینی و تجدید حیات.

۴-۲- شناخت گروه‌های ساکن

شناخت شرایط اقتصادی - اجتماعی، کالبدی و برهم‌کنش ساکنان و بافت‌های تاریخی اولین گام

جدول ۴- مقایسه نحوه تصرف مسکن در مناطق مختلف شهر - مأخذ: مطالعات طرح تفصیلی شیراز، ۱۳۸۹

منطقه ۶	منطقه ۵	منطقه ۴	منطقه ۳	منطقه ۸	منطقه ۲	منطقه ۱	نحوه تصرف
۴۸/۷۶	۶۷/۸۴	۶۶/۶۲	۶۶/۸۲	۱۳/۷۶	۴۲/۵۷	۶۵/۵۰	ملکی عرصه اعیان و اعیان
۲۵/۱۵	۲۱/۱۲	۲۰/۱۴	۲۰/۷۸	۹/۲۶	۱۴/۴۶	۱۷/۶۵	اجاره ای

گردشگری منطقه تاریخی - فرهنگی که توأم با تمرکز فعالیت‌های کار و به زیان سکونت صورت یافته از یک طرف و از طرف دیگر سرزیر جمعیت جویای کار، فرسوده شدن بافت، مهاجرت افراد اصیل منطقه به بیرون در کنار مسائل متعدد دیگری که مجموعاً باعث کاهش ارزش سکونتی این منطقه بوده، باعث شده تا در مقایسه با سایر مناطق شهر شاهد سکونتی بسیار ناپایدار با کیفیت پایین و بافت اجتماعی ناهمگون و نامنسجم در آن باشیم. بنابراین افراد ساکن نه تنها برای مرمت و احیا

علی‌رغم نقش پررنگ اقتصادی و فرهنگی بافت تاریخی و مرکزیت آن، جریان زندگی موجود در بافت در طی دهه‌های اخیر با تنزل ارزش‌های سکونتی مواجه بوده و بخش وسیعی از این منطقه، مأوای تهی‌دستان شهری، اقشار مهاجر جویای کار است که عمدتاً در بخش‌های کاذب و کم‌مهارت وابسته به اقتصاد تجاری بازار مشغول به فعالیت‌اند. این افراد به دنبال مسکن ارزان موجود در بافت‌های فرسوده و بی‌رونق منطقه به این جا کشیده شده‌اند. وجود بازار و محوریت تجاری -

- نمی‌توانند گامی بردارند بلکه حتی خانه‌های تاریخی را به انبار و ... تبدیل کرده و به دلیل جمعیت زیاد خانوار به خانه‌های موجود در بافت فشار بیش از اندازه‌ای تحمیل می‌کنند.
- خلاصه‌ای از مشکلات اجتماعی که در پژوهش کیفی با روش نمونه موردی از طریق مصاحبه با ساکنین، مشاهده شرایط حاضر و مطالعه آمارهای موجود به دست آمده شامل:
- ناپایداری سکونت و بی‌بهره بودن ساکنان از خدمات (جدول ۳)
 - درصد اجاره‌نشینی بالا (جدول‌های ۴ و ۶).
 - کاهش سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنان (جدول‌های ۵ و ۶).
 - امنیت پایین محیط سکونت (نتایج مصاحبه).
 - سرعت و نسبت بیشتر خروج جمعیت از بافت نسبت به ورود به آن (در ده سال گذشته: ۲۰۰۰۰ نفر از بافت خارج و ۹۰۰۰ نفر وارد شده‌اند و در
- حال حاضر کمتر از ۲۵٪ جمعیت بومی در بافت باقی مانده است).
- بی‌توجهی به کیفیت زیبایی‌شناختی و زیست‌محیطی بافت و مسکن
 - در حدود ۲۵ درصد از ابنیه موجود نیازمند تعمیر بوده یا تخریبی و مخروبه هستند.
 - ۴۶/۱۱ درصد ساختمان‌های قدیمی و یا جدید به لحاظ کیفی نیازمند اصلاحات سازه‌ای است.
 - سهم ابنیه در حال ساخت و یا نوساز بسیار اندک و کمتر از ۲ درصد است.
 - فقدان سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت (جدول ۵)
 - کاهش سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنان (جدول‌های ۶ و ۷)
 - امنیت پایین محیط سکونت (نتایج مصاحبه)
 - تغییرات کلی هویت و ساخت اجتماعی جمعیت ساکن در ۳۰ سال گذشته (جدول ۲).

جدول ۵- میزان مشارکت در کارهای دست جمعی در بین ساکنین منطقه تاریخی- مأخذ: پیمایش اجتماعی - اقتصادی خانوار ۱۳۸۹

میزان مشارکت	تعداد	درصد
خیلی کم	۲۴۲	۶۹/۱
کم	۷۳	۲۰/۹
زیاد	۲۹	۸/۳
خیلی زیاد	۱	۰/۳
بی پاسخ	۵	۱/۴
مجموع	۳۵۰	۱۰۰

جدول ۶- مقایسه گروه‌های عمده شغلی شهر ساکن در شیراز و بافت تاریخی آن- مأخذ: مطالعات طرح تفصیلی ۱۳۸۹

ردیف	گروه‌های عمده شغلی	شهر شیراز	بافت تاریخی
۱	قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	۴	۰
۲	متخصصان	۱۳	۳
۳	تکسین‌ها و دستیاران	۸	۰
۴	کارمندان امور اداری و دفتری	۶	۶
۵	کارمندان خدماتی و فروشندگان	۱۵	۲۹
۶	کارکنان ماهر کشاورزی جنگل‌داری و ماهی‌گیری	۳	۰
۷	صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط	۲۰	۱۱
۸	متصدیان مونتاز کاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه	۱۴	۱۴
۹	کارگران ساده	۱۰	۳۵
۱۰	اظهار نشده	۸	۲
	مجموع	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۷- مقایسه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۹ مأخذ: مطالعات طرح تفصیلی ۱۳۸۹

۱۳۸۹	۱۳۸۵	۱۳۷۵	واحد	شاخص	ابعاد
۵۳۰۰۰	۵۶۴۴۵	۶۵۸۶۲	نفر	جمعیت	اجتماعی - جمعیتی
۱۳۵۹۰	۱۴۸۴۶	۱۶۶۲۹	خانوار	خانوار	
۳/۹	۳/۸	۴	نفر	بعد خانوار	
۱۱۰	۱۰۹	۱۰۵	درصد	نسبت جنسی	
	۸۱/۱	۸۱/۷	درصد	با سواد	
۵.۲	۵.۵	۶.۰۷	نفر	نفر در واحد مسکونی	
۱.۳۲	۱.۴۵	۱/۵۱	خانوار	خانوار در واحد مسکونی	
۱۴۰	۱۴۹	۱۷۴	نفر در هکتار	تراکم ناخالص جمعیتی	
۱۰۲۶۲	۱۰۲۵۹	۱۱۰۵۲	واحد	واحد مسکونی	
۳۶	-	۴۹	درصد	سهم مالکیت	
۴۷	-	۳۳	درصد	نسبت اجاره نشینی	
-	۱۳	۱۱/۵	درصد	نرخ بیکاری	
	۳/۵	۳/۲	نفر	بار تکفل	

۴-۳- تحلیل و پیشنهادات

شبهات موضوعی نوسازی بافت‌های فرسوده در ایران با تجدید حیات در بافت‌های تاریخی موجب شده است که تنها ساکنان محلی در برنامه‌ریزی مشارکت در نظر گرفته شوند، حال آنکه بافت تاریخی متعلق به همه مردم ایران و حتی جهان است که می‌توانند در احیا و مرمت آن مشارکت و نقش آفرینی نمایند. در استفاده از ابزار مشارکت تا کنون بیشتر مشارکت در سرمایه‌گذاری مالی و اجرا پروژه‌ها مطرح شده، حال آنکه سرمایه‌های اجتماعی نیز می‌توانند در تحقق اشکال دیگر مشارکت نقش مؤثری ایفا کنند. تجدید حیات به عنوان یک فرآیند طولانی مدت که با طیف وسیعی از مردم از جمله سرمایه‌گذاران، خیرین، اقشار ساکن، متخصصان و... ارتباط دارد و می‌تواند طیف متنوعی از اشکال مشارکت را در بر گیرد.

۵- پیشنهاد مراحل و فعالیت‌ها فرآیند جابه‌جایی در اصالت‌بخشی

با توجه به شناسایی وضعیت بافت تاریخی که در بخش تحلیل و شناخت ارائه شد، پیشنهاد محقق جایگزینی طبقه متوسط و با سرمایه‌های کارآمد در مرمت بافت تاریخی به جای ساکنان فعلی است. سه مرحله اساسی در جابه‌جایی طبقه اجتماعی وجود دارد:

الف - ایجاد انگیزه برای جابه‌جایی از بافت توسط ساکنان فعلی و اسکان آن‌ها در منطقه‌های دیگر شهر جایگزین همزمان با مشخص کردن املاک مورد نیاز با توجه به جمعیت مهاجر و مشارکت در واگذاری زمین‌های معوض به ساکنان فعلی

ب - تجدید حیات و احیای فضاهای شهری و اجرا پروژه‌های محرک توسعه در بافت تاریخی

ج - تشویق داوطلبین برای مشارکت در احیا و ایجاد انگیزه برای سکونت این افراد در بافت.

۵-۱- اصالت بخشی در دوره اولیه

این دوره که شروع اصالت بخشی است هم زمان با جابه جایی انجام می گیرد. در ابتدا افراد تهی دست از بافت مهاجرت کرده و اسکان داده می شوند و ساکنان جدید در بافت جایگزین می گردند. سیاست این دوره توسعه برونزا همراه با توانمندسازی است. فروش سهام مسکن، ایجاد اشتغال، ایجاد مراکز توان بخشی، شرایط تسهیل واگذاری زمین معوض توسط شهرداری و ... از اقدامات توصیه شده در این دوره است.

کنترل شرایط مالی افرادی که داوطلب اسکان در بافت تاریخی باشند از لحاظ دارا بودن سرمایه های اجتماعی - اقتصادی و به وجود آوردن انگیزه های مشارکت در آنها، از جمله اقداماتی است که باید بر اساس مطالعات اجتماعی - اقتصادی ویژه با برنامه مدون در این دوره صورت گیرد.

۵-۲- اصالت بخشی در دوره میانه

در این دوره اسکان گروه های جدید انجام شده و لازم است پیوندهای اجتماعی میان این افراد به واسطه هدف مشترک احیا بافت تقویت شده و به منظور زندگی بهتر در این محدوده شکل پذیرد. گرچه مشارکت دولت و برنامه ریزی های انجام شده در راستای برقراری سرمایه های اجتماعی از میزان اختیاری بودن این حرکت های اجتماعی می کاهد، ولی به دلیل نبود فرهنگ و تجربه غنی در کشور ما در این زمینه، همچنین شروع این حرکت به عنوان حرکتی نو، برنامه ریزی ساختارهای اجتماعی و بسترسازی برای شکل گیری سرمایه های اجتماعی در این دوره ضروری است. این برنامه ها در دوره سوم با کم رنگ کردن نقش دولت به تدریج به مردم سپرده می شود.

توسعه درونزا و یا احیای بافت های تاریخی در جهت ایجاد محرک و انگیزه های لازم برای جابه جایی های از پیش برنامه ریزی شده خواهد بود، منظور جایگزینی افرادی است که به نحوی در احیای بافت در آینده بتوانند مؤثر واقع شوند. در این دوره سیاست ها معطوف بر ارتقاء خدمات عمومی، تأمین مسکن مناسب تر، مرمت ابنیه، رونق گردشگری، تقویت روابط اجتماعی، ایجاد انگیزه های اقتصادی بیشتر برای سرمایه گذاری در زمینه مسکن و فعالیت اقتصادی بافت خواهد بود.

۵-۳- اصالت بخشی در گام های آخر و شروع دوره جدید

در این دوره هدف های اصلی از اصالت بخشی در بافت برآورده شده و حدود سه تا چهار دهه از انجام اصالت بخشی گذشته است. سیاست های این دوره می تواند بر بازگشت به شروع دوره اصالت بخشی متمرکز گردد. افزایش مالیات، مناسب سازی و بهسازی مجدد بناها، افزایش میانگین قیمت زمین و ملک، بازنگری قوانین توسعه و ارتقا سطح خدمات، می تواند به شروع دوره اصالت بخشی به شروع مجدد چرخه کمک نماید.

۶- پیشنهاد محرک ها و مشوق ها برای مراحل سه گانه فرایند

محرک های لازم مرحله اول:

- ۱- ایجاد تسهیلات لازم برای اسکان افراد کم درآمد با اقساط به شرط تملیک
- ۲- ایجاد اشتغال برای افراد کم درآمد که خود عامل مهاجرت آنها از بافت خواهد شد.
- ۳- افزایش مالیات و ارتقا سطح خدمات شهری در بافت های تاریخی

فشار اقتصادی ناشی از افزایش سطح خدمات با اقدامات بهسازی است که در حال حاضر در بافت صورت می‌پذیرد. این تغییرات باعث افزایش سطح خدمات و امکانات در بافت تاریخی می‌شود که فشار روانی و اقتصادی زیادی بر ساکنان تحمیل می‌کنند و مهاجرت آنان را در زمان کوتاه‌تری ممکن می‌سازد. دیگر عامل، بحرانی شدن مسئله بافت‌های تاریخی به دلیل ناپایداری و ناامنی است که ضرورت توجه مسئولین برای تسریع ایجاد تغییرات در بافت با فراهم کردن محمل‌های قانونی و امکانات مالی (تخصیص ردیف بودجه در برنامه در سطح ملی) را آشکار می‌کند. در وضع موجود محمل‌های قانونی مناسبی برای ایجاد تغییرات در بافت‌های تاریخی وجود دارد که به دلیل نبود دیدگاه‌های نظری واحد به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. همسو کردن این تغییرات به وسیله نهاد اجرایی و استفاده از محمل‌های قانونی ذکر شده در تسریع فرآیند تجدید حیات مؤثر خواهد بود.

۸- کاهش اثرات منفی و افزودن اثرات مثبت در جریان پایش

تأثیرات مثبت و منفی‌ای که در جدول یک به آن اشاره شده با توجه به تجربیات سایر کشورها پیش‌بینی شده‌اند و در کشور خودمان سابقه‌ای ندارند، بنابراین مرحله ارزیابی و پایش باید در جریان تجدید حیات به صورت تجربی انجام پذیرد. به حتم نخستین برنامه اصالت بخشی حاوی نکات منفی‌ای خواهد بود که باید در طی فرآیند و بعد از آن بررسی و تعدیل گردند. از جمله تأثیرات منفی که بدان اشاره شد، از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی افراد ساکن فعلی است. یکی از راهکارهای کاهش اثرات منفی جابه‌جایی، به وجود آوردن امکان مهاجرت و اسکان به صورت

محرك‌های لازم در مرحله دوم و سوم:

- ۱- اطمینان بخشی سرمایه‌گذاران از ریسک پایین سرمایه‌گذاری
- ۲- تسهیل شرایط سکونت و واگذاری ملک برای داوطلبین اسکان در بافت با محمل‌های قانونی
- ۳- تأمین تجهیزات زیربنایی مناسب و فضاهای شهری مناسب برای قشر جایگزین
- ۴- ایجاد زمینه‌های اشتغالی که با حال و هوای بافت‌های تاریخی سازگار باشد و به نحوی باعث رونق گردشگری گردد.
- ۵- افزایش بهبود امکانات و خدمات و تسهیلات شهری (رفع آلودگی، حمل و نقل همگانی و ...)
- ۶- ایجاد ایمنی و امنیت
- ۷- تقویت تنوع اجتماعی موجود؛ زیرا اقشار متفاوت باعث شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی بسیار برای اصالت بخشی خودجوش و پایدار بافت خواهد بود.

به هر حال دوره بندی فرآیند جابه‌جایی می‌تواند در اتخاذ راهکارهایی برای دوره‌های زمانی که اصالت بخشی در پیش رو دارد مؤثر واقع شود.

۷- شناخت عوامل تسریع‌کننده جریان اصالت بخشی

یکی از عوامل تسریع‌کننده، ماهیت اشتغال قشرهای ساکن در بافت‌های تاریخی است. افراد ساکن عموماً دارای مشاغل فصلی و کارگرهای روزمزد هستند که مهاجرت و جابه‌جایی موجبات از بین رفتن منابع درآمد آن‌ها فراهم نخواهد کرد. این ویژگی فراهم آوردن شرایط اسکان و اشتغال دائم و توان بخشی را برای گروه‌های مهاجر از بافت تسهیل می‌نماید. دیگر عامل تسریع‌کننده جریان

خواهد بود. این مقاله، اصالت بخشی را به عنوان برنامه اجتماعی-کالبدی پیشنهاد می‌کند که می‌تواند تأثیرات فراوانی بر تجدید حیات کالبدی اجتماعی در بافت‌های کهن داشته باشد و از این رو گام کوچکی در اصلاح روندهای موجود خواهد بود. این فرآیند برنامه‌ها را از حالت فیزیکی صرف خارج کرده و به سمت احیا در همه ابعاد متوجه می‌سازد.

مقاله با توجه به مطالعات نمونه‌های مشابه و بررسی شرایط نمونه موردی با توجه به نتایج پیمایش‌ها و مصاحبه‌های انجام‌شده، انجام فرآیند اصالت بخشی را طی سه دوره «جابه جایی، احیا فضاها و فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی محرک توسعه و جایگزینی ساکنین جدید در بافت تاریخی شیراز» پیشنهاد می‌نماید و ضمن مفید دانستن این فرآیند با توجه به روند فرسودگی شدید بافت تاریخی به تشریح پیامدهای منفی احتمالی فرآیند اصالت بخشی مانند، از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی افراد ساکن نیز پرداخته است و به عوامل تسریع‌کننده فرآیند مانند بهره‌برداری از شرایط فعلی اقتصادی (نرخ مالکیت و وضعیت معیشت مردم ساکن) اشاره کرده که این شرایط می‌تواند محیط مناسب و لازم برای اصالت بخشی خودجوش را فراهم آورد. نکته قابل توجه این است که برنامه اصالت بخشی در این مقاله در حد ایده اولیه مطرح شده است. بنابراین زمینه مناسبی برای بحث و اظهار نظر متخصصان در ادبیات موجود در این زمینه می‌گشاید تا تکمیل و اصلاح گردد. امید است که با تکمیل اظهار نظرهای راهگشا، این ایده پخته‌تر گردد و در اصلاح روندهای موجود به عنوان یکی از برنامه‌های کلیدی و باهدف تحقق پایداری اجتماعی شهرهای ایرانی و احیا بافت‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرد.

گروهی است. بدین ترتیب پیوندهای و سرمایه‌های اجتماعی کمتری طی انجام فرآیند اصالت بخشی تهدید خواهد شد. ضمن آن که امکان غنی شدن سرمایه‌های اجتماعی در طی این فرایند به وسیله فعالیت‌های توان بخشی و ایجاد اشتغال برای مهاجران نیز می‌تواند به وجود آید اما به هر حال در مرحله اجرای هر طرحی به علت اعمال تغییرات، آرامش زندگی ساکنان و ذی‌نفعان به هم خواهد خورد که تسریع جریان اصالت بخشی و به وجود آوردن امکانات جابه‌جایی قبل از اجرای طرح در بازگردان آرامش به زندگی این افراد مؤثر خواهد بود. افزایش تضاد و تأثیرات ثانویه روانی نیز از جمله تأثیرات منفی خواهد بود که عموماً در ارتقا کیفیت با توجه به ارزشمندی منطقه برای همه مردم، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما پرداخت این بها در برابر کاهش روند شتابان فرسودگی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این پروژه به تنهایی نمی‌تواند در ارتباط با تخفیف این اثر کاری صورت دهد. تنها در برنامه‌ریزی در مقیاس شهری است که می‌توان با ایجاد عدالت در تخصیص امکانات به بافت‌های مختلف شهری میزان شدت این تأثیر را کاهش داد.

۹- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرآیند اصالت بخشی در محلات بافت تاریخی شیراز با توجه به چرخه اصالت بخشی و شرایط فرسودگی اجتماعی و کالبدی بافت (از بین رفتن بناهای تاریخی و بافت مسکونی و تبدیل به خرده‌فروشی و بازارچه‌ها، جایگزینی اقشار کم درآمد با فرهنگ‌های التقاطی و شکاف اجاره املاک و قیمت زمین) امکان‌پذیر بوده و سودمندی این فرآیند نسبت به هزینه‌های آن قابل چشم‌پوشی

سپاسگزاری

بابت راهنمایی‌های ارزشمندشان و همچنین از مشارکت در پژوهش ساکنین و شهرداری محترم منطقه بافت تاریخی - فرهنگی شیراز سپاسگزارم.

از استادان گرانقدر آقایان دکتر جهانشاه پاکزاد، دکتر علی غفاری و دکتر محمد شیخی

پی‌نوشت‌ها

1- Case study strategy

۲- شرح کامل مطالعات در پایان‌نامه نویسنده قابل دسترسی می‌باشد.

3- Gentrification

4- Ruth Glass (1912-1990)

5- Direct displacement

6- Secondary displacement

7-Exclusionary displacement

منابع و مآخذ

- پاکزاد، عرفان و رضا شکیبانیا. (۱۳۹۳). واکاوی فرآروند اصالت بخشی در بافت‌های فرسوده. اولین کنفرانس ملی شهرسازی. مدیریت شهری و توسعه پایدار. تهران: موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران.
- تقوایی، مسعود. غلامی، یونس. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل تئوری اصالت بخشی تغییر کالبدی محلات مرکزی شهرها. ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. سال نهم، شماره ۸۹: ۱۲-۱۷.
- رهنما، محمدرحیم. (۱۳۷۵). معرفی و ارزیابی تئوری اصالت بخشی در فرآیند احیا بافت‌های قدیم شهری نمونه محله سرشور مشهد. «تحقیقات جغرافیایی» دوره ۱۱، شماره ۴۲: ۷۲-۹۱.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۰). نگاهی به طرح حفظ احیا و بازسازی بافت تاریخی سمنان. هفت شهر. سال دوم، شماره ۴: ۴۷-۵۹.
- سلیمانی، محمد. تولایی، سیمین. کریمی پور بداله و آقایی‌زاده، اسماعیل. (۱۳۹۰). درآمدی بر اثرات اصالت‌بخشی بافت‌های فرسوده شهر تهران (نمونه موردی: محله مفت آباد)، مطالعات شهر ایرانی اسلامی: پاییز ۱۳۹۰، دوره ۲، شماره ۵: ۶۷-۷۸.
- شاکر اردکانی، رضا و حسین ذبیحی. (۱۳۹۰). تبیین ویژگی‌های اصالت بخشی و امکان‌سنجی تحقق آن در بافت تاریخی شهر اردکان. دو فصلنامه تخصصی اقلیم گرم و خشک، دوره ۱، شماره ۱: ۸۳-۱۰۰.
- شهاب‌زاده، مرجان. (۱۳۷۸). بهسازی و تجدید حیات در بافت کهن شیراز با رویکرد توسعه پایدار، کارشناسی ارشد طراحی شهری. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهندسین مشاور پردازاز. ۱۳۸۳ و ۱۳۸۹. طرح بازنگری بافت تاریخی شیراز.
- Atkinson, Rowland. (2002). Does Gentrification Help Or Harm Urban Neighbourhoods?: An Assessment of the Evidence-base in the Context of New Urban Agenda: ESRC Centre for Neighbourhood Research Bristol.
- Badcock, Blair. (2001). Thirty years on: Gentrification and class changeover in Adelaide's inner suburbs, 1966-96. *Urban Studies*, 38(9), 1559-1572 .
- Brown-Saracino, Japonica. (2010). A neighborhood that never changes: Gentrification, social preservation, and the search for authenticity: University of Chicago Press.
- Chang, TC. (2016). 'New uses need old buildings': Gentrification aesthetics and the arts in Singapore. *Urban Studies*, 53(3), 524-539 .
- Curran, Winifred. (2007). 'From the Frying Pan to the Oven': Gentrification and the Experience of Industrial Displacement in Williamsburg, Brooklyn. *Urban Studies*, 44(8), 1427-1440 .
- Freeman, Lance. (2011). There goes the hood: Views of gentrification from the ground up: Temple University Press.
- Freeman, Lance, & Braconi, Frank. (2004). Gentrification and displacement New York City in the 1990s. *Journal of the American Planning Association*, 70(1), 39-52 .
- He, Shenjing. (2007). State-sponsored gentrification under market transition the case of Shanghai. *Urban Affairs Review*, 43(2), 171-198 .
- Janoschka, Michael, Sequera, Jorge, & Salinas, Luis. (2014). Gentrification in Spain and Latin America—A critical dialogue. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(4), 1234-1265 .

- Jou, Sue-Ching, Clark, Eric, & Chen, Hsiao-Wei. (2016). Gentrification and revanchist urbanism in Taipei? *Urban Studies*, 53(3), 560-576 .
- La Grange, Adrienne, & Pretorius, Frederik. (2016). State-led gentrification in Hong Kong. *Urban Studies*, 53(3), 506-523 .
- Lees, Loretta, Slater, Tom, & Wyly, Elvin. (2013). *Gentrification*: Routledge.
- Rérat, Patrick, & Lees, Loretta. (2011). Spatial capital, gentrification and mobility: evidence from Swiss core cities. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 36(1), 126-142 .
- Rérat, Patrick, Söderström, Ola, Piguët, Etienne, & Besson, Roger. (2010). From urban wastelands to new-build gentrification: The case of Swiss cities. *Population, Space and Place*, 16(5), 429-442 .
- Shaw, Kate S, & Hagemans, Iris W. (2015). 'Gentrification Without Displacement' and the Consequent Loss of Place: The Effects of Class Transition on Low-income Residents of Secure Housing in Gentrifying Areas. *International Journal of Urban and Regional Research*, 39(2), 323-341 .
- Shin, Hyun Bang, & Kim, Soo-Hyun. (2016). The developmental state, speculative urbanisation and the politics of displacement in gentrifying Seoul. *Urban Studies*, 53(3), 540-559 .

الگوهای پوشش الحاقی موقت برای فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد

آزاده خاکی قصر*

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، گروه معماری

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸)

چکیده

تحقیق حاضر جلد صفری برای پرسش از پوشاندن فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد است. در مرتبه بعدی، حد پوشاندن و اطوار الگوهای پوشش مناسب، مورد بحث است، از این رو احصاء الگوهای پوشش الحاقی موقت به عنوان راهنمای مطالعاتی پیش از طراحی برای فضاهای باز نیازمند پوشش بافت یزد هدف تحقیق حاضر است. از اهداف بالادست، حرکت در مسیر سازگاری کالبد دپروز و زندگی امروز در فضاهای باز بافت است. در پیشینه موضوع، از روش تحقیق تفسیری - تاریخی و در بخش‌هایی از مطالعه میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین از طریق جداول و الگوهایی به مثابه راهنمای مطالعاتی پیش از طراحی، روش توصیفی-تحلیلی در تحقیق به کار گرفته شده است. نیاز پوشانده شدن برخی فضاهای باز در بافت یزد، نیازی متناسب با شرایط آسایش امروز انسان است که دلایل مختلف از جمله استفاده بهینه از فضای باز، متناسب با تفاوت‌گوناگونی فعالیت‌های امروزی نسبت به گذشته را داراست. از سوی دیگر، بر اساس بیانیه‌های جهانی احیای بافت‌های تاریخی، امکان چنین تحولاتی طبق شرایطی وجود دارد، از این رو پاسخگویی به چنین نیازی به رسمیت شناخته می‌شود. در تحقیق حاضر، الگوهای پوشش بر اساس منطق اقلیمی، در سه دسته تابستانه، زمستانه و چهارفصل قرار می‌گیرند. هر یک از الگوها بر اساس اندازه دهانه، بودجه کارفرما، ارزش تاریخی بناها، جوهره کاربری، میزان استفاده از فضای باز در شبانه روز، هزینه نگهداری و میزان استحکام بنا برای استقرار آنها با یکدیگر متفاوتند، از این رو اولویت انتخاب الگوها، متفاوت است. در تحقیق، ضمن بیان مزایا و معایب هر یک از الگوها، پیشنهادهای در جهت ارتقای آنان نیز آمده است. آفت‌هایی عمومی بر سر راه استفاده از الگوهای پوشش قرار دارند که عبارتند از: پوسیدن در برابر اشعه ماورای بنفش، آسیب پذیری در برابر باد و آسیب زدن به سازه‌های موجود سنتی. برای دچار نشدن به چنین آسیب‌هایی در مرحله طراحی بایستی به کمک متخصصین امر، راهکارهای دقیقی جست. الگوهای مناسب پوشش، با اولویت الگوهای پوشش چهارفصل و برخی الگوهای تابستانه و تا حدودی الگوهای زمستانه هستند. مزیت الگوهای چهارفصل آن است که کمترین تغییر را در سیما و پر و خالی بناها دارند. همچنین بیشترین بازدهی شرایط آسایش را سبب می‌شوند. برخی از آنها وجه موقت بودن را علاوه بر سال‌های استفاده، می‌توانند در طول روز نیز عرضه نمایند. در نهایت بایستی بیان کرد برای پوشش فضاهای باز با ارزش تاریخی با کاربری مذهبی، تنها «راهکار پوش» از الگوهای چهارفصل، وجاهت دارد و می‌بایست این سنت با آداب و کیفیت مترتب بر آن در یزد تداوم یابد. همچنین الگوی پوش برای کاربری‌های دیگر نبایستی استفاده شود.

کلید واژه‌ها: الگوهای پوشش الحاقی، فضاهای باز بافت یزد، پوش، الگوهای تابستانه، الگوهای زمستانه، الگوهای چهارفصل

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا می‌توان به الگوهای برای پوشش الحاقی موقت متناسب با فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد به عنوان راهنمای مطالعاتی پیش از طراحی رسید؟ اگر پاسخ مثبت است، حد پوشاندن و همچنین نوع الگوهای پوشش مد نظر چیست؟

۲. عوامل موثر در انتخاب نوع پوشش موقت برای فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد چیست؟

۱- مقدمه

در استان یزد، در مواقع عزاداری (حدود دو ماه در سال)، به دلایل اقلیمی، نیاز هست که چه در روز فصول گرم و چه در شب فصول سرد، فضای باز بسیاری از حسینیه‌ها و صحن‌های مساجد و برخی حیاط‌خانه‌ها برای روضه‌خوانی، موقت پوشیده شوند و این امر سابقه تاریخی دارد. همچنین امروزه برای استفاده بیشتر از فضای باز دانه‌های موجود در بافت یزد، راهکارهای مختلف دیگری نیز مبنی بر پوشاندن فضاهای باز، عملیاتی و اجرا می‌شوند که بیشتر در قالب پوشش‌های ثابت سبک، نیمه سنگین و سنگین هستند. برخی راهکارها سبب ارتقا و بهینه ساختن و انعطاف پذیری بیشتر فضاهای باز و برخی نیز، سبب تغییرات نادرست در بافت شده است. در ادبیات موضوع، محمدرضا متینی به مساله حاضر چنین توجه کرده است: «حیاط مرکزی بسیاری از ابنیه-ی تاریخی کشورمان در حال حاضر به دلیل اعطای عملکردهای نوین و یا گسترش فضاهای جمعی در حیاط نمونه‌های باززنده سازی شده، با سقف‌هایی سبک پوشیده شده‌اند که اغلب دارای جزییاتی ضعیف، اجرایی نامناسب و

منظری نازیبا هستند و به دلیل عدم امکان برچیده شدن آسان و سریع، جایگاه و مفهوم معماری درونگرا با حیاط‌های باز مرکزی را از بین برده‌اند- « (متینی، ۱۳۹۳) با تشخیص چنین مسئله‌ای، پایان-نامه‌های متعددی در دوره کارشناسی ارشد معماری در ایران تعریف و انجام شده است که با رویکردهای مختلف سازه‌ای، اقلیمی، هویتی و ... به پرسش از پوشش فضاهای باز در حیاط‌های مرکزی ایران و شهرهای کویری به خصوص یزد در نمونه‌های موردی آن می‌پردازند.

با مطالعه میدانی که در بافت یزد انجام شد تعداد قابل توجهی از نمونه‌های پوشاندن فضاهای باز وجود دارند که حکایت از پاسخ‌های استفاده‌کنندگان به این مسأله است و روز به روز تعداد آنها در حال افزایش است (تصویر ۱).

همانطور که در تصاویر ۱ ملاحظه می‌شود، در محدوده اطراف مسجد جامع و مسجد مصلا که از محدوده‌های تاریخی مهم یزد هستند، تعداد قابل توجهی از پوشانده شدن فضاهای باز بافت مشاهده می‌شود که دو نوع را در بر می‌گیرد: پوشش‌های سنتی و معاصر مربوط به مکان‌های مذهبی و کاربری‌های متفاوت از کاربری مذهبی.

به این ترتیب، با توجه به اعتبار بیرونی که وجود دارد، ضرورت دارد تحقیقاتی مبنی بر پرسش از امکان پوشاندن، حد پوشاندن و نوع الگوهای مناسب پوشاندن موقت (برپایی و برچیده شدن) برای بعضی فضاهای باز بافت که نیازمند پوشش هستند تعریف شود.

در تبیین محدوده تحقیق بایستی چنین اظهار کرد: تحقیق حاضر قصد ندارد که در حوزه طراحی و تدقیق آن و نکات اجرایی پوشش‌ها ورود کند و تحدید موضوعی تحقیق بر فتح باب

شناختن نیاز به پوشانده شدن برخی فضاهای باز بناهای بافت تاریخی یزد و پیشنهاد الگوهایی در مطالعات و سیاست گذاری‌های راهبردی، به هدف فراهم آوردن منزل قبل از طراحی، مدخلی بر پرسش‌های تخصصی آتی باشد.

تبیین نیاز و تبیین الگوهای مناسب پاسخ به نیاز پوشش خواهد بود. به عبارتی، تحقیق حاضر به صورت جلد صفر میان رشته‌ای (معماری، مرمت، سازه، تاسیسات، فناوری، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ...) تعریف شده است که بتواند با به رسمیت



تصاویر ۱-بخشی از بافت یزد (در اطراف مسجد جامع و محدوده میدان خان) و نشان دادن پوشش‌هایی که بر روی فضاهای باز بافت گسترده شده‌اند. (ماخذ: google earth، آخرین دسترسی ۲۸/۲/۱۳۹۶)

در فرآیند حفاظت از آثار تاریخی ایران نیازمند ضرورت توجه به مفهوم تداوم فرهنگ آفرینش بومی به عنوان تمهیدی برای تکمیل فرآیند ارزیابی اصالت‌مندی به ویژه در مورد آن دسته از آثار تاریخی است که هنوز حیات اجتماعی پویایی دارند و با نمودهای عینی این مفهوم در رابطه متقابل میان بخش‌های قدیمی و جدید اثر تاریخی (بازسازی‌ها، الحاقات و تعمیرات) انطباق بیشتری بر ارزش‌های بومی و غنای تلقی از اصالت در سطح بین‌المللی را در پی خواهد داشت» (پدرام و همکاران، ۱۳۹۰)

اهداف مترتب بر چنین پژوهش‌هایی در سندهای حوزه بالادست مرمتی و مداخله در بافت^۱ وجود دارد که طراحی و ساخت اجزای الحاقی متناسب با بناهای تاریخی را می‌طلبد.

تحقیق حاضر به لزوم توجه و تاکید بر ارزش‌های تاریخی، هویتی و بومی بافت، آنچنان که در توافق نامه‌های بین‌المللی آمده است و محمد منصور فلامکی (۱۳۷۴: ۲۱۴) و مهدی حجت (۱۳۸۰: ۴۵) بر آن تاکید می‌ورزند، اهتمام دارد. همچنین مداخله مد نظر از جنس «تداوم بومی فرهنگ آفرینش» است آن طور که بهنام پدرام و همکاران وی در تحقیق خود بیان می‌کنند: «اصالت

پوشانه: مصالحی همچون پارچه، ورقه‌های آزبست، شیشه، کرباس، تلق، حصیر، پلاستیک و... که روی پوشش کشیده می‌شود.

۲- پیشینه

۲-۱- راهکارهای پوشاننده فضاهای باز بافت در استان یزد

- **پوش:** پوش، یادآور مراسم هیأت‌ها در حسینیه‌های استان یزد است: «...پوش، سقفی موقت برای اجتماعی از مردم است و از نظر سمبلیک اشاره به خیمه‌های حضرت سیدالشهداء^(ع) دارد. جداره‌ها و پایین پوش نیز با کتیبه‌هایی از پارچه‌های ساده مزین به اشعار محتشم کاشانی، سیاه پوش می‌شود... نقش مایه‌های موجود در سطح پوش و خیمه‌ی حسینیه‌ها در یزد، دارای ارزش‌های نمادین و آیینی هستند که ریشه در فرهنگ و باورهای شیعی دارد. این تداخل شکل و رنگ و هماهنگی آن در بنای تکایا و حسینیه‌ها و نقوش نصب شده در سقف خیمه‌ها و حاشیه‌ها، حالتی معنوی را بیان می‌کند...» (شریفی و دادخواهی، ۱۳۹۲).

دامنه کاربرد پژوهش حاضر آن است که بتواند در صورت نیاز به پوشش برای فضاهای باز در اختیار مخاطبان قرار بگیرد و به تدریج عملیاتی شود و با حداقل تغییرات موقت در چهره بافت باشد: «تغییرپذیری فضای شهری در ذات شهر قدیمی با ارزشی که به دست ما سپرده می‌شود، وجود دارد.

شهر قدیمی که به دلیل پذیرفتن فعل و انفعالات گوناگون در فضای کالبدی‌اش، توانسته موجودیت حیاتی خود را پایدار نگه دارد، چگونه خواهد توانست از امروز به بعد تحت حفاظت مطلق قرار گرفته و تغییر شکل فضای کالبدی خود را متوقف سازد؟» (ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰)

برخی از کلمات خاص تحقیق حاضر به طور مختصر چنین تبیین می‌شوند:

پوش: راهکار سنتی پوشاننده فضاهای باز حسینیه‌ها، خانه‌ها و صحن برخی مساجد استان یزد در مواقع عزاداری
پوشش: سازه‌ای که روی فضاهای باز مستقر می‌شود تا سبب پوشاننده شدن فضای باز باشد.



تصاویر ۲- مرحله‌ای از پوش کشیدن بر روی صحن مسجد جامع یزد در اربعین حسینی (ماخذ: سید محمد حسینی، ۱۳۹۵)

با همدلی و همکاری مردم محله و شهر، امکان‌پذیر است و شکل خیمه‌ای آن که یادآور واقعه کربلاست، ریشه‌ای دیرینه در فرهنگ و آداب و رسوم پایدار مردم یزد دارد.^۲

از دلایل راهکار پوش، بهره‌وری فضا به منظور پذیرش تعداد بیشتری از مردم با شرایط آسایش بهتر در شهر کویری همچون یزد در مراسم عزاداری است. از سوی دیگر، آداب برپایی آن که

روی چادر تعبیه شده‌اند، مهار می‌شود. همچنین از کابل‌های متصل به سازه لوله‌ای دور تا دور حیاط، به عنوان زیر ساخت سبک دائم پوشش‌های کابلی-چادری استفاده می‌شود. روی لوله‌ها و کابل‌ها، پوشانه‌هایی از جنس پارچه، پلاستیک و انواع برزنت‌ها استفاده می‌شود.^۳

- پوشش‌های خرپایی (خرپاهای سبک، نیمه سنگین و سنگین): در این راهکار دو سوی لبه بام، تکیه‌گاه خرپاهایی می‌شود که از پروفیل-های لوله‌ای ساخته می‌شوند. سازه خرپایی که بر روی فضای باز برپا شد، روی آن پوشش چادری یا حتی پلاستیک‌های گلخانه‌ای ضخیم پوشانده می‌شود. در مصادیقی مثل حسینیه ابوالفضل کوچه هزار درخت یزد، خرپای اجرا شده سنگین است و دارای ستون‌های بزرگ مخصوص خود می‌باشد.^۴

در حال حاضر برخی خانه‌ها که به هتل، تغییر کاربری داده‌اند از راهکار پوش به صورت دائم استفاده می‌کنند، اما استفاده آنها از پوش تنها به علت گسترش فضای لابی و رستوران هتل‌هاست و جنبه مذهبی و ریشه‌ای موضوع پوش را ندارد.

امروزه، تدابیری به منظور ثابت ساختن چادرها برای کل ایام سال اتخاذ گشته‌اند که می‌توان آنها را در چند دسته زیر جای داد:

- پوشش‌های کابلی - چادری: در این رویکرد، طناب‌ها یا کابل‌هایی در دو سوی پشت بام به صورت رفت و برگشتی کشیده می‌شوند و چادری که با نوارهای پارچه ای چرخ دوزی شده است و استحکام بیشتری را به دست آورده است روی کابل‌ها و طناب‌ها از طریق اتصالات سوراخ‌هایی که دارای غلاف‌های فلزی هستند و



تصویر ۳- خرپای نیمه سنگین برای استقرار پوشش حسینیه وقت و ساعت یزد کاشانه یزد
تصویر ۴- خرپای سبک برای پوشش حیاط هتل سنتی

- پوشش گیاهی: به منظور انعطاف‌پذیری بیشتر فضاهای باز خانه‌ها (حیاطها) و حفظ شرایط آسایش (تامین رطوبت و سایه) از راهکار دارند انگور، در گذشته و حال استفاده می‌شود. در تابستان که درختان انگور برگ‌زیادی دارند، سایه‌بان مناسبی برای تامین سایه و کاهش دما ایجاد می‌کنند و در فصل سرد که درخت انگور خزان پذیر است، آفتاب مناسب به حیاط راه می‌یابد.

- پوشش‌های داربستی: این رویکرد خطرات خاص خود را دارد و ایمنی لازم در آن تأمین نمی‌شود. برای برپایی آن، داربست‌های ساختمانی در محوطه فضای باز بدون تکیه‌گاه تعریف شده‌ای به یکدیگر اتصال داده می‌شوند و پای داربست‌ها روی زمین قرار می‌گیرند و پوشانه چادری نیز در بالا بر روی آن پهن می‌شود و در لبه‌ها توسط طناب محکم می‌شود.

- خرپای چوبی یا فلزی و پوشانه پارچه‌ای در تکایا و حسینیه‌ها: معماری تکایا و حسینیه‌های ایران در گذشته به صورت مستطیل یا مربع با طاق نماهایی در اطراف صحن بوده است که برای پوشش فضای باز آنها از خرپای چوبی یا فلزی و پوشانه‌های مختلف بسته به اقلیم های مختلف استفاده می‌شده است: «سبک معماری تکیه آقامیرزا آقاسی در عهد محمدشاه قاجار به عنوان منبع الهام سایر تکایای دولتی شهرستانها قرار گرفت. این تکایا غالباً طاق‌نماهای دور صحن با سکوی مربعی وسط صحن بودند. پوشش صحن با چادرهایی صورت می‌گرفت» (عناصری و کرم زاده، ۱۳۹۲) یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه پوشانه‌های پارچه‌ای با سازه سبک خرپایی به تکیه دولت و عهد قاجار در تهران باز می‌گردد. درباره پوشش سقف تکیه دولت چنین بیان شده است: «...سقف مدور آن هشت هلال داشت که از جنس چوب بوده و با اتصالات آهنی به هم وصل شده بود... صحن مرکزی را داربستی از الوار و تیرهای چوبی می‌پوشاند که با بست‌ها و تسمه‌های آهنی درهم چفت شده و بر روی دیوارهای بنا تعبیه شده بود و سقفی گنبدی را بر روی صحن تشکیل میداد که در مواقع ضروری چادر کرباسی ضخیمی بر روی آن می‌کشیدند... پس از آن که چوب‌بست‌ها از چند جا شکست، مهندسی فرانسوی به فرمان مظفرالدین شاه نیم‌قوس‌هایی آهنی به جای قوس‌های چوبی کار گذاشت. نیم‌قوس‌های آهنی دوازده عدد بود که هر یک از پنج تکه مجزا تشکیل و با پیچ و مهره به هم وصل می‌شد و دیگر به پشتبندهای آجری در سقف اتاقهای تکیه احتیاجی نبود...»^۵ (گلجان و افشار رضایی، ۱۳۹۳). خرپاهای چوبی به عنوان پوشش دائم به بناهای خشتی یا آجری نیز اضافه می‌شده‌اند. چنان

- پوشش دائم: گاهی در برابر نیاز به دائم پوشانده شدن یک فضای باز در بافت، راهکار سقف سنگین دائم نیز وجود داشته است که به دوران معاصر (حدود ۴۰ سال اخیر) باز می‌گردد.



تصویر ۵- یکی از حیاطهای سرپوشیده در خانه شهید صدوقی در یزد

- سایه بان طره‌ای: در سال‌های اخیر تدبیر سایه بان طره‌ای سبک به عنوان پوشش بخشی از فضای باز استفاده شده است.



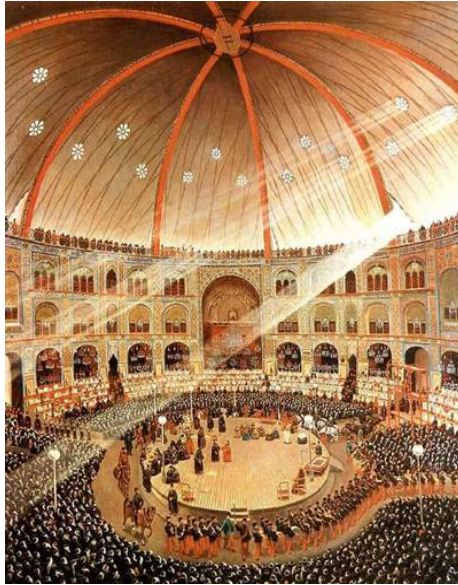
تصاویر ۶- سایه بان طره‌ای در کاروانسرای زین‌الدین مهریز (ماخذ: دانشنامه آزاد)

۲-۲- راهکارهای پوشش فضای باز بافت در ایران - پوش: سنت پوش، علاوه بر یزد، در برخی شهرهای دیگر ایران نیز در گذشته و حال استفاده می‌شود.



تصویر ۷- پوش تکیه در خونگاه تهران (حسینیه سادات اخوی) (ماخذ: خبرگزاری مهر)

سازه‌هایی بیشتر در قالب خرپاهای چوبی در بازارها برای ایجاد گره‌های بازار و تکیه‌ها هستند.



تصویر ۸- تصویر نقاشی شده توسط کمال الملک از تکیه دولت (ماخذ: پاکباز، ۱۳۷۸)



تصویر ۹- تصویر خرپای فلزی تکیه دولت (ماخذ: فرهمند، ۱۳۹۶)

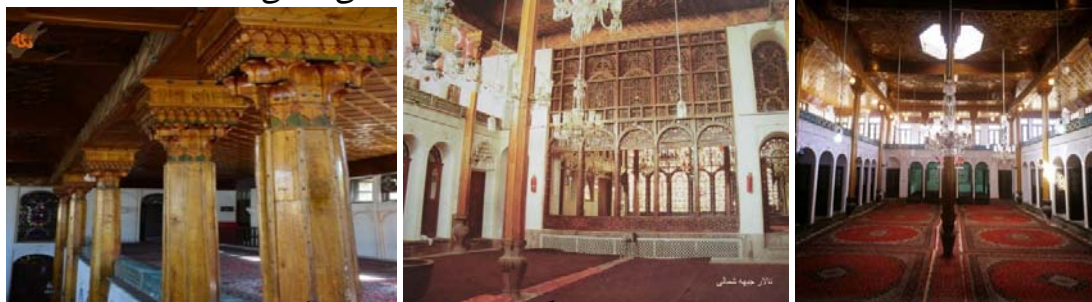


تصویر ۱۰- پوشش خرپایی تکیه پایین تجریش (ماخذ: احسان شریفی، ۱۳۹۶) تصویر ۱۱- پوشش خرپایی تکیه بازار سمنان (ماخذ: نگارنده، ۱۳۸۹)

گرمای تابستان از راهکار پوشاندن آنها بهره گرفته می‌شده است.

تیر و ستون چوبی و توفال کوبی و پوشانه کاهگل در تعزیه خانه‌ها: در بعضی موارد، برای پوشش حیاط به عنوان تعزیه خانه، یک سقف تیر و ستون چوبی روی حیاط و حتی بخشهایی از پشت بام به عنوان فضای تماشای تعزیه، بنا می‌شده است.

در خانه انگورستان ملک، با استناد به شواهد و قرائن نوع ساخت و ساز، پوشش حیاط مورد نظر الحاقی است و بعدها به عنوان سقف دائم تعزیه خانه انگورستان ملک به روی حیاط موجود اضافه شده است (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲).



تصاویر ۱۲- پوشش الحاقی تیر و ستون چوبی حیاط تعزیه خانه انگورستان ملک اصفهان (ماخذ: گنجنامه - دفتر خانه‌های اصفهان)

آتریم‌ها: دارای انواع سازه‌های فلزی سبک هستند که برای حیاط‌های مرکزی ساختمان‌های تاریخی در اروپا پیش‌بینی می‌شده‌اند: «خاستگاه سازه‌های فلزی سبک که بر روی حیاط‌های مرکزی استقرار می‌یافتند در فرانسه بود و به بازارهای سرپوشیده فرانسوی شهرت داشتند. نمونه‌هایی از آنها عبارتند از: بازار سنت مادلن (۱۸۲۴-۱۸۳۲) بوسیله گابریل وینی، هال سنترال (۱۸۵۴-۱۸۶۶) توسط ویکتور بالتار و فلیکس کاله که دارای چندین حیاط داخلی با نورگیری از سقف بزرگ شیشه‌ای بودند» (مانیا گولامپونینی، ۱۳۸۹: ۸). نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که تصاویر ۱۲ بیانگر بخشی دیگر از آنهاست.

تمایل به ساختن تکیه‌های بزرگتر دلایل مختلفی داشت که از آن جمله به این موارد زیر اشاره شده است: «عواملی مانند علاقه و استقبال شدید مردم به عزاداری و نمایش‌های مذهبی، کوچکی فضای تکیه‌ها و همچنین سرمایه هوا (در صورت برگزاری مراسم در زمستان) اجرای مراسم شبیه‌گردانی را مختل می‌کرد، بنابراین نیاز به ساخت تکیه‌های بزرگتر و مجهزتر احساس می‌شد» (گلجان و افشاررضایی، ۱۳۹۳) موارد بیان شده قابل تعمیم به علت پوشش فضای باز حسینیه‌ها نیز می‌باشد. به این ترتیب که برای بهره‌وری بیشتر فضای باز موجود حسینیه‌ها در سرمای زمستان و

۲-۳- راهکارهای پوشش فضاهای باز در سایر نقاط جهان

در سایر نقاط جهان به دلایل مختلف از جمله اقلیمی (تابش زیاد یا بارش زیاد باران یا برف) برای افزایش بهره‌وری فضاهای باز بناهای تاریخی، آنها را می‌پوشاندند. در کشورهای با اقلیم گرم و خشک، بیشتر از سایه‌بان‌های چادری برای کاهش اثر تابش شدید آفتاب استفاده می‌شود. در اروپا، معمولاً پوشاندن‌ها به صورت شفاف بود که بتوانند از نور روز استفاده کنند و در فصول سرد، به لحاظ حالت گلخانه‌ای که به وجود می‌آید دما را به صورت طبیعی بالا نگه دارند. با این نگاه آتریم‌هایی به وجود آمده است.



تصاویر ۱۳- پوشش‌های آتریومی برای سه حیاط مرکزی از مجموعه تاریخی فمیلیستر در بلژیک (ماخذ: مانیاگولامپونانی، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹)

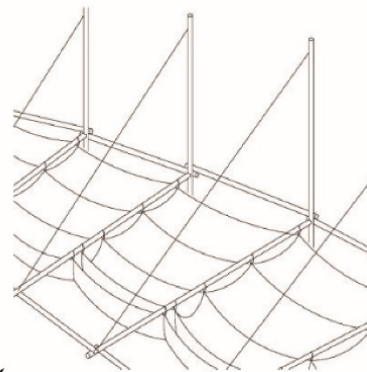
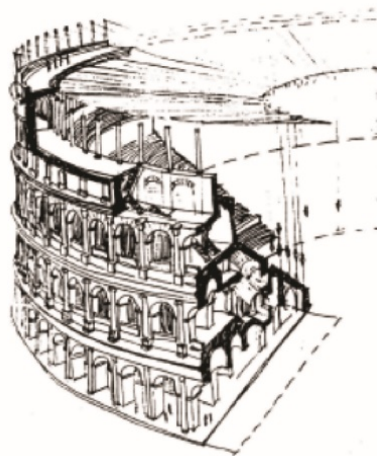
که در منابع آمده است از اولین پوشش‌های متحرک در بناهای تاریخی برای آمفی‌تاتر کلیزه بوده است (Friedman, 2011).

به جز نیاز پوشاندن فضاهای باز بناهای تاریخی، با گسترش نیاز به ساخت ورزشگاهها و سرپوشیده ساختن آنها از ۱۹۳۰ میلادی به بعد کار طراحی و ساخت پوشش‌های متحرک آغاز شد. فرای اتو^۶ از چهره‌های شاخص در این زمینه شناخته می‌شود. او و شاگردانش تلاش‌های موفق و موثری در طراحی و ساخت پوشش‌ها و سقف‌های متحرک داشتند. وی ماتریسی برای انواع حالت‌های باز و بسته شونده‌گی سقف‌ها تبیین نمود که روشن و مختصر به بیان انواع الگوهای پوشش می‌پردازد (جدول ۱)

-چترها: نگاه باز و بسته‌شوندگی به چترها به خصوص در اقلیم‌های گرم و خشک، کمک می‌کند که جواب انعطاف‌پذیری به سوال تحقیق حاضر داده شود و همچنین شرایط آسایش در تمامی ساعات شبانه‌روز مد نظر قرار بگیرد. چترهایی که برای حیاط مسجدالنبی طراحی و ساخته شدند از پاسخ‌هایی بودند که به موضوع داده شد.

-سازه‌های سبک اسپیس فریم: از آنها با پوشانه‌های مختلف برای حفاظت از سایت‌های باستانی استفاده می‌شود.

-پوشش‌های متحرک: راهکار پوشش‌های متحرک در بافت‌های تاریخی جهان، عمر طولانی ندارد و به حدود ۱۰۰ سال اخیر می‌رسد. آنچنان



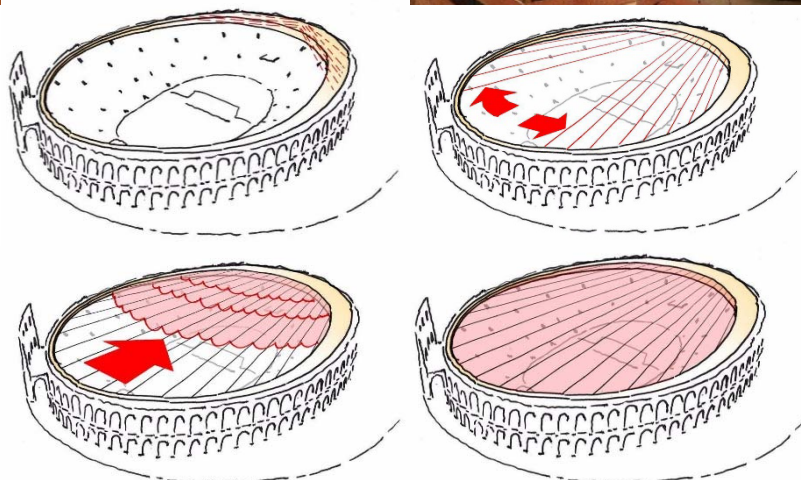
تصویر ۱۴- پوشش باز و بسته‌شونده برای کلیزه رم (ماخذ: Friedman, 2011)

جدول ۱- ماتریس پوشش های متحرک تهیه شده توسط Frei Otto (ماخذ: متینی، ۱۳۹۳: ۲۱)

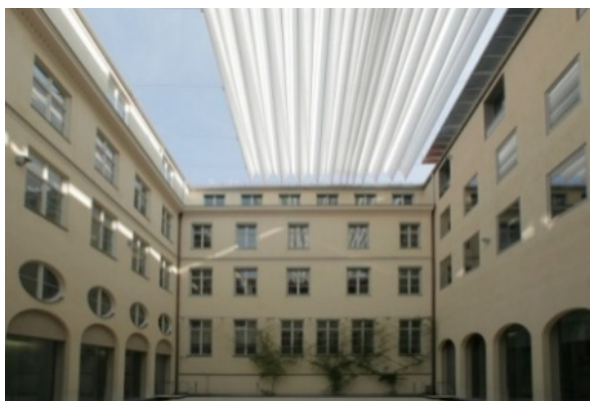
سیستم ساختاری	گونه حرکتی	جهت حرکت			
		موازی	مرکزی	دایره ای	پیرامونی
پوشش پارچه ای، سازه حمایتی ساکن است	چین خوردن				
	لوله شدن				
پوشش پارچه ای، سازه حمایتی متحرک است	لغزیدن				
	تا شدن				
	دوران کردن				
ساختار سخت	لغزیدن				
	تا شدن				
	دوران کردن				

طراحی و ساخته می شود. از آن میان می توان به پوشش متحرک آمفی تاتر دیگری در رم اشاره کرد (تصویر ۱۵).

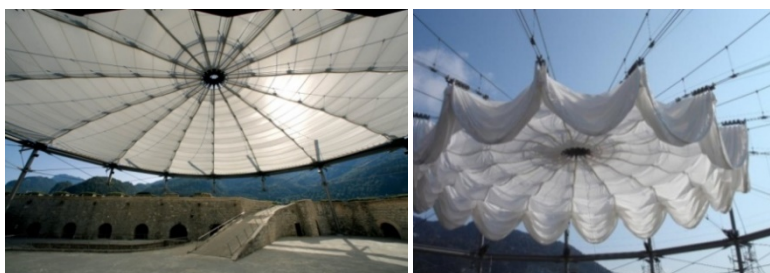
روزبه روز توان تکنولوژیکی برای استقبال از چنین سقف هایی رونق بیشتری می گیرد و نمونه های مختلف و ترکیبی از موارد بیان شده



تصویر ۱۵- طراحی پوشش متحرک صدف اسکالوپ برای Roman Arena در ورونا ایالتا (ماخذ: Frearson, 2017)



تصویر ۱۶- پوشش حیاط ساختمان بانک هایپو در مونیخ آلمان (ماخذ: Tectonica-online, 2017)



تصاویر ۱۷- پوشش سایت باستانی کوفستین در اتریش (ماخذ: Tectonica-online, 2017)

- الگوهای تابستانه: در مواردی استفاده می‌شوند که تنها در تابستان نیاز به پوشش دارند و ثابت یا متحرک هستند.

- الگوهای زمستانه: در فصل سرد قابل استفاده هستند. با تدابیر سایه بانی در فصول گرم نیز قابل استفاده‌اند.

- الگوهای چهارفصل: به لحاظ باز و بسته شوندگی که دارند، فضاهای باز را در بعضی ساعات شبانه روز با اصالت خود حفظ می‌کنند و برای تمامی فصول و ساعات روز مناسب‌اند.

در جدول ۲، دسته بندی راهکارها و مصادیق آنها در پیشینه موضوع به اختصار بیان شده است:

- سازه چادری:

سازه‌های چادری از دیگر پاسخ‌هاست. فرم سیال و انعطاف‌پذیر چادر، عبور جریان هوا و نیمه-باز بودن فضای به دست آمده دو ویژگی است که کمک می‌کند ماهیت الحاقی بودن به خصوص به بناهای با ارزش تاریخی، حفظ شود.

۲-۴- دسته‌بندی راهکارهای موجود در پیشینه موضوع

پاسخ‌ها را می‌توان بر اساس منطق اقلیمی، به سه دسته کلی تابستانه، زمستانه و چهارفصل تقسیم نمود:

جدول ۲- دسته‌بندی راهکارهای موجود و مصادیق آنها در پیشینه موضوع

ردیف	نوع الگوهای پوشش	مصادیق الگوهای پوشش مستخرج از مطالعه پیشینه موضوع
۱	الگوهای تابستانه	پوشش‌های داربستی، سایه‌بان‌های طره‌ای (ثابت و متحرک)، سازه‌های چادری، چترهای ثابت
۲	الگوهای زمستانه	سقف دائم، آتریم‌ها، تیر و چوب و توفال‌کوبی، فریم‌ها، فرم‌های ثابت آزاد
۳	الگوهای چهارفصل	پوش، سقف‌های متحرک، داربند انگور، چترهای باز و بسته شونده

۲-۵- جمع بندی بخش پیشینه موضوع

با توجه به مطالعه‌ای که از نظر گذشت، نیاز به پوشانده شدن برخی فضاهای باز در بافت تاریخی یزد و سایر بافت‌های ایران و جهان، در گذشته وجود داشته است و تا به امروز پابرجاست. در راستای پاسخگویی به چنان نیازی، الگوهای متفاوت و متنوعی در طول تاریخ، شکل گرفته‌اند که در سه دسته اقلیمی تابستانه، زمستانه و چهارفصل جای گرفتند و این دسته بندی در مورد یزد نیز مصداق‌های خاص خود را دارد. حُسن الگوهای نامبرده شده در یزد، در کنترل تابش و تامین سایه می باشد و نمونه‌های مختلفی از آنها در یزد اجرا شده است که ممکن است موفقیت‌هایی را نیز حاصل کرده باشند، اما آفت‌هایی متوجه آنهاست که بایستی به آنها توجه داشت. آن آفت‌ها عبارتند از: پوشیدن پوشش‌ها در برابر اشعه ماورای بنفش خورشید در منطقه یزد، آسیب پذیری در برابر بادهای شدید و گاهی احساس ناامنی از تکان‌های قابل توجه پوشش‌ها در اثر باد و همچنین آسیب زدن به سازه‌های بنای سنتی موجود که بار پوشش الحاقی را تحمل می‌کند. در بخش‌های آتی مقاله، جداگانه تحلیل خواهد آمد که به طور خاص، مزایا و معایب هر یک از الگوها را مشخص می‌کند.

۳- شناخت فضاهای باز بافت یزد به منظور

تقرب به الگوهای پوشش مناسب برای آنها
 ۱-۳- مروری مختصر بر اهداف و تدوین راهبردها و ضوابط کلی در طراحی ساختارهای جدید در بافت‌ها

راهبردهای کلی و سیاستگذاری‌های پیشنهادی بر ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی، موضوع تحقیقات دیگری بوده است و منجر به دستورالعمل‌هایی در این حوزه شده است:

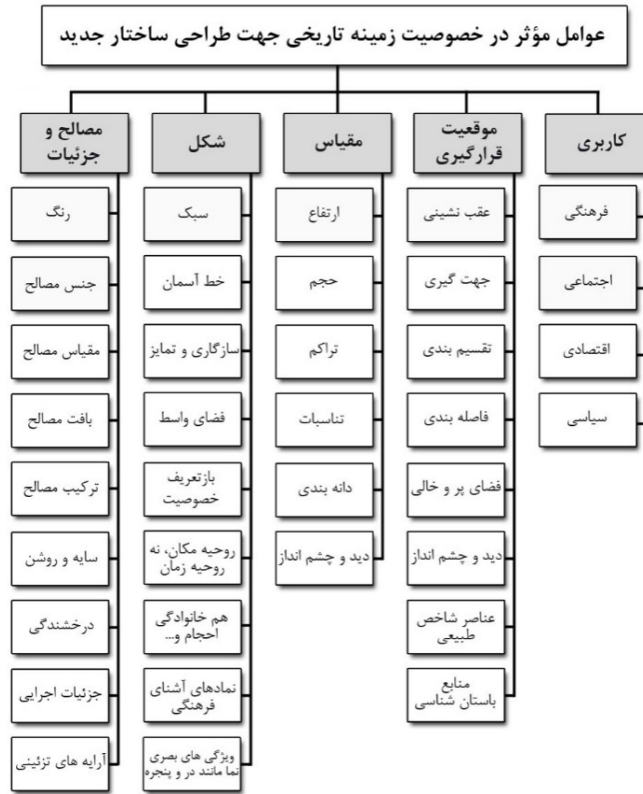
«دستورالعمل‌های پیشنهادی ثابت نیستند، اما جامع‌اند، به طوری که می‌توانند در موقعیت‌های متنوعی استفاده شوند و با ویژگی‌های شرایط گوناگون و ارزش‌های نهفته در هر زمینه تاریخی منطبق گردند.» (شاه تیموری و مظاهریان ۱۳۹۱) در ادامه با اشاره به شاخص‌های تأثیرگذار در تعریف خصوصیت زمینه تاریخی، دیاگرامی از عواملی که می‌بایست در طراحی ساختارهای جدید به طور عمومی مورد توجه قرار گیرند ارائه می‌گردد (دیاگرام ۱).

به این ترتیب پارامترهایی همچون کاربری، موقعیت قرارگیری، مقیاس، شکل و مصالح و جزئیات، از مواردی هستند که می‌بایست با دقت نظر ویژه‌ای در آنها عمیق شد و پابند بود. در تحقیق دیگری با تنظیم جدولی مبتنی بر اصول کلی طراحی معماری و مداخلات مرمتی در بافت‌های تاریخی، به تطبیق ضوابط و دستورالعمل‌های بین‌المللی مرتبط با آنها با رویکرد بومی سازی پرداخته شده است که حاصل آن در جدول ۳ خواهد آمد.

با دقت در جدول بحث الگو بودن و در جستجوی الگو بودن برای پوشش‌ها به جای طرح دادن، اصالت و تقدم می‌یابد. همچنین بر اساس تاکید بر لزوم حفظ الگوهای معماری سنتی، بایستی با توجه به پیشینه موضوع، روش‌های اصیلی را که در سنت برای پوشش‌ها مورد استفاده واقع می‌شده است را تداوم بخشید. همچنین بحث توجه به یکپارچگی و پیوستگی و موارد دیگری که مطرح شده‌اند بسیار مهم‌اند.

۳-۲- برخی از وجوه و حدود فضاهای باز -حیاط خانه‌های سنتی: به عنوان خانه امروزی، بافت تاریخی یزد به طور کلی، فضاهای باز نیازمند پوشش در بافت تاریخی یزد به دو دسته تقسیم می‌شوند:

هتل، رستوران، فضای آموزشی یا فرهنگی، انبار یا کارگاه استفاده می‌شوند.



دیاگرام ۱- عوامل مورد توجه در طراحی ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی (ماخذ: شاه تیموری و مظاهریان ۱۳۹۱)

جدول ۳- ضوابط و دستورالعمل‌های طراحی معماری در بافت‌های تاریخی در تطبیق با وجوه خاص طراحی معماری در آنها

(ماخذ: ترک زبان و محمد مرادی، ۱۳۹۰)

ضوابط و استانداردهای مدن	وجوه خاص طراحی
لزوم حفظ الگوهای معماری سنتی در طراحی در بافت‌های تاریخی هماهنگی با محیط طبیعی و مقوله زیست محیطی و جغرافیایی هماهنگی با محیط تاریخی حساسیت به ریشه‌ها لزوم مدیریت تغییر با گذشت زمان توجه به زیبایی بافت، سادگی طراحی در عین توجه به نظم، وحدت، ارتباط و وابستگی، تعادل و هماهنگی و پرهیز از تضاد زیاد توجه به شکل و فرم و ترکیبات به کار رفته در ابنیه و بافت پیرامونی آنها	کالبد معماری الف) گونه شناسی ب) الگو ج) مواد و مصالح د) دانه بندی و) عرصه و اعیان ه) جزئیات معماری ی) هماهنگی با محیط طبیعی پیرامونی
حفاظت به شکل زمینه گرا (هماهنگی جدید با قدیم) اصالت و شخصیت کلی ارگانیزم‌های شهری باید مود حفاظت قرار بگیرد. حفاظت فراگیر: شامل تحلیل کالبدی-فضایی و بازشناخت شالوده‌های آن کیفیت دوباره بخشیدن به محله‌های کهن بدون دگرگونی‌های اساسی در ترکیب اجتماعی ساکنان دقت در مضامین نهفته در بافت تاریخی لزوم ایجاد یکپارچگی در متن تاریخی	پیوستگی و یکپارچگی

فضای باز حسینیه‌ها و صحن بعضی مساجد (برخی عرصه‌های محلی یا شهری همچون لردها): به منظور روضه‌خوانی و جوه دیگری علاوه بر کاربری موثر هستند که عبارتند از: ارزش تاریخی، زمان بهره برداری از فضاهای باز، معیار

اقتصادی (بودجه مالک)، معیار سازه‌ای (اندازه دهانه)، میزان نیاز به پوشانده بودن، عامل فضای سبز موجود (از عوامل مداخله‌گر در نوع پوشش) و عامل میزان استحکام بنای موجود. حدود زیر برای برخی وجوهی که بیان شد قابل تبیین هستند:

حدود کاربری‌های فضاهای باز بافت تاریخی یزد:

صحن مساجد	حسینیه	آموزشی یا فرهنگی	لابی هتل	فضای باز هتل	حیاط خانه	رستوران	کارگاه	انبار
-----------	--------	------------------	----------	--------------	-----------	---------	--------	-------

حدود ساعات استفاده از فضاهای باز بافت تاریخی یزد:

روز تابستان	شب تابستان	روز زمستان	شب تابستان	کل ساعات شبانه روز
-------------	------------	------------	------------	--------------------

حدود مناسبت‌های بصری جوهه فضاهای باز بافت تاریخی یزد:

مذهبی	مسکونی	آموزشی	فرهنگی-گردشگری	تجاری
-------	--------	--------	----------------	-------

حدود ارزش تاریخی فضاهای باز بافت تاریخی یزد:

با ارزش تاریخی	بدون ارزش تاریخی
----------------	------------------

حدود استحکام بنای سازنده فضاهای باز بافت تاریخی یزد:

کاملاً مقاوم و با قابلیت اضافه شدن بار الحاقی	نسبتاً مقاوم و عدم قابلیت افزودن بار الحاقی	عدم مقاومت و عدم قابلیت افزودن بار الحاقی
---	---	---

۳-۳- اهداف و تدوین راهبردهای کلی در پوشش‌های فضاهای باز بافت یزد

در ذیل دستورالعمل‌ها و ضوابط کلی که بر ساختارهای جدید در بافت‌ها می‌بایست حاکم باشد، اهدافی هویتی، زیباشناختی و عملکردی

می‌توان تعریف کرد که بتوان با توجه به آنها، به راهبردهای کلی در طراحی پوشش‌ها تقرب جست (جدول ۴).

جدول ۴- جدول تبیین راهبردها و اهداف

اهداف	راهبردهای کلی در الگوهای پوشش
هویتی	حفظ روحیه تاریخی- مذهبی فضای باز در حسینیه‌ها و صحن مساجد
	حفظ حس مکان تاریخی موجود و ایجاد حس مکان مصنوع جدید منطبق بر زمینه
	توجه و تأکید بر مفهوم آسمان و ادراک آن در فضاهای باز بناهای یزد (کویری)
زیباشناختی	ادراک عناصر معماری در پشت بام‌ها و خط آسمان‌های قابل رویت از درون فضاهای باز از دید ناظر
	مناسبت بصری با جوهه فضاهای باز موجود
	ایجاد کشش بصری و خاطره‌انگیزی
	ایجاد لطافت سایه در مکان در کنار عنصر آب و باد و گیاه
عملکردی	دلبازی و فراخی و نه محصوریت
	افزایش زمان بهره‌برداری از فضاهای باز بافت تاریخی یزد (فیلتر تابش شدید و مقابله با UV و گاهی باران و به ندرت برف)
	ارتقای گوناگونی و تنوع فعالیتها در فضاهای باز
	تقرب به بهینه هزینه‌ها در مصرف انرژی
	محکم و پایدار بودن و نگهداری راحت

۴-۳- بررسی مولفه‌های کیفی محیط در حوزه بیرونی و میانی پوشش‌ها
 هر پوشش الحاقی به فضای باز بافت یزد، سه حوزه بیرونی و میانی و درونی ادراک ایجاد می‌کند. در حوزه بیرونی، تبعاتی در پر و خالی دانه‌ها و خط آسمان و در حوزه درونی، تفاوت در محصوریت، روشنایی و ... دارد (جدول ۵).

جدول ۵- جدول تبیین مولفه‌های کیفی در الگوهای پوشش‌ها

مولفه های کیفی	حوزه بیرونی	حوزه میانی	احکام کلی متاثر از مولفه های کیفی
فرمی (ظاهری، صوری)	- پایبندی به خط آسمان بافت	- تعریف جدیدی از عرصه موقت میانی بنا	- قابل تحول و نو شدن باشد.
	- تعامل متناسب بین کالبد و پوشش با تسلط روحیه تاریخی بنا	- قابلیت خوانایی و هم‌راستایی با نور مناسب و جهت قبله (منطبق با رون)	-انعطاف پذیری -همه‌نگی در تناسبات اجزاء
عملکردی	- عصر الحاقی به عنوان نشانه مذهبی تظاهر بیرونی داشته باشد.	-تناسب شان پوشش با کاربری بنا -تعریف مقیاس عملکردی	-تناسب کاربری با زمینه -ایمنی و شرایط آسایش
	- تشخیص تم مذهبی مکان بر اساس ادراک ناظر عبورکننده	- خوانایی بیشتر -طراحی بر اساس درک ناظر مقیم	- جهت‌گیری به سوی آسمان
معنایی	-توجه بر مفهوم حیات حیاط	- انتقال مفاهیم آسمان و حیات حیاط	- همراستای هویت بناهای تاریخی

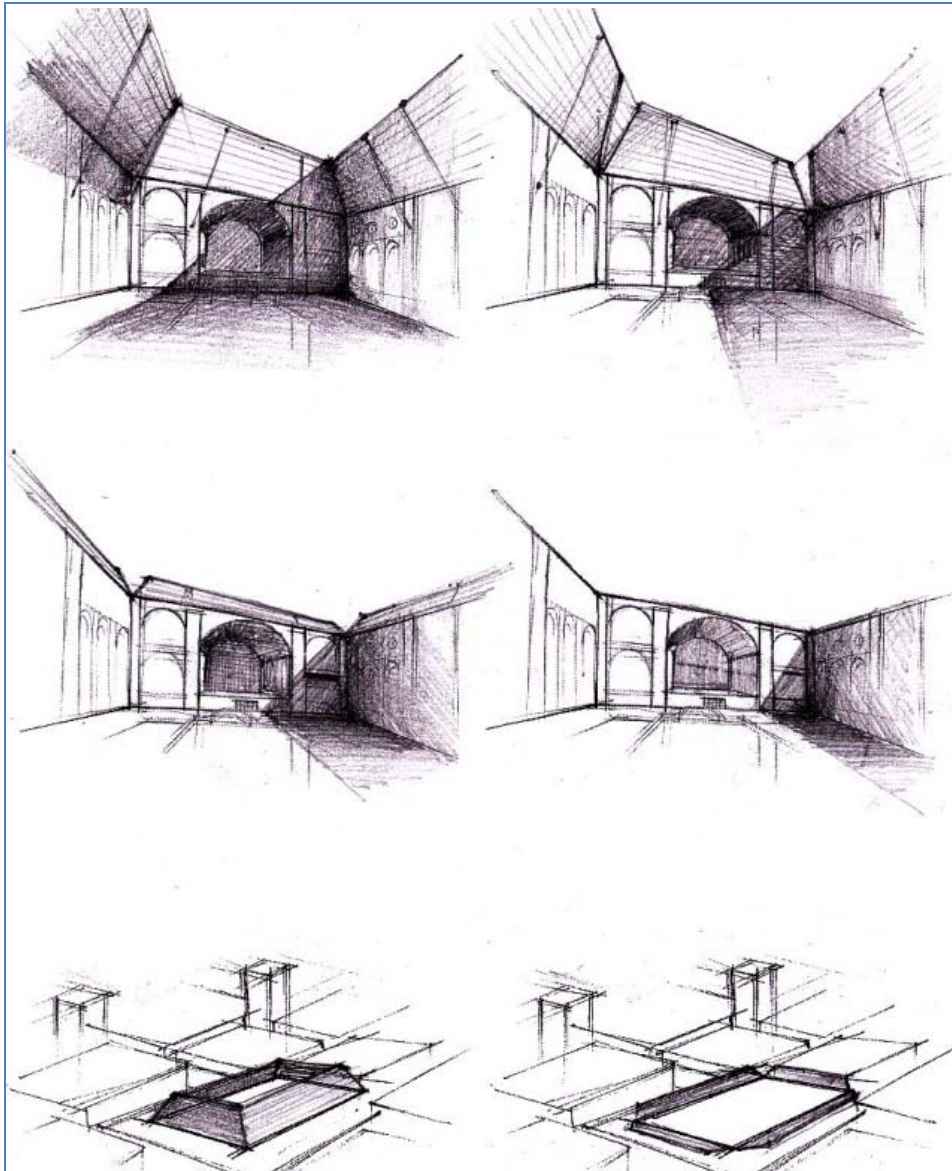
۵-۳- تدقیق اهداف و راهبردها و سیاست‌گذاری‌های پیشنهادی در احصاء الگوهای پوشش

جدول ۶- جدول سیاست‌های مورد نظر در احصاء الگوهای پوشش

اهداف	راهبرد	سیاست
تعمیر و بازسازی	حفظ حس مکان تاریخی و طبیعت موجود در آن و ایجاد حس مکان مصنوع موقت جدید منطبق بر زمینه	- استفاده از مفاهیم در کهن الگوهای معماری بومی و استفاده از مصالح بومی یزد - عدم تقلید پوششها از سایر نقاط جهان - حفظ منظر آسمان و ارزش تاریخی محل - ایجاد فضای مصنوع و طبیعی متناسب با اقلیم - توجه به نقش هویتی گیاهان و درختان پاسخده در محل فضاهای باز(تامین شرایط رشد آنها)
	تشخیص فضاهای باز در عین پوشش	- توجه به حفظ پر و خالی در فضاهای باز با ارزش تاریخی
	توجه و تاکید بر مفهوم آسمان در کویر	- تدارک سناریویی برای مفهوم آسمانه(سقف/پوشش) در کویر
	توجه به سبقه فرهنگی -تاریخی یزد	- تاکید بر استفاده از مصداق پوش در پوشش فضاهای باز بناهای مذهبی-تاریخی
تعمیر و بازسازی	مناسبت بصری با جوهره موضوع	- توجه به تناسب مقیاسها و رنگ در ساخت عناصر پوشش الحاقی
	ایجاد کشش بصری	- طراحی جزئیات پوشش با توجه به درک ناظر
	لطافت در مکان بر اساس وجود آب و باد...	- اولویت استفاده از چهارفصل بودن یا تابستانه بودن پوشش
	ایجاد دل‌بازی و فراخی	- گشودن دید به سمت آسمان
	توجه ویژه به ارزش بناهای تاریخی	- استفاده حداقلی از عناصر مصنوع و نشان دادن الحاقی بودن پوشش
	از بین نبردن انسجام موجود	- همخوانی سیمای مناظر تاریخی و پوشش الحاقی
	ایجاد گوناگونی با سازگاری میان فعالیتها	- انعطاف پذیر بودن پوشش‌ها
	امنیت	- دارا بودن استحکام لازم
عملکردی	توجه به تقویت روحیه اجتماعی - فرهنگی	- ایجاد فضاهای تفریحی و تفریحی به هدف ایجاد بهجت در مردم
	راحتی و پذیرندگی	- تامین به شرایط آسایش
عملکردی	تهویه هوا	- باز و بسته شوندگی

باز که تابش مزاحم وجود دارد، پوشانه‌هایی همچون پارچه یا حصیر استفاده می‌شود. زاویه طره‌ها قابل تدقیق است و می‌بایست با مشاوری متخصصان اقلیمی و همچنین با دقت شدن در محل، به زاویه مناسب برای قرارگیری طره‌ها رسید.

۴- تبلور و تبیین الگوهای پوشش متناسب با فضاهای باز بافت تاریخی یزد
 ۴-۱- بررسی امکان استفاده از الگوهای پوشش تابستانه:
 - سایه‌بان‌های طره‌ای سبک ثابت و متحرک:
 در الگوی سایه‌بانهای طره‌ای، در هر ضلع فضای



تصویر ۱۸- سایه‌بانهای طره‌ای متحرک^۷

به وجود بیاورند. لذا می‌بایست بیشتر در فضاهای با محصوریت کم از این الگو استفاده شود. همچنین

در فضاهای باز با محصوریت زیاد، سایه‌بانهای طره‌ای ثابت، ممکن است احساس تنگی در فضا را

- چترهای قابل حمل به صورت ثابت یا باز و بسته شونده: می توان چترهای سبک قابل حمل و نقلی را تدارک دید که به تناسب نیاز در مکانهایی در فضاهای باز بافت یزد استقرار یابند و در مواقعی که نیاز نیست، چترها در محلی نگهداری شوند. در جدول ۷، تلاش می شود نقاط قوت و ضعف راهکارهای الگوهای پوشش تابستانه و پیشنهاداتی به جهت بهبود آنها بیان شوند:

لزومی ندارد که چنین الگویی در تمامی نمای فضای باز ایجاد گردد. از سوی دیگر با باز و بسته شدن این نوع سایه بانها، در فصول سرد که نیاز به تابش وجود دارد، امکان ورود و عبور نور به فضای باز تامین می گردد.

- داربند انگور

- سازه طنابی و لوله‌هایی روی لبه‌های بام و پوشانه پارچه‌ای

جدول ۷- مزایا و معایب الگوهای پوشش تابستانه و پیشنهاداتی برای ارتقای آنها

پیشنهاداتی برای ارتقا	معایب	مزایا	مصادیق الگوهای پوشش تابستانه
برای استفاده در حیاط مرکزی خانه ها که دارای ارزش تاریخی نباشند در اولویت است.	- سطح قابل توجهی از فضای باز را سایه دار نمی کند . -مختص حیاط خانه هاست.	در تابستان درختان انگور برگ زیادی دارند ، سایه بان مناسبی ایجاد می کند و در زمستان درخت انگور خزان پذیر است و آفتاب مناسب به حیاط راه می یابد.	داربند انگور
پوشانه پارچه‌ای می‌بایست در فصول سرد از روی پوشش باز شود و در صورت نیاز از پوشانه پلاستیک شفاف استفاده شود.	چهره فضای باز را تغییر می‌دهد و به طور ثابت بر فراز فضای باز می ماند.	تامین سایه بسیار مناسبی در فصل گرم دارد.	سازه طنابی و لوله‌هایی روی لبه‌های بام و پوشانه پارچه‌ای
-در فضاهای باز با ارزش تاریخی به صورت ثابت استفاده نشوند. -بایستی از مواد نانو یا مواد دیگری که مقاوم کننده در برابر نفوذ تابش است استفاده شود.	-ثابت بودن چنین پاسخی، در فضاهای باز با ارزش تاریخی، منطبق با اصول الحاقات نیست. -عمر محدودی دارند و در برابر آفتاب پوسیده می شوند.	-کیفیت فضای باز به طور کامل از بین نمی رود و تنها در لبه‌های فضای باز، سایه ایجاد می‌شود. -عدم ضرورت از استفاده از آن در تمامی جبهه‌های فضای باز(استفاده در جبهه‌های دارای تابش مزاحم)	ثابت سایه بانهای طره‌ای سبک
- در برابر باد، بایستی توسط تکیه گاههای مقاوم، ایمن شوند. -برای فضاهای باز با ارزش تاریخی می‌توانند در اولویت استفاده باشند.	-نسبت به نیروی باد شکننده‌اند. -نسبت به نمونه ثابت، با صرف هزینه بیشتری برپا می شوند.	-با بسته شدن این نوع سایه بانها، نمای اصیل یک دانه تاریخی در بافت یزد می‌تواند به حالت دست نخورده حفظ شود .	متحرک
- در فضاهای با ارزش تاریخی هم می‌توانند استفاده شوند. (موقت بودن آنها کاملا درک می شود) -بایستی از مواد نانو یا مواد دیگری که مقاوم کننده در برابر نفوذ تابش است استفاده شود.	-در حمل و نقل و نگهداری، به علت آنکه بسته نمی شوند فضای زیادی را اشغال می نمایند. -عمر محدودی دارند و در برابر آفتاب پوسیده می شوند.	-چون تنها در مواقع لزوم مستقرند، در سایر اوقات در محلی نگهداری می‌شوند و همیشگی نیستند. -مقرون به صرفه‌اند. - چون کوتاهند، جلوی نماهای موجود را نمی گیرند. -در برابر نیروی باد مقاومند.	ثابت (باز) چترهای قابل حمل
		علاوه بر مواردی که مشابه چترهای قابل حمل باز است، چترهای باز و بسته شونده در برابر نیروی باد مقاوم ترند چون در جای خود می توانند بسته شوند.	باز و بسته شونده

۲-۴- بررسی امکان استفاده از الگوهای پوشش زمستانه

- پوشش سازه‌های فضاکار، خرپاهای آلومینیومی، چوبی و پوشانه‌های مختلف

در این نوع الگوها به دلیل ثابت بودن، نیروی باد شدید بسیار مزاحم است و سبب از جا کنده شدن پوشش می‌شود. از سویی برای کمتر تحمیل کردن نیروی فشاری بر سازه بنای موجود، بایستی وزن پوشش به حداقل برسد و از سویی می‌بایست با سنگین کردن پوشش با نیروی باد مقابله کرد. در این چالش برای مقابله با نیروی باد بایستی در تکیه-گاهها از عناصر فلزی سنگین‌تر استفاده کرد و در برخی عناصر سازه‌ای نیز از لوله‌های فلزی استفاده کرد تا باد، قدرت از جا کنده شدن پوشش را نداشته باشد و از سویی دیگر وزن سایر عناصر تشکیل دهنده پوشش را تا حد امکان کاهش داد.

- پوشش طنابی و لوله‌هایی روی لبه‌های پشت بام و پوشانه پلاستیک: در این الگو، پوشانه پلاستیکی، فضای باز بافت را به صورت گلخانه از باب شرایط نور و رطوبت و تابش و گرما تغییر می‌دهد. از آنجا که یزد شهر کویری با زمستان‌های سرد می‌باشد با اتخاذ این تدبیر، میزان بهره‌وری از فضای باز در زمستان افزایش می‌یابد و درختان و گلها و گیاهان، رشد بیشتری دارند. فضاهای جنبی فضای باز یعنی اتاق‌ها نیز با این تدبیر در شرایط آسایش بهتری قرار می‌گیرند. بر اساس این راهکار در زمان‌های غیر از فصل سرد، پوشانه پلاستیک از روی پوشش طنابی برداشته می‌شود و تنها طناب‌ها یا کابل‌ها روی فضای باز باقی می‌مانند و دیده می‌شوند. در جدول ۸، تلاش می‌شود مزایا و معایب مصادیق الگوهای پوشش زمستانه برای فضاهای باز بافت تاریخی یزد، تبیین شوند.

جدول ۸- مزایا و معایب مصادیق الگوهای پوشش زمستانه برای فضاهای باز بافت یزد و پیشنهادهای برای ارتقای آنها

مصادیق الگوهای پوشش زمستانه	مزایا	معایب	پیشنهاداتی برای ارتقا
پوشش طنابی و لوله‌هایی روی لبه‌های پشت بام و پوشانه پلاستیک گلخانه‌ای	- اجازه عبور نور را به درون فضای باز می‌دهد. - کلیت چهره فضای باز را مخدوش نمی‌سازد. - کاهش مصرف انرژی در زمستان	- این تدبیر زمستانه است در حالیکه بیشتر ایام سال در یزد، تابستان می‌باشد. - پلاستیک، خیلی زود در برابر آفتاب پوسیده می‌شود.	- می‌بایست در تابستان به جای پوشانه پلاستیک، پوشانه پارچه‌ای نصب گردد. - بایستی از پلاستیک‌های گلخانه‌ای که صد اشعه ماورای بنفش هستند استفاده کرد.
پوشش سازه‌های فضاکار، خرپاهای آلومینیومی، چوبی و پوشانه	- سبک هستند و آسیب سازه‌ای به بنای موجود (در صورت سالم بودن) وارد نمی‌سازند.	- تغییر اساسی در سیمای فضای باز به وجود می‌آورند. - به دلیل سبکی نسبت به باد مقاوم نیستند و ممکن است از جا کنده شوند.	- می‌بایست فرم اسپیس فریم یا خرپاها با آرکی تایپ‌های زمینه مناسب داشته باشد. - برای فضاهای باز با ارزش تاریخی اصلا توصیه نمی‌شود. - در برابر باد، بایستی توسط تکیه گاههای مقاوم، ایمن شوند.

۳-۴- بررسی امکان استفاده از الگوهای پوشش چهارفصل

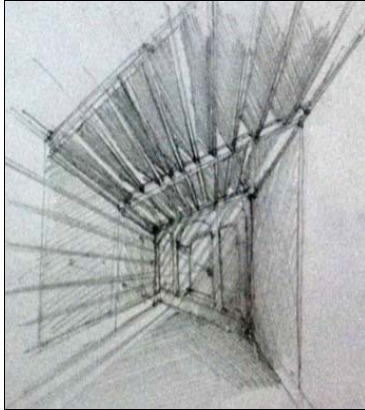
- پوشش: پوشش‌ها به لحاظ اقلیمی بهترین پاسخگویی را در روز تابستان و شب زمستان دارند

اما چون به طور موقت برپا می‌شوند برای کل سال هم با توجه به پذیرندگی جمعیت بالا و ایجاد حال و هوای خیمه‌ها (در مراسم عزاداری)، برای استفاده مذهبی در چهارفصل، شناخته شده‌اند. حفظ چنین

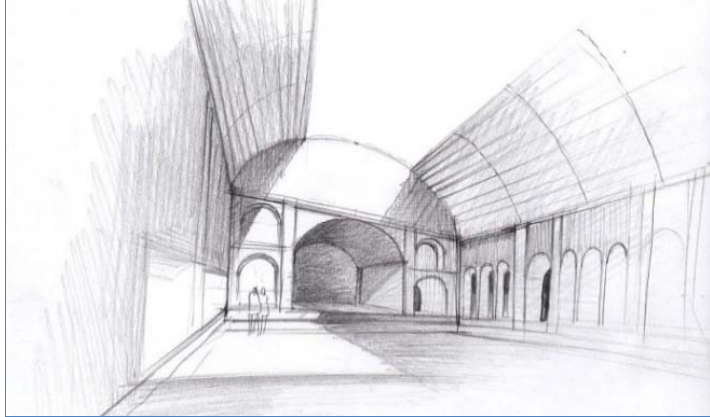
هتل‌های سنتی، به دلیل عدم تناسب کاربری فضای باز هتل‌ها با پوشش و دیگر دلایل مربوط به تهویه و اقلیم و... الگوی پوشش‌های سنتی در اولویت نیستند.

- پوشش‌های متحرک: پرده‌ای تخت، گهواره‌ای، کالسکه‌ای، کشویی-ریلی، کرکره‌ای، قیچی‌سان جمع‌شونده و ...

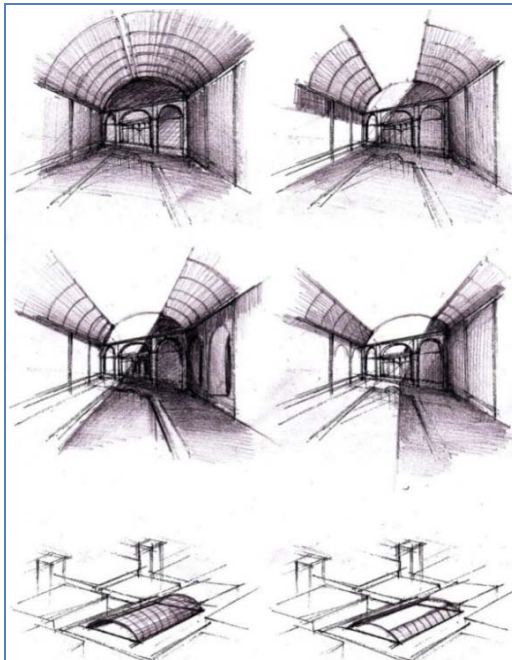
الگویی برای پوشاندن موقت فضاهای مذهبی، فواید خاص خود را دارد^۱. به این ترتیب، پوشش‌ها، بهترین پاسخ به نیاز حسینه‌ها و مساجد برای پوشش‌های موقت در یزد هستند. استفاده از این نوع الگوها برای خانه‌های سنتی که در ایام عزاداری و مراسم مذهبی، قبلاً از سنت پوش استفاده می‌کردند می‌بایست تداوم یابد، اما در



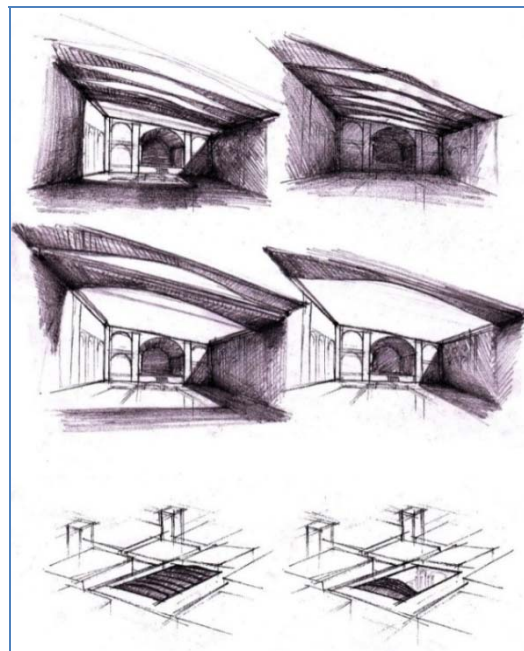
تصویر ۲۰- الگوی پوشش پرده‌ای گهواره‌ای



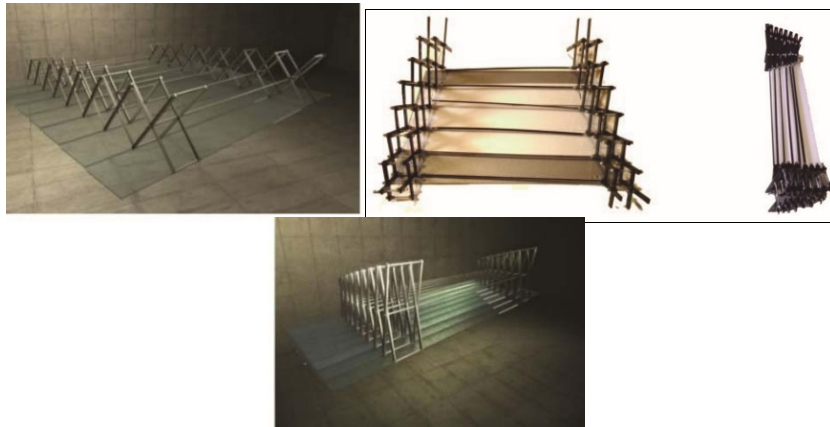
تصویر ۱۹- الگوی پوشش پرده‌ای تخت تصویر



تصویر ۲۲- الگوی پوشش کشویی



تصویر ۲۱- الگوی پوشش کالسکه‌ای



تصاویر ۲۳- الگوی قیچی سان با مدول‌های غیر هم‌اندازه، از کوچک به بزرگ (در حالت جمع و باز شده) (ماخذ: Osmani et al., 2015, p.3)

جدول ۹- مزایا و معایب مصادیق الگوهای پوشش چهارفصل و پیشنهاداتی برای ارتقا

پیشنهاداتی برای ارتقا	معایب	مزایا	مصادیق الگوهای چهارفصل
<p>-فکر کردن برای بهینه ساختن دیتیل‌های اجرایی ستونها و پارچه‌ها و اتصالات پوش سنتی و استهلاک کمتر بخشهای چوبی آنها</p> <p>- استفاده از پارچه‌های به روز که در برابر تابش و پوسیدن مقاوم شده‌اند.</p>	<p>-پوسیدگی ستون‌ها و پوشانه‌ها به مرور زمان بر اثر فرسایش و ساییده شدن</p> <p>-ضعف در برابر باد شدید^۹</p> <p>-پوسیدن پارچه پوش در برابر آفتاب</p>	<p>به لحاظ هویتی و تا حدود زیادی اقلیمی، بهترین پاسخگویی را در فضاهای باز تاریخی- مذهبی دارند.</p>	<p>پوش</p>
<p>-فکر کردن برای افزایش سهم تکنولوژی بومی و مصالح بومی در طراحی و ساخت آنها برای رسیدن به هزینه‌های بهینه و کمتر</p> <p>-طراحی اتصالات پاسخگو در برابر نفوذ گرد و غبار</p>	<p>-کمتر مقرون به صرفه‌اند.</p> <p>-کمتر بومی‌اند.</p> <p>-طراحی و اجرای پیچیده و زمانبر</p> <p>-گرد و غبار یزد، از مداخله‌گرهای استفاده آسان آنهاست.</p>	<p>برخی از آنها، کمترین تاثیر بر سیمای بافت را دارند.</p>	<p>پوش‌های متحرک</p>

۵- نتیجه‌گیری

در تحقیقی که از نظر گذشت، از نیاز به پوشانده شدن برخی فضاهای باز بافت تاریخی یزد سوال شد و نتیجه آن شد که چنین نیازی بر اساس تغییر شرایط آسایش امروز انسان و گوناگونی فعالیت‌های معطوف به فضاهای باز و بهره‌وری بیشتر آنها، به رسمیت شناخته شود. در شناخت پیشینه موضوع، الگوهای پوشاندن فضاهای باز تاریخی نیازمند پوشش در جهان، ایران و یزد در سه دسته متناسب به تابستان و زمستان و چهارفصل تبیین شدند. در استفاده از آنها با بیان اولویت الگوهای چهارفصل، تابستانه و به طور محدود زمستانه، مزایا و معایب و پیشنهاداتی نیز در جهت ارتقای آنها تبیین شد. همچنین آفت‌های پوسیدن در برابر اشعه

ماورای بنفش، آسیب پذیری در برابر باد شدید و همچنین تحمیل بار اضافه بر سازه‌های بناهای موجود سنتی بر شمرده شدند که بایستی متخصصان امر برای مقابله با آنها راهکارهای دقیقی را تعریف نمایند.

در جمع‌بندی بایستی ذکر کرد در مورد کاربری-های مذهبی در فضاهای باز با ارزش تاریخی در بافت یزد، از میان الگوهای پوشش، به دلایل فرهنگی، مذهبی، تاریخی و هویتی، تنها الگوی «پوش» قابل استفاده است. همچنین استفاده از الگوی پوش برای کاربریهایی غیر از مذهبی توصیه نمی‌شود. به این ترتیب تاکید بر این است که سنت پوش، تنها در کاربریهای مذهبی در فضاهای باز

مورد فضاهای باز با ارزش تاریخی، حساسیت موضوع بسیار زیاد است و بایستی به توافق‌نامه‌ها و منشورهای جهانی در این ارتباط مراجعه دقیق‌تری کرد. در انتها به نظر می‌رسد سازه‌های نو با رویکردهای استفاده از قابلیت‌های مصالح بومی، زمینه مناسبی برای استفاده بهینه در پوشش‌های متناسب با فضاهای باز بافت یزد باشد که می‌بایست در جستجوهای بعدی مد نظر قرار بگیرد.

سپاسگزاری

با سپاس از جناب آقای مهندس محمدعلی بنی‌هاشمی، که دستینه‌ها را برای نوشتار حاضر ترسیم نمودند.

ارزش تاریخی مورد استفاده واقع شود و تداوم استفاده از آن در این مسیر، سهم آیندگان نیز بشود. اگر چه الگوهای پوشش چهارفصل، امکانهای بیشتری را پیش روی کاربران از باب استفاده بهینه فضا فراهم می‌کنند، اما طراحی خاص خود را می‌طلبند تا در چالش‌های جدی که پوشش در ارتباط با آب‌بندی و گاهی ایزوله شدن و همچنین مقاومت در برابر باد و تاب‌آوری در برابر اشعه ماورابنفش خورشید دارد، توفیق لازم را داشته باشد. مقوله طراحی پوشش‌ها و جزییات اجرایی آنان، متناسب با هر نمونه موردی، پاسخ‌های خاص خود را می‌طلبند. ورود به طراحی آنان، موضوع نوشتار حاضر نبود، اما در مدخل موضوع بیان می‌شود، در

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در سند احیا اماکن تاریخی و فرهنگی ایران در مورد مداخلات در بافت چنین بیان شده است: «توجه به تبعات مداخله به گونه‌ای که ظرفیت‌های اثر را محدود نساخته و تغییر سیمای عناصر کالبدی را در پی نداشته باشد مجاز می‌باشد» (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۸: ۲۹).
- ۲- درباره آداب پوش کشیدن چنین آمده است: «... پوش از پارچه ای محکم با الیاف پنبه‌ای بود که به نقوش واقعه کربلا مزین شده بود و نمادی از خیمه گاه حسینی به شمار می‌آمد تا عزاداران حسینی در محیطی دور از هیاهوی روزمره و مصون از گرما و سرمای کویری عزاداری را برپا دارند. قبل از شروع مراسم پوش کشیدن عده‌ای بنام چاووش‌خوان یا پیشکسوتان محل شروع به خواندن اشعاری در وصف کربلا می‌کردند و عموم را برای برپایی خیمه گاه حسینی دعوت می‌کردند که معمولاً جوانان دوستدار امام حسین آماده پوش کشیدن می‌شدند. در وسط مجلس، سکوی محکم و مدوری ساخته شده بود که عمود و تیرک خیمه "یا حسین گویان" بوسیله طناب محکم و استوار می‌شد و پوش با زحمت بسیار بالا کشیده می‌شد و طنابهای محکم و حلقه‌های فلزی به دیوار یا پشت خیمه گاه محکم می‌شد...» (رمضانخانی، ۱۳۹۲).
- ۳- در بعضی موارد روی پوشانه پلاستیکی، از اندود بسیار نازک سیمان سفید یا گِل استفاده می‌کنند تا در فصل گرما از حالت گلخانه‌ای اجتناب شود.
- ۴- پروفیل‌های سبک فلزی را با پوشانه آزیستی نیز می‌پوشانند و بخش‌هایی از لبه‌ها را برای نورگیری با شیشه می‌پوشانند. سازه فلزی لوله و قوطی و... را با پشم و شیشه و ورق گالوانیزه نیز می‌پوشانند.
- ۵- نحوه آماده کردن تکیه دولت و پوشاندن آن برای مراسم عزاداری آداب خاصی داشت: «تکیه دولت را در اواخر ذی‌الحجه، چندروز مانده به اول محرم، برای تعزیه‌خوانی آماده میکردند. نخست چادر تکیه را روی سقف هلالیشکل می‌کشیدند، نایب‌النظاره دربار با همکاری ناظم‌البکا، کارکنان و فراشان، تکیه را آماده میکردند. تکیه را تمیز می‌کردند و سپس پارچه‌های سیاه، بر دیوارها و جرزهای طاق نماهای آن می‌کشیدند و جایگاه مخصوص شاه را با قالی، قالیچه، پارچه‌های رنگارنگ و چلچراغ می‌آراستند. آرایش و بستن طاقنماهای دیگر بر عهده کسانی بود که طاق‌نماها را در اختیار آنان گذاشته بودند (افرادی نظیر حکام ولایات یا یکی از وزارتخانه‌ها)» (گلجان و افشاررضایی، ۱۳۹۳).

۶- Frei Otto (1925-2015)، معمار و مهندس سازه آلمانی بود که شروع کننده کار طراحی و ساخت سقف های باز و بسته شونده بود و شاگردان بسیاری را در این راه تربیت نموده است. کتب و آثار سازه ای بسیاری از وی در این حوزه به جای مانده است.

۷- کروکی هایی که در پی خواهند آمد توسط مهندس محمدعلی بنی هاشمی، به طور خاص، برای تحقیق حاضر تهیه شده اند.
 ۸- تاکید و توجه بر شیوه خاص پوشش های موقت فضاهای باز مذهبی در یزد به عنوان یک سنت پایدار و پاسخگو سبب حفظ آداب و رسوم و مراسم مردم شهر و استان یزد قبل و بعد از مراسم مذهبی و معرفی آن به دیگر نقاط ایران و جهان است.
 ۹- برای مقابله با ناپایداری پوش در برابر بادهای شدید، می بایست با کابلها یا طناب هایی، مهارهایی برای تقویت بالای ستون چوبی فراهم شود. همچنین تکیه گاه های سنگی (مشابه سنگاب) قابل حمل و نقل مناسبتری (احتمالا با افزایش عمق حفره میانی سنگ برای تاب آوری بیشتر ستون در آن) در پای ستون های پوش می بایست برای آنها در نظر گرفته شود.

منابع و مآخذ

- پاکباز، رویین. (۱۳۷۸). دایره المعارف هنر. انتشارات فرهنگ معاصر. چاپ نخست.
- پدرام، بهنام؛ اولیا، محمدرضا، و وحیدزاده، رضا. (۱۳۹۰). ارزیابی اصالت در فرایند حفاظت از آثار تاریخی ایران: ضرورت توجه به تداوم فرهنگ بومی آفرینش هنری. نشریه مرمت آثار و بافت های تاریخی فرهنگی. سال اول. شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰: ۱-۱۶.
- ترک زبانه، شقایق و محمدمرادی، اصغر. (۱۳۹۰). ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی. نشریه شهر و معماری بومی. شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰، ۵۳-۶۶.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). گنجنامه (خانه های اصفهان، دفتر چهارم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سید محمد. (۱۳۹۵). صفحه اینستاگرام: mohammad_hoseyni. آخرین دسترسی: ۱۱/۲/۹۶.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران: سیاست ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دانشنامه آزاد، <http://fa.m.wikipedia.org>. آخرین دسترسی ۱۱/۲/۱۳۹۶
- رمضانخانی، صدیقه. (۱۳۹۲). آداب و رسوم پیش از محرم در یزد. خبرخوان. مجلی خبری تحلیلی الکترونیکی یزدان ۱۵/۸/۱۳۹۲ (آخرین دسترسی به سایت: خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): www.isna.ir/news).
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. (۱۳۸۸). سند احیا و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. صندوق احیاء و بهره برداری از بناها و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی.
- شاه تیموری، یلدا و مظاهریان، حامد. (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی. دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱: ۲۹-۴۰.
- شریفی، احسان. (۱۳۹۶). سایت شخصی www.ehsansharifi.ir، آخرین دسترسی به سایت ۱۱/۲/۱۳۹۶.
- شریفی مهرجردی، علی اکبر و دادخواهی، محمدعلی. (۱۳۹۲). نقش مایه های گرافیکی و مذهبی خیمه ها در حسینیه ها و تکایای یزد. فصلنامه تخصصی چیدمان. شماره ۱: ۶۶ تا ۷۱.
- خبرگزاری مهر، تاریخچه تکیه های پایتخت (از تکیه تجریش تا تکیه درخونگاه). www.mehrnews.com. آخرین دسترسی به سایت ۱۱/۲/۱۳۹۶
- عنصری، جابر و کرمزاده شیرانی، منصور. (۱۳۹۲). بررسی تداوم الگوی معماری تکیه دولت تهران در تکایای دولتی دوره قاجار. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی.
- فرهمند، جلال. (۱۳۹۶). تکیه دولت به روایت تصویر. ماهنامه الکترونیکی بهارستان. شماره ۱۰۴: ۴-۱۰، www.iichs.org، آخرین دسترسی ۱۱/۲/۱۳۹۶.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۷۴). باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. انتشارات دانشگاه تهران
- گلجان، مهدی و سپیده افشار رضایی. (۱۳۹۳). تکیه دولت و مراسم مذهبی آن. پژوهشهای علوم تاریخی. دوره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱، ۱۰۵-۱۲۱.

- مانیانگولامپونبانی، ویتوریو. (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی قرن بیستم. ترجمه: لادن اعتضادی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- متینی، محمدرضا. (۱۳۹۳). پوشش‌های سبک برای حیاط مرکزی ابنیه‌ی تاریخی ایران؛ نقد وضع موجود و ارائه‌ی الگوهای پیشنهادی. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. دوره ۱۹، شماره ۳: ۱۸-۲۵.
- Frearson, Amy. (2017). Retractable” scallop shell” Roof could be built over Veronas Roman Arena, Dezeen: <http://www.dezeen.com>, 9 february 2017.
- Friedman, No’emi. (2011). Investigation of highly flexible, deployable structures: review, modelling, control, experiments and application. Other. ‘Ecole normale sup’erieure de Cachan - ENS Cachan, 2011. English. <NNT: 2011DENS0060>.
- Osmani, Arash& Matini, Mohammad Reza & Shahbazi, Yaser & Afshari azad, Somayeh. (2015). Rigid-Cover Pantographic Structures with Variable Moduli, Caspian Journal of Applied Sciences Research 4(9), pp. 24-32, 2015 Journal Homepage: www.cjasr.com ISSN: 2251-9114
- Tectonica-online. (2017). Translucent membrane for Retractable Roofs. www.tectonica-online.com, last visit: 1 May 2017.

Cover patterns Strategies for Exposed Spaces in the Historic Districts of Yazd

Azadeh Khaki Ghasr*

Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

This study aims to explore cover patterns strategies for the exposed historical places in Yazd, central Iran. The dimensions and types of patterns employed in adapting historic structures to modern life were investigated by using analytical-descriptive and interpretive-historical methods. The results conveyed that there are three patterns as appropriate to different climates and ecologies. Summer patterns is suitable for shading and includes fixed or movable structures. Winter patterns is fixed and is used in cold seasons. Supplementary solutions including shades can appropriate them for warmer seasons. And all-season patterns are retractable and can be folded or unfolded as climatic conditions might require. The last strategy seems to be superior, but it is time-consuming and expensive. Retractable patterns are most appropriate in the case of historic structures as the modifications they require are minimal and their construction materials are different from those employed in their contexts. Several factors should be taken into consideration in selecting patterns for the historic districts of Yazd that include the distance between supporting bars, budget, the historic value of the covered structure, its essential functions, the functions of the open space during daylight and nights, maintenance, and the consistency of the existing structures to support roofing. "Poosh" can prove to be an appropriate cover for historic structures with religious functions during all seasons. As a traditional solution, its use must be maintained as it supports community sustainability while its employment in other contexts should be restricted. It should also be mentioned that all-seasonal, some summer and few winter patterns require minimal contextual modifications in the historic structure that is being sheltered, while they can facilitate easier and more comfortable access.

Keywords: cover patterns, exposed spaces, historic districts of yazd, Poosh, summer patterns, winter patterns, all-season patterns

* Email: A_Khakighasr@sbu.ac.ir

Revitalization of Historical Neighborhoods by Employing Gentrification Strategy

Marjan Shahabzade*

Assistant professor of urbanism ,Young Researchers and Elite Club, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

Over the last few decades, the historical neighborhoods have lost their vitality and have been transformed into inappropriate residential areas. After the unsuccessful experience of ill-considered interventions at high costs, new paradigms including social sustainability have been introduced to make meaningful changes in previous plans. Since environmental quality degradation in historical contexts is a complex urban problem, the current situation cannot be improved merely through physical methods. This paper aims to develop an effective strategy to restore the social and physical vitality in historical neighborhoods. Assuming gentrification as an appropriate strategy for social promotion with physical consequences, this paper seeks to answer if historical neighborhoods in Shiraz qualify for gentrification, and, if yes, what would be its consequences and the factors that can expedite the process. Building upon previous studies, qualitative and quantitative methods were employed to interview the residents in order to investigate the situation and determine requirements for renovation. Accordingly, a process is proposed for introducing changes. The results indicate that the gentrification cycle and dilapidated circumstances allow for the applicability of the process of gentrification in the case of historical neighborhoods in Shiraz due to their deteriorated conditions. Besides, it is economically justified to undertake to perform this process. In the end, this study proposes a procedure for gentrification in the historical neighborhoods in Shiraz and clarifies their stimuli. This process involves three stages: the first stage includes motivating residents to move out of neighborhoods and settling them in alternative places, alongside with specifying the required houses according to immigrant populations and contributing in transferring land to current residents; secondly, restoring and rehabilitating urban spaces, and undertaking stimulating development projects in the historical neighborhoods; and the third stage includes encouraging volunteers to participate in restoration and motivating them to settle in the neighborhood afterwards. This article also specifies the ways through which negative effects of the process can be minimized and its positive impacts can be maximized.

Keywords: gentrification, historical neighborhood, Shiraz, restoration, process

* Email: M_shahabzadeh@sbu.ac.ir

Assessment of Urban Safety in Farahzad Neighborhood of Tehran, by Using the Factor Analysis Method

Mostafa Abbaszadegan¹, Mina Firuzian^{2*}, Maryam Rohani Shahraki³

1- Associate Professor University of Science and Technology, Ph.D. in Urban Design

2- Master of Urban Design University of Science and Technology

3- Master of Urban Design University of Science and Technology

Abstract

"Safety" is one of the most important qualities of urban spaces. Although one space has many features, without this quality, there would be fewer people and this causes lack of prosperity and increases insecurity. This feature may be seen in some neighborhoods of Tehran, and Farahzad, as a context with lots of capabilities, is one of those. It is located in the far north-west region of Tehran and is well known due to the pilgrimage places, favorable weather, its watercourse and catering units. However besides its positive characteristics listed above, it has particular circumstances in terms of abandoned land distribution, vulnerable nature and undesirable constructions in the domain of watercourse, etc. These factors beside the state of residency, which is often settlers of different ethnicities, has caused Farahzad to face specific social harms. In this paper which is the result of a study, we are trying to discuss and investigate the effective factors on urban safety, from the experts' points of view, and to gain the data related to those factors Farahzad area, and after that to classify the indicators, in the form of overall related factors, by using factor analysis. In fact three factors were named by using this method; the first one (Space form and Social control) has the highest correlation in it and it can be expressed that it is the most important factor in determining safety. This result shows that the first priority in improving security of Farahzad neighborhood is paying attention to the cited factor and after that other factors like the balance between performance, physical and social stratum and lively and legible public spaces.

Keywords: safety, urban spaces of neighborhoods, factor analysis, Farahzad neighborhood

* Email: minafiruzian@yahoo.com

Analyzing Constitutive Principles of the Hierarchy of the Concept of Center

Kazem Mondehari^{*1}, Zoha Nadimi²

1- Assistant Professor of Art and Architecture in Yazd University, Yazd, Iran

2-Master of Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

Abstract

“Center” has been among the frequently discussed issues in architectural studies. In the field of architecture, thinkers like Christian Norberg-Shults, Rudolf Arnheim and Christopher Alexander have founded their theories on this concept while their understanding of it differs greatly. Surveying these theories, this research seeks to propose a more comprehensive understanding of center. The basic question is to determine how different kinds of centers influence each other, which, in its turn, leads to the consolidation and unification of a work. To provide an answer to this question, different theories of center are investigated, categorized, and explained. The categories include real, essential, sense-making, functional, and physical (artificial and natural) centers. Different types of centers are interrelated and create architectural consistency and wholeness according to certain unifying principles. Hierarchy, convergence, order, balance, and unity of centers constitute these principles. Balance and unity are principles of higher order, while hierarchy, convergence and order can be considered as their subordinates. Moreover, they can all be considered as different aspects of the same principle, namely the unity of center. The concurrence of all these principles will lead to perfection in any piece of art. An architect must totally internalize these principles in order for them to be manifested in his works. Postulating that Iranian-Islamic architecture is founded upon the basic principles of existence, this article contributes to a novel understanding of Islamic architecture through revealing an aspect of universal order.

Keywords: center, architecture, consolidation principles

*Email: mondehari@yazd.ac.ir

Assessment of Proposals for Revitalization a Dilapidated Plot of Land Located in Yazd according to Integrated Conservation and Regeneration Approach

Mahmoud Poursarrajian *

PhD Candidate in Architecture- University College of Fine Arts-University of Tehran

Abstract

Historical neighborhoods need be regenerated in order to be able to play an eminent role in the urban context. This regeneration might require designing new spaces. As this will influence the historical neighborhood in its entirety as well as its values, the possible impacts of regeneration plans should be closely checked before actual implementation. This study aims to assess such effects in four proposals suggested for revitalizing a dilapidated plot of land in the Dār al-Shafā neighborhood in Yazd through specifying the criteria and variables for prognosticating physical changes. Employing integrated conservation and regeneration as the most comprehensive approach, the parameters for assessing the historical neighborhood were explicated by using deduction and questionnaires. The participants were five professors teaching at prestigious universities with relevant publications and research interests. Then, employing a pseudo-AHP method and questionnaires, four proposals put forth for revitalizing that plot of land were assessed. At this stage, more university professors were questioned. Simultaneously, assessment of proposals is executed by 14 PhD students and 6 professors, who accepted invitation for assessment. 32 students and professors are randomly invited. The results conveyed that “respecting and preserving historical and cultural values,” “preserving and improving the neighborhood’s current values,” and “employing the neighborhood’s value system in designing and bringing about the changes” are three criteria for assessing proposals. The resulted criteria for assessment with respect to three values of historical urban fabric including “Historic value”, “Cultural value” and “Current value”; and according to the Principle of “harmony” that interpretation of it comments two principles of “respect and preserve neighborhood values” and “do not imitate” included “respect to principles and values of present and future” and “respect to change” for continuity and sustainability of historical neighborhood in the past, present and future time; are three criteria of “Respecting for and preservation of historical and cultural value”, “Preservation and upgrading the current value of the neighborhood” and “The use of criteria what value to building of neighborhood for new design”. First criterion includes four sub-criteria “Observance of authenticity”, “Observance of integrity”, “Observance of identity and character” and “Observance of Continuation of collective memory and historical memory”. Second criterion includes four “Physical improvement”, “Economic improvement”, “Promotion of social capital” and “Functional improvement”. Also, based on this criterion, the “change” should be observed values of creation process itself, for example, the quality of the idea, quality of design and the quality of its relationship with the environment and nature”, on the best possible level of compliance. The main distinguishing feature of the newly proposed assessment system is the consideration of current cultural values side by side with an attempt to preserve and revitalize the historical ones.

Keywords: historical neighborhood, integrated approach to preservation and restoration, criteria of assessment, experts and academics, pre-assessment, Dār al-Shafā neighborhood in Yazd

* Email: Sarrajian@gmail.com

A Comparative Investigation of Dominant Building Rating Systems and Iranian National Building Codes according to Sustainability Criteria

Zahra Raeisi^{1*}, Morteza Nikravan²

- 1- PhD Candidate in architecture at university of Tehran, Researcher at AUT's office of sustainability. Address: College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran
- 2- Assistant Director of AUT's office of Sustainability & PhD student, Civil and Environmental Engineering Department, Amirkabir University of Technology (AUT), Hafez Avenue, Tehran

Abstract

The increase in growth of building construction projects has adverse effects on the environment and health condition of occupants. As building codes are determining factors in urban architecture, sustainable development and concerns over future generations demand implementing the building rating system is important which is based on environmental criteria. This paper investigates the main and international environmental rating systems for buildings, including BREEAM, LEED, and CASBEE respectively employed in United Kingdom, United States of America, and Japan. This comprehensive study also assesses Iranian Building Codes for their conformity to sustainable criteria. This comparative study of selected scheme was done by paying particular attention to the domain of credit allocation (i.e. the weighting system) and sustainable development criteria in each one, as well as the similarities and differences between these three rating systems have identified. Furthermore, Iranian national building codes are compared to BREEAM, LEED, and CASBEE. It is necessary to emphasize that these results are compared with Iran's Building Codes for the first time. The rating systems of some countries including UAE, Qatar, and Egypt are also explored as various international experiences in localizing rating systems. It is recommended that according to the regional priorities a prevalent rating system should be selected and then adopted to the local properties of Iran to reach at an effective environmental rating system for construction. Consequently, regarding to environmental priorities of Iran in constructions, a novel framework for developing green construction and further new sections to be included in the Iranian Green Building Code are proposed. This study conveys that the most dominant criteria of green construction are identities despite the fact that they are ignored in Iranian National Building Codes. Renewable energy, water efficiency, waste management, ecological values, transport accessibility, and material efficiency over life cycle assessment are the basic principles for sustainable development that can lead to improved national green building codes and green building rating systems.

Keywords: assessment of sustainability, green building, sustainable assessment tools, environmental rating systems for building, Iranian national building codes

* Email: zahraeisi@ut.ac.ir

CONTENTS

A Comparative Investigation of Dominant Building Rating Systems and Iranian National Building Codes according to Sustainability Criteria	3
Zahra Raeisi, Morteza Nikravan	
Assessment of Proposals for Revitalization a Dilapidated Plot of Land Located in Yazd according to Integrated Conservation and Regeneration Approach	4
Mahmoud Poursarrajian	
Analyzing Constitutive Principles of the Hierarchy of the Concept of Center	5
Kazem Mondehari, Zoha Nadimi	
Assessment of Urban Safety in Farahzad Neighborhood of Tehran, by Using the Factor Analysis Method	6
Mostafa Abbaszadegan, Mina Firuzian, Maryam Rohani Shahraki	
Revitalization of Historical Neighborhoods by Employing Gentrification Strategy	7
Marjan Shahabzade	
Cover patterns Strategies for Exposed Space in the Historic Districts of Yazd	8
Azadeh Khaki Ghasr	



INSTRUCTIONS TO CONTRIBUTORS

- Scientific-research articles published after peer review and approval of the editorial board. Other papers such as translation, compilation, book reviews and... will not be accepted.
- The paper can not be previously published in other journals or other publications or conferences ever to be sent for review and printing.
- The paper should preferably be in Persian. Although this publication is to be confirmed in writing to publish in the English language.
- The paper should have an appropriate level of scientific and research methods and rules are formulated in writing to abide by and be smooth.
- The editorial board may accept or reject the article.
- In the first page, the author (s) full name, title and affiliation, subsidiary of the organization, address, email and phone number of author/authors should be given. Also, if the paper is based on a grant or a student thesis, it should be noted accordingly on the first page.
- The paper should include an abstract, introduction (including the problem statement, the importance and necessity, goal, history, questions or hypotheses, research methods, introduced variables and domain research), concepts and on theoretical grounds, the application of methods and techniques and analysis and conclusions (in line with the goals and hypotheses or questions and results of applying the techniques and methods), and references.
- Abstracts should be written in Persian and English and its review of the problem statement, goals, methodology, findings and conclusions and key words (4 to 6 words). This alone should be expressed in all the paper, especially the results. Persian abstract is about 350 words. Persian and English abstracts must be provided in a separate page and be numbered from No. 1 to the end.
- Papers typed on Bzar font. The main title font is 14 Black, the sub title font is 12 Black, text font is 14 and abstracts font will be typed size 12.
- The right margin of 3 cm, left margin of 2/5, top 3/5 and bottom 2/5 cm and distance between the lines to be single.
- Bibliographic information about papers, books, reports and other references will be made this way:
 - Book: Author(s). (year). book title, translator, publisher and location, publishing time.
 - Paper: Author(s). (year). full paper title, Journal's name, volume, number.
 - Thesis: Author. (year). full thesis title, supervisor name, university name.
- The sole responsibility for views and statements expressed in the paper remains with the author/authors.
- If a paper has several authors, one must be represented as the author corresponding.